

مدیریت و برنامه‌ریزی امور خانواده



حسن ملکی (قاسم)



مدیریت و برنامه‌ریزی

امور خانواده

مؤلف:

حسن ملکی (قاسم)

انتشارات دانش

بهار ۸۸

سرشناسه	: ملکی، حسن ۱۳۴۳
عنوان و پدیدآورنده	: مدیریت و برنامه‌ریزی امور خانواده / تألیف: حسن ملکی
مشخصات نشر	: زنجان: دانش ، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۴ ص.
شابک	: ۸-۱۳-۵۴۲۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: خانواده
موضوع	: اقتصاد خانواده
موضوع	: والدین و کودک
یادداشت	: کتابنامه: ص ۲۰۴-۲۰۶
رده‌بندی کنگره	: HQ ۷۴۳
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۶/۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۶۳۸۴۵۷

مدیریت و برنامه‌ریزی امور خانواده

تألیف: حسن ملکی (قاسم)



ناشر: انتشارات دانش

لیتوگرافی: سلیم * چاپ: نفیس * صحافی: نقش جهان

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه * شابک: ۸-۱۳-۵۴۲۹-۶۰۰-۹۷۸

چاپ اول، بهار ۸۸ * قیمت: ۲۶۰۰ تومان

مرکز پخش

زنجان: خیابان سعدی وسط، جنب بانک ملی شعبهٔ سعدی، شماره ۲۹۵ و ۲۹۷، مرکز کتاب زنجان، تلفن: ۳۲۳۱۷۹۵-۰۲۴۱

۸- به جای اینکه به خودزیانی بپردازند به خودشکوفایی اقدام می‌کنند.

۹- شادکامی‌خانواده را به تلخ کامی‌ترجیح می‌دهند.

۱۰- رشد و آگاهی را جایگزین جهل و ناآگاهی کرده اند.

۳- **خانواده متکامل:** خانواده متکامل خانواده ای است که پس از متعادل شدن به تکامل و بالندگی می‌رسند و آن زمانی است که حداکثر قابلیت‌ها و تواناییهای وجودی اعضای خانواده کشف شود، پرورش یابد و توسعه و گسترش پیدا نماید. خانواده متکامل خانواده ای است که نه تنها خود مشکلی ندارند و از تعادل لازم برخوردارند بلکه مشکل‌زا نیز می‌باشند و در رفع آسیب‌های روانی و اجتماعی سایرین و خانواده‌های وابسته گام برمی‌دارند. اعضای این نوع خانواده هدف‌هایی فراتر از منافع شخصی در سر می‌پرورانند و علاوه بر آن مستقل از اظهارنظرها و داوریهای مردم عمل می‌کنند. (شرفی، ۱۳۷۲)

❖ **خانواده‌های باز و بسته:** خانواده‌های باز خانواده‌هایی هستند که در آن‌ها ارتباط اعضای خانواده با اقوام و خویشاوندان و افراد مختلف اجتماع و وسایل ارتباط اجتماعی محدودیتی وجود ندارد و اعضاء به راحتی می‌توانند با هر کسی مراوده داشته و از انواع رسانه‌ها نظیر ماهواره، روزنامه، اینترنت و ... بهره بجویند. مدیریت حاکم بر این نوع خانواده‌ها از نوع باز می‌باشد. در چنین خانواده‌هایی اولاً سطح ارزش اعضای خانواده بالاست و همه اعضا مورد احترام واقع می‌شوند. ثانیاً ارتباط اعضا با یکدیگر صادقانه، روشن و مستقیم می‌باشد. ثالثاً قواعدی که بر خانواده حاکم است قابل انعطاف و تغییرپذیر می‌باشد. بطور خلاصه خانواده محلی مناسب جهت رشد اعضاء و تبادل نظر و بالندگی است.

❖ **خانواده از نظر کیفیت ارتباط اعضاء:** این نوع خانواده‌ها به سه دسته تقسیم می‌گردند:

۱- خانواده‌های متزلزل: این نوع خانواده، خانواده ای است که از هدف اصلی باز مانده و آرمانش را از دست داده است و از دورن تهی شده و با کوچکترین ضربه ای فرو می‌ریزد. روابط خصمانه و غیردوستانه در آن جلوه گر شده، مسئولیت‌ها لوث گردیده و مدیریت تجزیه شده است و تصمیم گیری درآن دشوار گردیده است و جاذبه ای برای اعضاء ندارد.

۲- خانواده‌های متعادل: خانواده‌هایی هستند که واقع بینی در آنها وجود دارد و نوعی بصیرت و اعتماد به نفس در اعضا می‌آفرینند. منظور از این خانواده‌ها این نیست که سازمان فاقد عیب و نقص می‌باشد. بلکه این نوع خانواده‌ها نیز با مشکلات و موانع قابل توجهی برخورد می‌نمایند اما شیوه ای که جهت برخورد با مسائل و مشکلات اتخاذ می‌نمایند شیوه عقلانی و منطقی است. و از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

۱- در برابر بینش و تفکر جزمی(دگماتیستی) از تفکر تکاپویی بهره می‌گیرند.

۲- در برابر انجماد عاطفی از تبادل عاطفی بهره می‌گیرند.

۳- به جای منفی گرایی از مثبت گرایی استفاده می‌کنند.

٤- به جای خصومت از تفاهم با یکدیگر بحث می‌کنند.

۵- به جای واگرایی از همگرایی سود می‌برند.

٦- به جای رقابت از مشارکت بهره می‌برند.

۷- به جای زور از منطق استفاده می‌کنند.

زندگی می‌کنند و وابستگی شدید اقتصادی و روانی بین اعضا وجود دارد. امروزه خانواده هسته ای به دلایل متعدد چون رشد خودمحوری، تفکر سود جویانه، ترک جغرافیایی و اجتماعی و ... رونق بیشتری‌دارد.(صافی،۱۳،۱۳۷٤)

❖ **خانواده‌های یک قطبی و خانواده‌های دو قطبی:** خانواده‌های یک قطبی خانواده‌هایی هستند که پدر و مادر خانواده درخصوص تربیت فرزندان دارای وحدت رویه می‌باشند و با یکدیگر اختلاف ندارند. این گروه خانواده‌ها به چندین دسته تقسیم می‌گردند. ۱- خانواده یک قطبی منفعل این خانواده نوعی خانواده است که هم پدر و هم مادر در تربیت فرزندان دارای حالت انفعال می‌باشند و هر آنچه را که فرزندان بگویند و بخواهند انجام می‌گیرد. ۲- خانواده یک قطبی پرخاشگر خانواده ای است که هم پدر و هم مادر در تربیت فرزندان پرخاشگری می‌نمایند و فرزندان را از خود طرد می‌نمایند. ۳- خانواده یک قطبی ایزوله یا بی تفاوت خانواده ای است که هم پدر و هم مادر در تربیت فرزندان تعهدی احساس نمی‌کنند و بی تفاوت می‌باشند. ٤- خانواده یک قطبی فعال یا اکتیو در این نوع خانواده هم پدر و هم مادر در تربیت فرزندان ضمن آنکه با یکدیگر هماهنگ می‌باشند با موضوع فعال و توأم با احساس مسئولیت برخورد می‌نمایند. در مقابل خانواده‌های یک قطبی، خانواده‌های دو قطبی قرار دارند. این خانواده‌ها، خانواده‌هایی می‌باشند که بین پدر و مادر درخصوص تربیت فرزندان هماهنگی وجود ندارد، وحدت رویه وجود ندارد، متضاد عمل می‌کنند و هر کدام روش خاصی را برای تربیت فرزندان درست و منطقی می‌دانند. از بزرگترین عارضه این نوع تربیت به تعارض دچار شدن فرزندان می‌باشد.

❖ **خانواده همسر غایب:** خانواده‌هایی هستند که همسر به علت مشغله کاری زیاد زمان بیشتری را خارج از خانه و خانواده می‌گذرانند.

❖ **خانواده با کارکرد نامطلوب:** خانواده‌هایی هستند وابسته به الکل، مواد مخدر، داروهای شیمیایی، مبتلا به اختلالات روانی و خانواده‌هایی که کودکان به لحاظ جسمانی، روانی و جنسی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

❖ **خانواده‌های درون همسری و برون همسری:** خانواده درون همسری خانواده ای است که اعضا آن فقط از میان اقوام و خویشان، همسر انتخاب می‌نمایند. خانواده برون همسری خانواده ای است که برای ازدواج اعضا از بیرون از خویشان و اقوام، همسر انتخاب می‌کنند.

❖ **خانواده‌های از نظر مدیریت اعضا:** پدرسالار خانواده‌ای است که در آن مرد دارای قدرت و اختیار می‌باشد و خانواده زیر نظر او اداره می‌شود. مادرسالار خانواده ای است که مادر در آن دارای قدرت و اختیار بوده و خانواده زیر نظر او اداره می‌شود. فرزندسالار خانواده ای است که براساس خواسته‌ها و ایده‌های فرزند یا فرزندان اداره می‌شود. خانواده مشارکتی خانواده ای است که با هماهنگی و همکاری کلیه اعضا با یکدیگر خانواده را مدیریت می‌نمایند و قدرت متمرکز بر فرد خاصی نمی‌باشد.

❖ **خانواده هسته‌ای و خانواده گسترده:** خانواده هسته‌ای خانواده‌ای است که اعضای آن را زن، مرد و فرزند یا فرزندان تشکیل می‌دهد و به محض ازدواج فرزندان از آن جدا می‌شوند و بنیان خانواده هسته‌ای جدیدی را پایه ریزی می‌کنند. خانواده گسترده خانواده ای است که وقتی پسران خانواده بزرگ می‌شوند و ازدواج می‌نمایند از خانواده پدری جدا نمی‌شوند همه با هم



❖ **خانواده پرکار:** خانواده ای است که والدین به شدت مشغول کار در بیرون منزل می‌باشند و فرزندان فراموش شده‌اند.

❖ **خانواده گمراه کننده:** خانواده‌هایی هستند که والدین موجبات انحرافات جنسی و بلوغ زودرس جنسی فرزندان خود را فراهم می‌آورند.

انواع خانواده

۸- از نظر رفتار منش
- خانواده گرم
- خانواده سرد
- خانواده خودکامه
- خانواده بی بند و بار

۹- از نظر نوع ازدواج
- خانوداده درون همسری
- خانواده برون همسری

۱۰- از نظر زندگی در زمان
- خانواده‌ای که در گذشته زندگی می‌کند
- خانواده‌ای که در حال زندگی می‌کند
- خانواده‌ای که در آینده زندگی می‌کند

۱۱- از نظر آسیب‌های اجتماعی
- خانواده سالم
- خانواده آسیب دیده

۱۲- از نظر حضور همسر
- خانواده همسر غایب
- خانواده همسر حاضر

۱۳- از نظر تعداد فرزند
- کم فرزند
- پر فرزند
- بی فرزند

۱۴- از نظر نوع سرپرستی
- خوب سرپرست
- بد سرپرست
- بی سرپرست
- خود سرپرست

۱۵- از نظر کارکرد
- خانواده با کارکرد مطلوب
- خانواده با کارکرد نا مطلوب

انواع خانواده

۱- از نظر ساختار
- خانواده هسته‌ای
- خانواده گسترده
- خانواده گسسته
- خانواده ناقص

۲- از نظر سبک مدیریت
- خانواده مستبد
- خانواده دموکرات
- خانو داه رها

۳- از نظر مذهب
- خانواده مذهبی
- خانواده بی‌تفاوت
- خانواده لائیک

۴- از نظر کیفیت روابط
- خانواده متزلزل
- خانواده متعادل
- خانواده متکامل

۵- از نظر هماهنگی در تربیت فرزندان
- یک قطبی
  - منفعل
  - پرخاشگر
  - ایزوله
  - اکتیو
- دو قطبی

۶- از نظر مدیریت اعضاء
- خانواده پدر سالار
- خانواده مادر سالار
- خانواده فرزند سالار
- خانواده مشارکتی

۷- از نظر تعداد همسر
- خانواده تک همسری
- خانواده چند همسری

۱۲- نیازهای اقتصادی:

به مفهوم پرورش کارآیی و بهره وری نیروی انسانی در تأمین رفاه و آسایش زندگی و ساختن محیط مادی است (فیوضات، ۱۳۷۳، ۲۱) به عبارتی دیگر کلیه اعضای خانواده خواستار این هستند که بدانند چگونه می‌توانند از شیوه‌های صحیح اسباب رفاه و آسایش خانواده را تأمین کنند. آنها چه چیزهایی باید بیاموزند؟ چگونه باید درآمد مشروع داشته باشند؟ و... خانواده باید طرحی بریزد که در قالب آن اعضا افراد مفید اقتصادی تربیت شوند.

انواع خانواده

خانواده‌ها را براساس معیارها و ملاک‌های مختلفی تقسیم بندی می‌نمایند. که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

خانواده باید مانند مدرسه نقش ایفا کند و نیازمندیهای فکری اعضای خویش را برآورده کند.

۹- نیاز به مذهب:

نیاز به مذهب یکی از ضروری ترین نیازهای آدمی‌است چراکه زندگی انسان را معنی دار می‌نماید و از ریشه وجود او سرچشمه می‌گیرد. پرورش حس مذهبی اعضای خانواده از نیازهایی است که در خانواده باید مدنظر باشد.

۱۰- نیازهای فرهنگی:

به معنی پیش راندن و گسترش مرزهای دانش، معرفت، فن و هنر برای ساختن محیط فرهنگی زیست (فیوضات، ۱۳۷۳، ۲۱) به عبارت دیگر نیاز فرهنگی نیازی است که فرد به مرحله ای از رشد می‌رسدکه در راستای تشکیل فلسفه ای برای زندگی برمی‌آید و سعی می‌نماید همانند فیلسوفان عمل نماید، عقایدش را منظم کند، رفتارهایش را تنظیم کند و ... در چنین شرایطی خانواده باید او را یاری نماید.

۱۱- نیازهای اجتماعی:

به معنی پرورش تواناییها، بینش‌ها، خلاقیت، خودآگاهی و خویشتن ساختن محیط (فیوضات، ۱۳۷۳، ۲۱) به عبارتی کسب مهارت‌های زندگی جمعی از الزامات زندگی بشری است که خانواده درآن باید کوشا باشد.

۶- نیاز به پناهگاه:

خانواده باید مهمترین پناهگاه برای اعضای خویش در مقابل مسائل، مشکلات، حوادث، بحران‌ها، آسیب‌ها، موقعیت‌های پرخطر، تنگناها و ... باشد. چرا که در شرایط‌های مذکور اعضا نیازمند حمایت و پناه گرفتن می‌باشند. اگر خانواده این نیاز اعضا را برآورده ننمایند بدون شک اعضا از خانواده گریزان خواهند بود که حاصل آن چیزی جز افزایش عمق گرفتاری، آسیب و غیره نخواهد بود. هیچ فرقی نخواهد کرد کدام عضو خانواده باشد پدر باشد، مادر باشد یا فرزندان.

۷- نیاز به امنیت:

امنیت در خانواده از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. چراکه بعد از احساس امنیت در خانواده است که مراحل رشد و تکامل خانواده شروع می‌گردد. هرچند که امنیت در نزد فرزندان خردسال با سایر اعضا، معنی متفاوتی دارد ولی وجود آن یک ضرورت است. حاصل کلام اینکه اعضا نیازمند فضایی بر خانواده خویش هستند که در آن تهدید، ترس، اضطراب و ... معنی ندارند و اعضاء با خیال راحت مسائل، مشکلات، نظرات و ... خویش را مطرح می‌نمایند.

۸- نیاز به آگاهی:

اعضای خانواده نیاز دارند که اطلاعات متعددی را از ابعاد متعدد زندگی بدست آورند. از آنچه که در جهان می‌گذرد سردرآورند، آداب و رسوم فرهنگ خانواده، قبیله و قومیت خویش را بشناسند، با ارزش‌های مختلف آشنا شوند، برای زندگی از هدف و فلسفه ای برخوردار باشند. برای برآوردن چنین نیازی

٤- نیازهای روانی:

به لحاظ ساختار وجودی انسان نیمی‌از او را بُعد روانی تشکیل می‌دهد که اساس حیات معنوی و غیرمادی را بوجود می‌آورد. از این رو در این رابطه نیز کلیه اعضای خانواده نیازهایی دارند که باید در قالب خانواده برآورده شوند. از جمله این نیازها عبارتند از: احساس ارزشمندی کردن، احساس امنیت، احساس صمیمیت، به هم وابستگی، احساس مسئولیت، انگیزه، شادی، تأیید و تصدیق، حفظ رابطه عاطفی (لمس و نوازش)، عشق و صمیمیت، خودشکوفایی، تعلق داشتن، عزت نفس و ...

٥- نیاز توجه به مسائل و مشکلات:

انسان در طول حیات خویش دوران و مراحل متعددی را طی می‌کند. دوره جنینی (۹ ماه)، نوزادی (تا ١٤ روز)، طفولیت (تا ۲ سال)، کودکی (تا ۱۲ سال شامل چند مرحله)، نوجوانی (تا ۱۸ سال)، جوانی (تا ۲۸ سال)، میانسالی (تا ٤٠ سال)، بزرگسالی (تا ٦٠ سال)، پیری (تا ۷۵ سال) و کهولت (از ۷۵ به بعد) مراحل زندگی انسان را تشکیل می‌دهند و انسان در هر دوره یا مرحله با مجموعه ای از مسائل و مشکلاتی که خاص آن دوره می‌باشد مواجهه می‌باشد که نیازمند توجه نمودن به آنها و رفع نمودن آنها هستند. از این رو بر خانواده است که اولاً مشکلات هر عضو خانواده را که در مرحله ای از دوران رشد خویش می‌باشد شناسایی کنند ثانیاً در جهت از بین بردن یا کاستن آن مشکلات اقدام نمایند.

چربی، مواد معدنی، پروتئین‌ها و قندها در رژیم غذایی خانواده وجود داشته باشد. دوم بهداشت: منظور از بهداشت افزایش و ارتقای سطح سلامتی اعضای خانواده است. بهداشت می‌تواند فردی و یا جمعی باشد. سوم استراحت: بطور طبیعی ۸ ساعت استراحت مفید برای سلامتی بدن متناسب ارزیابی شده است. استراحت نمودن موجب تولید انرژی از دست رفته می‌گردد. چهارم تربیت بدنی یا ورزش: پرداختن به ورزش یکی از ابزارهای اساسی سلامت جسمانی است.

۲- نیازهای اخلاقی:

اخلاق از خلق می‌آید و به معنای روش، اعمال و رفتار با دیگران مطرح است. اخلاق نیکو را از مهمترین سرمایه‌های انسان برمی‌شمارند. اخلاق در واقع حدود و مقرراتی است که با به کار بستن آن رشد آدمی‌میسر می‌گردد. خانواده باید تلاش کند که اعضای خویش را پایبند به مسائل اخلاقی تربیت کند. از جمله موارد اخلاق عبارتند از: احترام به دیگران، گذشت، راست گویی، وفای به عهد، رعایت حقوق دیگران، حسادت نداشتن، حسن خلق، تواضع و فروتنی،عفو و اغماض و...

۳- نیاز به شجره نامه:

معمولاً اعضای هر خانواده احتیاج دارند بدانند که ریشه، اصل و نسب و اصالت آنها به کجا برمی‌گردد. از این رو شایسته است که هر خانواده اقدام به تهیه شجره نامه خویش بنمایند و از وضعیت گذشتگان خویش آگاهی بدست آورند.

۱۲- تأمین محلی برای ابراز دوستی، محبت و عشق:

یکی از ویژگیهای بارز انسانی توجه به جنس مخالف است که حاصل بلوغ جنسی است؛ در پی این قضیه شرایطی که هم مشروع باشد، هم قانونی و هم بدون دغدغه، به طوری که در پرتو آن یک فرد بتواند دوست داشتن، محبت و عشقش را به جنس مخالف ابراز نماید؛ چیزی غیر از ازدواج نیست. تنها ازدواج است که عاشقان را به هم پیوند می‌دهد و محبتها را بر دیگران مجاز می‌شمارد. از این رو تنها با شکل گیری ازدواج است که محل مناسبی برای انسانها جهت بروز عواطف خویش فراهم می‌گردد. از سوی دیگر خانواده شرایطی را بوجود می‌آورد که در آن والدین نسبت به فرزندان و فرزندان نسبت به والدین و نسبت به خودشان احساس دوست داشتن و محبت نمودن را تجربه نمایند.

نیازهای اعضای خانواده

آشنایی با نیازهای اعضای خانواده مدیریت خانواده را در برنامه ریزی و اداره خانواده یاری خواهد نمود و در طراحی خط مشی لازم برای مدیریت خویش در خانواده مفید خواهد افتاد. از جمله نیازهای اعضای خانواده به شرح زیر می‌باشند:

۱- نیازهای جسمانی:

نیازهای جسمانی نیازهایی هستند که با برآورده نمودن آنها سلامت جسمی‌اعضا تأمین شده و از مبتلا شدن به بسیاری از بیماری‌ها مصون می‌مانند. این نیازها در چهار بُعد می‌باشند. اول تغذیه مناسب: منظور از تغذیه مناسب تغذیه ای است که کلیه مواد غذایی لازم برای بدن که عبارتند از ویتامین‌ها،

عنوان پناهگاه فرزندان در آنها آرامش و تعادل می‌آفریند. بنابراین بر والدین است که در خانواده محیطی خلق کنند که این کارکرد خانواده تحقق پیدا کند.

۱۱- جلوگیری کردن اعضا از دچار شدن به فساد و فحشا و حفظ پاکدامنی:

منطقی است که بپذیریم، مایه برخی از آلودگیهای اجتماعی شرایط فردی است؛ کسی که به تنهایی زندگی می‌کند جهت گذران اوقات فراغت خویش، حل مشکلات خویش و در برخورد با انواع مسائلی که پیرامون او قرار دارند؛ بدون شک با زحمات و مشکلات متعددی مواجه خواهد شد که در برخی مواقع ممکن است فرد به خطا پیش رفته و دچار انحرافاتی گردد. لذا جهت جلوگیری نمودن از این نوع پدیده‌ها بهترین راهکار تشکیل خانواده خواهد بود.

ازدواج این کمک را به جامعه خواهد کرد که بسیاری از جنایات، شرارتها، اعمال منافی عفت، مفاسد، تبهکاری، تصاحب جنس مخالف و دهها مورد دیگر که زمینه جنسی دارند، کمتر اتفاق بیافتد. فخشا در ابعاد مختلف آن کاهش پیدا کند. از سوی دیگر ازدواج مانع از آن خواهد شد که چشمهای جنسهای مخالف با نیت و نگاه غیراخلاقی و غیر شرعی همدیگر را بنگرند. پیامبر (ص) می‌فرماید: «جوانان هر کدام از شما که توانایی دارید، همسر انتخاب کنید. زیرا ازدواج چشمها را از نامحرمان می‌پوشاند و به آدمی‌پاکدامنی و عفاف نیکوتری می‌بخشد.» بدون شک ازدواج انسان را از چشم چرانی‌ها، بوالهوسی‌ها، بدنبال این و آن رفتن‌ها بر حذر می‌دارد و مانع از دست دادن دین داری و ایمان می‌گردد. بی مناسبت نیست که پیامبر (ص) می‌فرماید «هر کس ازدواج کند نیمی‌از دینش را از دستبردها مصون داشته است.» (ملکی، ۱۳۸۷، ۱۸)

ولی امروزه علاوه بر این در مورد کارکردهای ازدواج عقیده بر این است که زن و مرد بعنوان مکمل یکدیگر بسیاری از نیازهای روانی- اجتماعی همدیگر را برآورده می‌سازند. (ملکی، ۱۳۸۰، ۱٦)

۱۰- تأمین آرامش و تعادل:

خلقت انسان توأم با وجود ویژگیهای خاصی در نهاد انسانهاست از جمله آنها نیاز داشتن به آرامش روح و روان و برقراری تعادل روانی و آرامش قلبی است. این نیاز در دوران کودکی و سالهای اولیه نوجوانی در نهاد خانواده براساس معاشرت و مراوده و تعامل با پدر و مادر، خواهران و برادران شکل می‌گیرد و احساس امنیت و آرامش به انسان دست می‌دهد اما بعد از آنکه فرد وارد دوره جوانی می‌گردد دیگر افراد خانواده پاسخگوی این نیاز او نیستند او براساس فطرت خود کسی را طلب می‌کند تا بتواند با او به طور کشترک ارضا کننده نیازها باشند و او کسی نیست جز همسر وی و این اتفاق نمی‌افتد یعنی کسی همسر او تلقی نمی‌گردد جز با ازدواج و تشکیل خانواده، بنابراین تشکیل خانواده شرایط را مهیا می‌نماید که انسان‌ها بتوانند بطور مستقل با تشکیل خانواده جدید به رفع نیازهای روحی و روانی یکدیگر بپردازند. (ملکی،۱٦،۱۳۸۷). از سوی دیگر وجود جو روانی توأم با آرامش مایه بروز و شکوفایی استعدادهای فردی است.

در آیه ۲۱ از سوره روم آمده است: «از نشانه‌های خداوند این است که از خود شما برایتان همسرانی آفرید تا در کنار آنها آرام بگیرید و میان شما دوستی و دلسوزی به وجود آورد، به راستی که برای مردمی‌که بیندیشند نشانه‌هاست.» خانواده علاوه بر زوجین همین کارکرد را درخصوص فرزندان نیز ایفا می‌کند خانواده به

است اما بقا نسل را همه خواهان هستند. ازدواج ابزار و وسیله ای است که این خواست افراد را محقق می‌سازد و به آنها اجازه می‌دهد تا به عمل تولید مثل دست بزنند و انسانهایی را نظیر خود که نیازمند مراقبت و تربیت می‌باشند بوجود آورند و مسئولیت آنها را بر دوش کشند. ذکر این نکته ضروری است که همین پدیده یعنی بوجود آمدن و متولد شدن فرزند خود استحکام، پیوند و پایداری خانواده‌ها را سبب می‌گردد و از سوی دیگر خانواده‌ها را از انزوای جمعی بیرون می‌برد. (ملکی، ۱۳۸۷، ۱۵)

۹- رفع نیاز به مکمل زندگی:

مکمل بودن یعنی اینکه دو یا چند چیز در جمع یک پدیده واحد و کاملی را بوجود بیاورند. زنان و مردان نیز وقتی به تنهایی مطرح هستند در واقع نیمی‌از یک پدیده را در خود دارند اما وقتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند در این زمان است که آنها بعنوان واحد مطرح می‌شوند و از این لحظه است که تکامل آنها شروع می‌گردد و هر چقدر به جلوتر می‌روند، کامل‌تر می‌شوند. ازدواج پدیده ای است که در عمل این موقعیت را فراهم می‌نماید که دو چیز ناقص و نیمه در کنار یکدیگر قرار گیرند. این شرایط جدید به زنان و مردان جدید امکان می‌دهد که بتوانند با حمایت‌ها، تشویق‌ها، همکاری‌ها، هم‌دردی‌ها، محبت‌ها، همراهی‌ها و ... که از ناحیه دیگری خلق می‌شود در زندگی با ثبات بیشتر از پیش و با پایداری ادامه حیات دهند. بنابراین بر هر زوجی لازم است که جهت رسیدن به تعادل روحی و پایداری، نیمه دیگر خویش را تکمیل نماید. در گذشته و در جوامع سنتی ازدواج صرفاً وسیله ای بود که ارتباط دو جنس مخالف را مشروعیت می‌بخشید و تولید مثل و حفظ بقای نسل از مهمترین اهداف آن بود

بزرگترین غرایزی که انسان با خود دارد غریزه جنسی است. انسانها برای بقا خویش ملزم به ارضاء غرایز خود هستند. عدم ارضاء درست و در حد قابل قبول هر یک از غرایز در انسان او را دچار عارضه ای در ابعاد مختلف وجود خود می‌نماید مثلاً عدم ارضاء غریزه گرسنگی سوءتغذیه بدنبال خواهد داشت. اما آنچه مهم بنظر می‌آید نحوه ارضاء خواهد بود. درخصوص ارضاء غریزه جنسی که یکی از قویترین غرایز است و اگر ارضا نگردد فرد را دچار عارضه‌های شخصیتی و ... می‌نماید باید گفت که بهترین طریق پدیده ازدواج می‌باشد. در نتیجهٔ ازدواج، فرد بدون هیچ گونه محدودیتی، بدون هیچ گونه ترس و اضطرابی و با خیال راحت در شکل قانونی، عرفی و شرعی و به شکل منطقی و صحیح این نیاز خویش را برآورد می‌نماید و از دست زدن به راهکارهای دیگری که احتمال بروز خطرات زیستی را نیز برای فرد به همراه دارد اجتناب می‌ورزد و خود را از آلوده شدن به انواع بیماریهای مقاربتی و ... که حاصل ارضاء غریزه جنسی از راه غیرمعقول می‌باشند بر حذر می‌دارد. (ملکی، ۱۳۸۷، ١٤) آنچه که در این خصوص حائز اهمیت است این است که زنان و مردان بدانند که ارتباط جنسی با ارضاء جنسی متفاوت است و آنها باید راهکارهای ارضاء جنسی را بدانند.

۸- تولید نسل:

اصولاً انسانها علاقه مند هستند که موجودیت خویش را در نسلهای بعدی نیز حفظ نمایند. بلافاصله بعد از انجام ازدواج مسئله فرزند دار شدن در ذهن زوجها متصور می‌گردد و خواست هر زوجی است که دارای فرزند شوند. هرچند که امروزه نگاه به مسئله فرزندداری از ابعاد مختلف دچار نوسان شده

را شکل می‌دهد. در خانواده کودک با نحوه عمل به آداب و رسوم و فرهنگ، مراسم دینی را می‌آموزد و طی تماس با اعضای خانواده با دنیای اطراف آشنا می‌گردد و در معرض تجربیات جدید و فراگیری قانونمندی و اصول زندگی قرار می‌گیرد و با معیارها و ارزش‌های گوناگون اخلاقی، اجتماعی، کیفیت روابط و مناسبات انسانی آشنا می‌گردند. (نجاتی، ۱۳۷۱)

۶- تکوین شخصیت کودکان:

شخصیت یعنی مجموعه صفاتی که انسانها را از یکدیگر متمایز می‌نماید. این صفات دو گونه می‌باشند؛ صفات جسمانی و صفات غیرجسمانی. صفات جسمانی جنبه ارثی و ژنتیکی دارند مثلاً رنگ چشم، موی سر، قد و ... بر این صفات هیچ گونه دستی نمی‌توان برد و تغییری نمی‌توان ایجاد کرد. آنچه که اتفاق می‌افتد و بر کودکان تأثیر دارد بر بعد غیرجسمانی است. در این بعد خانواده با تأمین به موقع نیازها، توجه به کودکان، برقراری امنیت، ارضای حس کنجکاوی و ... باعث می‌گردد که کودک فردی توأم با عزت نفس و اعتماد به نفس تربیت شوند و با هر مسئله و مشکلی با عقلانی و منطقی برخورد نمایند و خصایص اخلاقی را در خود بوجود آورند و در نهایت به انسانهایی با شخصیت سالم مبدل شوند.

۷- رفع نیاز غریزه جنسی:

غرایز نیرویی است در وجود انسان که فعالیتهای او را تحت کنترل در می‌آورد و گاهی اوقات جهت دهی می‌نماید، وجود انسان از غرایز متعددی شکل گرفته است غریزه گرسنگی، غریزه تشنگی و ... یکی از قویترین و

۳- تأمین نیازهای اعضای خانواده:

از اساسی‌ترین کارکردهای خانواده که در شرایط امروزی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد توجه به نیازهای اعضای خود و بررسی شیوه‌های برآوردن منطقی آنها است. از جمله نیازهای اعضای خانواده عبارتند از: نیازهای جسمی، روانی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... که به هر یک در قسمت انواع نیازها پرداخته خواهد شد.

٤- پیشگیری از اعمال مجرمانه:

از نظر جرم شناسی یکی از کارکردهای خانواده این است که خانواده با بوجود آوردن امنیت و آرامش از عوامل مهم بازدارنده جرم و جنایت می‌باشد. (نجاتی، ۱۳۷۱، ۳٤) خانواده با نظارت و کنترلی که بر اعضای خود اعمال می‌نماید فعالیت‌های آنها را جهت دار و معنی دار می‌نماید. این معنی داری برگرفته از هدفی است که در خانواده طراحی گردیده است و از آنجایی که خانواده همیشه هدفهای عالی و رشد دهنده را تدوین می‌کند لذا فعالیت اعضا متوجه آن می‌گردد و از دچار شدن به سرگردانی و ولگردی و آسیب و غیره در امان می‌ماند و بدین ترتیب اعمال مجرمانه کاهش پیدا می‌کند.

۵- جامعه پذیری فرزندان:

در آشنایی کودک با جامعه و فرهنگ پذیری وی خانواده نقش اساسی و کلیدی دارد. خانواده بعنوان اولین آموزشگاه، فرزندان را با دنیای پیرامون و اجتماع آشنا می‌نماید و تعامل کودک با جامعه را فراهم می‌نماید. خوب و بد امور را آموزش می‌دهد و آمادگی لازم جهت قبول مسئولیت عمومی‌در فرزندان

۲- همکاری در مسائل اقتصادی خانواده:

همکاری در امور اقتصادی خانواده بین اعضای خانواده جهت رفاه حال عمومی‌خانواده صورت می‌گیرد. در جوامع سنتی که بیشتر بر کشاورزی متکی بود این همکاری به حدی بود که کودکان نیز از ۳ الی ٤ سالگی مسئولیت‌های متناسب با سن، توانایی و جنسیت در خانواده‌ها بر عهده داشتند.

هرچند که همه خانواده‌ها به یک نوع فعالیت اقتصادی نمی‌پردازند، اما همکاری بین اعضای آن جهت به دست آوردن درآمد بیشتر برای تأمین نیازهای اولیه و ثانویه از الزامات آن می‌باشد. به خصوص همکاری زنان و مردان که مدیریت خانواده را بر عهده دارند از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. برای آنکه زنان و مردان بتوانند این کارکرد خانواده را به نحو مطلوبی ایفا نمایند و بتوانند با درآمد حاصل از دست رنج خویش خانواده خویش را به لحاظ اقتصادی بطور مطلوب اداره کنند و نیازمند کمک گرفتن از دیگران نباشند می‌توانند مجموعه‌ای از اقدامات اساسی اقتصادی را سرلوحه برنامه زندگی خویش قرار دهند. از جمله این موارد عبارتند از:

- اعمال مدیریت و برنامه ریزی صحیح اقتصادی.
- پرهیز از اسراف کاری.
- پرهیز از تجمل پرستی.
- پرهیز از چشم و هم چشمی بودن.
- تلاش جهت تأمین درآمد کافی.
- تلاش جهت بهینه مصرف کردن درآمد خانواده.
- اولویت بندی نمودن نیازهای خانواده.
- رعایت اصول تنظیم خانواده.

کارکردهای خانواده

وجود یک نهاد اجتماعی کارکردهای متعددی را در ضمیر خویش دارد. خانواده نیز بعنوان یک نهاد اجتماعی کارکردهایی را دارا می‌باشد. کارکردهای خانواده در طول تاریخ و جوامع متعدد مختلف بوده است. با آنکه خانواده‌ها در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، تربیتی، ساختار و شکل با یکدیگر همسان نمی‌باشند، ولی با این حال برخی از کارکردهای آنها را می‌توان تحت عنوان کارکردهای عمومی‌خانواده نام برد که در اکثر جوامع و زمان‌ها یکسان بوده و می‌باشد. این کارکردها که اکثراً براساس اهداف تشکیل خانواده می‌باشند عبارتند از:

۱- تربیت فرزندان:

از جمله وظایف و کارکرد خانواده در طول تاریخ تربیت فرزندان بوده است. هرچند که درخصوص تربیت فرزندان در دروه‌های مختلف نظریه‌ها و روش‌های مختلفی به کار گرفته می‌شد و میزان دخالت یا عدم دخالت خانواده در تربیت فرزندان مختلف بوده است، ولی نقش اصلی و اساسی در تربیت فرزند بر عهده خانواده نهاده شده است. حتی امروزه نیز با وجود گسترش مهد کودک‌ها، شیرخوارگاه‌ها، مراکز پیش دبستانی، دبستان، مدارس راهنمایی و متوسطه از نقش اساسی خانواده در رابطه با تربیت فرزندان کاسته نشده است. بنابراین بر والدین است که با آموزش و مهارت پیدا کردن در روشهای تربیتی، فرزندان سالمی‌به اجتماع تحویل نمایند.

❖ خانواده متشکل از افراد است و دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی است که براساس نکاح پدید می‌آید. (قائمی، ۱۳۷٤، ۱۹)

❖ خانواده گروهی است دارای روابط جنسی پایا و مشخص که به تولید مثل و تربیت فرزندان منجر گردد. (مک آیور، به نقل از نجاتی، ۱۳۷۱، ۲٦)

❖ خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی و یا پذیرش با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، خواهر، برادر در ارتباط متقابل هستند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند. (برگس و لاک، به نقل از نجاتی، ۱۳۷۱، ۲۷)

❖ خانواده گروه کوچکی است که از زن و شوهر و فرزند یا فرزندان تشکیل می‌شود.

❖ خانواده از نخستین نظام‌های نهادی عمومی‌و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد و از همه نهادهای اجتماعی، طبیعی تر و خودی تر است. (شرفی، ۱۳۷۲، ٤۳)

❖ خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی که از ازدواج زن و مرد به وجود آمده و فرزندان کامل کننده آن هستند (ملیحی، ۱۳۷٦).

❖ خانواده عبارت است از گروه افرادی که با همدیگر زندگی می‌کنند و میانشان روابط خویشاوندی و یا وابستگی معین دیگر حکم فرماست (صادقی به نقل از ترابی، ۱۳۵۲).

❖ خانواده مکانی است که کودک با همه تجارب خویش به آن باز می‌گردد بر آلام و دردهایش مرهم می‌نهد و در آن از افتخارات و موفقیت‌هایش سخن می‌گوید (نوابی نژاد، ۱۳۷۳، به نقل از جعفری).

آشنایی با خانواده و نیازهای آن

مفهوم و تعریف خانواده

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که به لحاظ اهمیت، کارکرد و وظایفی که در قبال انسان‌ها دارد در طول تاریخ بشری مورد نظر و توجه علما، جامعه شناسان، ادیان، روانشناسان، حاکمان و ... بوده است. از خانواده تعاریف متعددی ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

❖ خانواده عبارت است از یک شرکت کم و بیش پایدار با فرزند یا بدون فرزند. (ساموئل کنیک، به نقل از نوابی نژاد، ۱۳۷۷، ۱۱۰)

❖ خانواده یک پدیده تاریخی و یک واحد اجتماعی است که واجد خصایص یک گروه یا نهاد است. (نوابی نژاد، ۱۳۷۷، ۱۱۰)

❖ خانواده سازمانی اجتماعی است که با وجود تحولات دائم خود در طی هزاره‌ها دوام آورده است. (آریانپور، به نقل از نوابی نژاد، ۱۳۷۷، ۱۱۰)

❖ خانواده سازمان اجتماعی محدود و نهاد سازنده ای است که از طریق ازدواج که یک قرارداد اجتماعی است تشکیل می‌شود. (فرجاد، ۱۳۵۵، ۱۱۰)

❖ خانواده نظامی‌نیمه بسته است که نقش ارتباطی داخلی را ایفا می‌کند و دارای اعضایی است که وضعیت‌ها و مقامهای مختلفی در خانواده و اجتماع احراز کرده، با توجه به محتوای نقش، وضعیت، افکار و ارتباطات خویشاوندی و غیره ایفای نقش می‌کنند. (راجرز، ۱۹٦٤، به نقل از سیف)



آشنایی با خانواده و نیازهای آن



مقدمه

آیا تاکنون به زندگی اطرافیان و آشنایان خود با دقت توجه نموده‌اید؟ آیا مشاهده کرده‌اید که برخی از آنها همیشه با مشکل مواجه هستند و در درون خانواده خود اعضا با یکدیگر اختلاف دارند و از همدیگر ناراضی‌اند و برخی با مشکل مواجه نمیباشند و یا با مشکل کمتری مواجه هستند؟ آیا علت این امر را از خود جویا شده‌اید؟ بدون شک خانواده‌هایی که از مهارت مدیریت و برنامه‌ریزی خانواده برخوردارند و اصول آن را در زندگی مبنای تصمیم‌گیری و عملکرد اعضای خانواده خویش قرار می‌دهند در اداره و مدیریت خانواده خویش موفق عمل خواهند نمود. لازمه اعمال مدیریت مطلوب در خانواده آشنایی با اصول و روش‌های مدیریت و برنامه‌ریزی خانواده می‌باشد. مجموعه‌ای که در اختیار دارید به منظور آشنایی خانواده‌ها با مهارت‌های مدیریت و برنامه‌ریزی خانواده تنظیم شده است که امید می‌رود در روند مدیریت خانواده‌ها مؤثر افتد.

حسن ملکی (قاسم)

خرداد ۱۳۸۸

فصل هفتم: آگاهی از حقوق اعضای خانواده

فصل هشتم: توانایی مدیریت بر اسناد و مدارک خانواده

فصل پنجم: توانایی تربیت فرزندان

فصل ششم: توانایی همکاری خانواده با مدرسه و مراکز آموزشی

فصل سوم: توانایی برنامه‌ریزی در خانواده

فصل چهارم: توانایی مدیریت و برنامه‌ریزی در اقتصاد خانواده

فهرست مطالب

(عریضی، ۱۳۸۱) چنین خانواده‌هایی هم دارای محاسن می‌باشند و هم از محدودیت‌های نیز برخوردارند. محاسن این نوع خانواده‌ها در این است که اعضای آن از مزایای متعددی نظیر افزایش رشد اجتماعی، آگاهی از راه و رسم زندگی، کسب فرهنگ بالا، افزایش دامنه اطلاعات و دانش، حضور فعال در اجتماعات، انجمن و ... برخوردار می‌شوند. محدودیت این نوع خانواده‌ها در این است که امکان آسیب پذیری در آنها افزایش می‌یابد. بخصوص فرزندان که کنترل حساب شده ای ندارند دچار بدآموزی‌ها و بحران هویت می‌گردند. در مقابل خانواده‌های بسته خانواده‌هایی می‌باشند که اعضای آن به راحتی قادر به برقراری ارتباط آزاد با افراد و رسانه‌ها و ... نمی‌باشند و نظارت و کنترل دقیقی بر آنها اعمال می‌گردد. در خانواده بسته اولاً ارزش اعضاء پایین بوده، هر کدام از اعضاء، دیگری را تحقیر می‌کند و به او احترام نمی‌گذارد. ثانیاً ارتباط با یکدیگر غیرصادقانه و مبهم می‌باشد و اعضاء معمولاً همدیگر را سرزنش می‌نمایند. ثالثاً قوانین حاکم معمولاً خشک و تفسیرناپذیر می‌باشد. بطور خلاصه فضای عمومی‌خانواده فضای مناسبی برای رشد اعضا نمی‌باشد. (عریضی، ۱۳۸۱) محاسن چنین خانواده ای در این است که انسجام در فعالیت اعضا دیده می‌شود، قاعده مندی در خانواده وجود دارد و امکان دچار شدن اعضا به انواع آسیب‌ها پایین می‌باشد. محدودیت این خانواده‌ها این است که امکان رشد و تکامل اعضای آن محدود می‌گردد و احتمالاً اعضا بخصوص فرزندان از مشکلات روانی رنج می‌برند.

❖ **خانواده‌های آشفته و بالنده:** خانواده‌های آشفته خانواده‌هایی هستند که در آنها جو منفی را سریع و آسان می‌توان احساس کرد. وضع بدن و چهره افراد بیان کننده وضع ناخوشایند اعضای آن است. نشانه دوستی در میان افراد خانواده کم و شادی ناچیز است. بیچارگی، بی یاوری، و تنهایی اعضای آن را فرا گرفته است. در مقابل خانواده‌های بالنده خانواده‌هایی می‌باشند که در آن‌ها افراد آزادانه با یکدیگر درددل می‌کنند، سکوت آرام بخش در خانه وجود دارد، اعضا صادقانه با یکدیگر صحبت می‌کنند و علاقه مندانه به یکدیگر گوش می‌دهند، دارای برنامه ریزی هستند، والدین هیچ گاه سد راه رشد و تغییر نمی‌شوند، والدین خود را رهبر می‌دانند نه ارباب، وقتی فرزندان دچار اشتباهی می‌شوند پدر و مادر خود را در کنار او قرار می‌دهند، در این خانواده‌ها زندگی آدمی‌و احساسات بشری از هر چیز دیگر مهمتر می‌باشد. (بیرشک، ۱۳۷۳، فصل ۲)

❖ **خانواده‌های آسیب دیده و سالم:** خانواده‌های آسیب دیده خانواده‌هایی هستند که یک یا چند عضو از اعضای آن بخصوص والدین دچار نوعی از آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد، سرقت، طلاق، ترک منزل، روسپیگری، آزار، ولگردی، پرداختن به اعمال مجرمانه، اعمال منافی عفت، تکدی گری، ایدز و ... بشوند و اثر نامطلوب خویش را بر کل خانواده بگذارند و خانواده تحت تأثیر آن انسجام و پایداری خود را از دست داده باشد و همیشه با مشکل دست و پنجه نرم کند. در مقابل خانواده‌های سالم خانواده‌هایی هستند که شادابی و پویایی در آنها حکم فرماست و بر اثر فضای روانی عاطفی حاکم بر خانواده اعضای آن

نسبت به آسیب‌های اجتماعی واکسینه شده اند و مناسبات میان اعضا حالت طبیعی و عادی دارد و اعضای این خانواده‌ها می‌توانند از قدرت‌های انسانی خود استفاده کنند، اعضا از توانمندیهای خود در جهت ارضاء نیازهای فردی و جمعی خود و دیگران استفاده می‌نمایند. بطور خلاصه در چنین خانواده‌هایی همه نقش‌ها سالم بوده و الگوی مناسبی را از خود ارائه می‌نمایند.

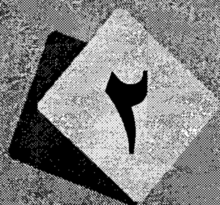
❖ **خانواده‌های سهل گیر و مستبد:** خانواده‌های سهل گیر خانواده‌هایی هستند که در آن‌ها بی توجهی به آموزش و رفتارهای اجتماعی اعضاء وجود دارد. در این نوع خانواده‌ها به طور کلی قوانین بسیار محدود می‌باشد و افراد نسبت به اجرای قوانین وآداب و رسوم چندان تقیدی ندارند و هرج و مرج در این خانواده‌ها باعث بروز نوعی تزلزل روحی در آنهاست. هر عضو منافع خود را لحاظ می‌کند و پایبندی به منافع عمومی کم رنگ می‌باشد. خانواده‌های مستبد خانواده‌هایی هستند که بر قدرت والدین بیش از اندازه تأکید می‌شود و آنها برای اجرای دستورات خود اطاعت بی چون و چرا می‌خواهند. والدین و غالباً پدر تصمیم گیرنده و تعیین کننده وظایف دیگر اعضای خانواده است. اعضای چنین خانوادهایی کمتر به خود متکی بوده و از خلاقیت کمتری برخوردارند. و معمولاً مطیع و فرمانبردار بار می‌آیند. (عریضی، ۱۳۸۱، ۲۸)

❖ **خانواده‌های متعهد و نامتعهد:** خانواده‌های متعهد خانواده‌هایی می‌باشند که در آن‌ها والدین نسبت به هم، نسبت به کودکان و نسبت به جامعه احساس مسئولیت می‌نمایند و سعی می‌نمایند وظایف خویش را به

درستی بشناسند و به آنها بپردازند. آنها نسبت به هم سعی می‌کنند وظایف شوهرداری و همسرداری را خوب بفهمند و آن‌ها را اجرا کنند. درخصوص فرزندان سعی می‌کنند شرایط فرزنددار شدن را قبل از تشکیل نطفه بدانند و با وظایف خود قبل از بچه دار شدن بخوبی آشنا شوند و بعد از تولد فرزند با پرداختن به معاشرت مطلوب، تفریحات سالم و دهها مورد دیگر فرزندی مطلوب داشته باشند. تعهد آنها نسبت به اجتماع اینگونه است که اولاً سعی می‌نمایند فرزندان پاکدامن و شهروندی خوب تحویل جامعه نمایند. ثانیاً سعی می‌نمایند درخصوص مسائل اجتماعی که نیاز به همکاری و مشارکت و مساعدت آنها وجود دارد فعالانه شرکت نمایند. در مقابل، خانواده‌های بی تعهد خانواده‌هایی هستند که درآن والدین هیچ گونه تلاشی در جهت کسب وظایف خانوادگی و اجتماعی از خود بروز نمی‌دهند و اگر چنانچه آگاهی و اطلاعاتی نیز داشته باشند حس عمل کردن در آنها وجود ندارد.

❖ **خانواده‌ها از نظر زندگی در زمان:** برخی خانواده‌ها در گذشته زندگی می‌نمایند. این خانواده‌ها، خانواده‌هایی می‌باشند که معیار و ارزش‌های زندگی آنها هنوز بطور سنتی بوده و تغییر و تحولات حاکم بر زندگی روز به درون خانواده آنها راه نیافته است. هنوز به روش‌های تربیتی سنتی عقیده دارند. به ارزشهای اجتماعی گذشته پایبند می‌باشند و در وابستگی به گذشته افراط می‌نمایند. مثلاً هنوز هم اعتقاد دارند که فرزندان نباید نزد بزرگسالان حرف بزنند و بقول خودشان پررویی کنند. یا در ازدواج فرزندان و تهیه جهیزیه هنوز هم به سبک قدیم اقلام

جهیزیه را تهیه می‌کنند که برای زوجهای جوان کاربرد چندانی ندارنـد و غیره. گروه دیگر خانواده‌هایی هستند که در حال زندگی می‌کنند و عقیده آنها بر این است که دم را غنیمت بشمار و فرصت‌ها را از دست نـده تـا کامیابی بدست آوری. براساس چنین تفکـر برنامـه‌هـای متعـددی بـرای کسب تجربه و خوش گـذرانی و ... تـدوین مـی‌نماینـد و کلیـه درآمـد خویش را هزینه می‌نمایند. مثلاً زوجی را شاهد هستیم با آنکـه ۱۲ سـال است که ازدواج نموده‌اند، هر سال چند مسافرت را برای خـود طراحـی می‌نمایند ولی فاقد مسکن می‌باشند و یا هیچ اقـدام اساسـی بـرای تهیـه مسکن انجام نداده اند. گروه سوم خانواده‌هایی هـستند کـه بـرای آینـده زندگی می‌کنند. در این خانواده گذشته و حال فراموش شده است و هـم و غم آنها متوجه آینده است. مثلاً می‌خواهند مسکن تهیـه کننـد. خریـد مسکن در آینده کل برنامه‌های آنها را تحـت الـشعاع خـود درآورده و از پرداختن به نیازهای فوری و حال اعضاء غافل می‌باشند. مثلاً هـیچ نـوع مسافرت یا تفریحی را در برنامه سالانه زندگی ندارند و ...



توانایی مدیریت خانواده

توانایی مدیریت خانواده

تعریف مدیریت

امروزه مدیریت را از ظریف ترین، دشوارترین و پرثمرترین کارهای آدمی‌می‌دانند و به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم تمدن معاصر و از جمله عوامل مؤثر در رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع کنونی به حساب می‌آورند. اهمیت و اثربخشی این دانش [و مهارت] تا حدی است که برخی از صاحب نظران قرن بیستم را عصر مدیریت و دنیای امروز را دنیای مدیران آگاه می‌دانند. (صافی، ۱۳۷۷، ۲۲) حال سؤال این است که مدیریت چیست که این همه از اهمیت برخوردار می‌باشد؟ مدیریت را در لغت به معنای اداره کردن یک مؤسسه آورده اند ولی صاحب نظران تعاریف متعددی از این واژه ارائه نموده اند که برخی از آنها ذیلاً آورده می‌شوند:

- مدیریت عبارت است از اتخاذ تصمیم برای پیشبرد امور. بنابراین مدیریت یعنی اخذ اطلاعات و تنظیم آنها به منظور انجام دادن اعمال لازم سازمانی. (جی. دبلیو. فورستو، به نقل از عباسی زادگان، ١٣٦٦، ٢٤)
- مدیریت عبارت است از کنترل عملیات سازمان بطوری که بتوان جهت اهداف سازمان به طور مؤثر و با صرفه جویی کافی گام برداشت. (آی. فیلیپو، به نقل از عباس زادگان، ١٣٦٦، ٢٤)

❖ مدیریت فرآیندی است که بوسیله آن فعالیت‌های فردی و گروهی در جهت هدف‌های مشترک همسو و هماهنگ شود. (ج. اچ. دانلی، به نقل از عباس زادگان، ١٣٦٦، ٢٤)

❖ مدیریت عبارت است از بوجود آوردن یک محیط مؤثر برای افرادی که در گروه‌های رسمی‌سازمانی تلاش می‌کنند تا آنان بتوانند در جهت تحقق هدف‌های سازمانی تلاش کنند. (و. دانل، به نقل از عباس زادگان، ١٣٦٦، ٢٤)

❖ مدیریت عبارت است از هماهنگی منابع انسانی و مادی در جهت تحقق و تکمیل هدف‌های سازمان، (ج. رونزویک، به نقل از عباس زادگان، ١٣٦٦، ٢٤)

❖ مدیریت عبارت است از انجام دادن کار توسط دیگران. (مقدسی و کاشفی، ۱۳۷۰، ۵)

تعریف مدیریت خانواده

مدیریت خانواده عبارت است از بهینه اداره کردن امور خانواده در جنبه‌های کارکردی، وظایفی، رفع نیازی، حقوقی و طراحی منظم اداره امور خانواده با شیوه مشارکتی به منظور رشد دادن و بالنده نمودن خانواده. به عبارتی هماهنگی ایجاد کردن بین منابع انسانی و مادی به منظور تحقق اهداف خانواده.

اهمیت مدیریت خانواده

اهمیت مدیریت خانواده در این است که اداره خوب یک خانواده موجب می‌شود که اوضاع داخلی خانواده بهبود یابد، سطح روابط اعضا ارتقا یابد و

پایه‌های اجتماع مستحکم گردد، صرفه جویی در هزینه‌ها به عمل آید و از سوی دیگر اعضا بتوانند در راستای دست یابی به اهداف معنوی و تکاملی به فعالیت بپردازند.

شیوه‌های مدیریت خانواده

مدیران مختلف به شیوه‌های مختلف خانوادهِ خویش را مدیریت می‌نمایند. در یک تقسیم بندی شیوه‌های مدیریت در خانواده‌ها را به سه نوع به شرح زیر می‌توان تقسیم بندی نمود:

الف) مدیریت به شیوه استبدادی یا دیکتاتوری:

این شیوه، شیوه ای است که ویژگی‌های زیر در آن به چشم می‌خورد:

- ❖ انضباط خشک و افراطی در خانواده حاکم است.
- ❖ کمبود محبت اعضای خانواده را دچار مشکل رفتاری می‌کند.
- ❖ اعضای خانواده در اثر مدیریت غلط دارای بلوغ پایین هستند.
- ❖ اعضای خانواده برای خود ارزشی قائل نمی‌باشند.
- ❖ تخصیص منابع و امکانات براساس نیازها انجام نمی‌گیرد.
- ❖ در این خانواده یک نفر حاکم بر اعمال و رفتار دیگر اعضاء است.
- ❖ فقط فرد حاکم تصمیم می‌گیرد، هدف تعیین می‌کند، راه نشان می‌دهد وظیفه افراد را مشخص می‌سازد و امور زندگی را مدیریت کند.
- ❖ همه باید، طبق میل فرد دیکتاتور عمل کنند.
- ❖ فقط فرد حاکم حق اظهارنظر دارد.
- ❖ فقط دستوراتِ فرد حاکم بدون چون و چرا باید اجرا گردد.

❖ تنها فرد دیکتاتور حق دخالت در امور دیگر اعضاء را دارد.
❖ تنها فرد حاکم از استقلال کامل بهره مند است.
❖ ارزش کار دیگر اعضاء به وسیله فرد دیکتاتور تعیین می‌شود.
❖ فرد دیکتاتور در کارهای خصوصی اعضاء خانواده دخالت می‌کند. کار، تحصیل، وقت گردش، استراحت و خواب افراد را معین می‌کند.
❖ فرد دیکتاتور حق انتقاد از کار دیگر اعضاء را دارد ولی دیگران حق انتقاد از کار او را ندارند.
❖ مصالح خانواده را فقط فرد حاکم تشخیص می‌دهد.
❖ ترس و وحشت بر افراد خانواده غلبه دارد و شخصیت و تمایلات و احتیاجات اعضای خانواده به هیچ وجه مورد توجه نیست.
❖ افراد خانواده دلیل انجام بسیاری از امور را نمی‌دانند و جرأت پرسیدن آن را ندارند.
❖ افراد خانواده در قبال انجام اعمال خلاف میل فرد حاکم تنبیه بدنی می‌شوند.
❖ افراد خانواده جرأت ابراز وجود ندارند.
❖ تصمیم گیری درخصوص امور یک طرفه است. (ملکی، ۱۳۸۷)

ب) مدیریت به شیوه رها یا آزاد مطلق:

این شیوه دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر می‌باشد:
❖ هر یک از اعضای خانواده می‌توانند هر کاری که میل دارند انجام دهند.
❖ تمایلات حاکم بر اعمال اعضای خانواده است.
❖ در بیشتر موارد تمایلات اعضای خانواده با هم تصادم و برخورد دارد.
❖ بر روابط اعضای خانواده هرج و مرج و بی نظمی‌حاکم است.

❖ پایه‌های خانواده بی بند و بار، لاابالی، سهل انگار، خود خواه و بی هدف هستند.
❖ هیچ یک از اعضاء خانواده حق دخالت در کار یکدیگر را ندارند.
❖ افراد خانواده نسبت به هم احساس مسئولیت نمی‌کنند.
❖ قانون و مقررات بر رفتار آن‌ها حاکم نیست.
❖ همکاری بین اعضاء خانواده خیلی کم دیده می‌شود.
❖ مدیر نفوذ زیادی بر فرزندان ندارد.
❖ در خانواده از هیچ کس حرف شنوی وجود ندارد.
❖ والدین نسبت به سرنوشت فرزندان بی تفاوت هستند.
❖ خانواده نسبت به تحصیل فرزندان بی تفاوت است.
❖ در خانواده نسبت به هم بی‌اعتمادی وجود دارد.

ج) مدیریت به شیوه مشارکتی:

مدیریت مشارکتی مدیریتی است که ویژگی‌های زیر در آن نمایان است:
❖ همه افراد خانواده به تناسب موقعیت و امکانات خود حق دخالت در اداره ی امور خانه و اظهارنظر درباره مسائل مختلف را دارند.
❖ در انتخاب هدف‌های زندگی خانوادگی، در اتخاذ روش‌های مناسب، در تقسیم درآمد خانواده، در مخارج خانه و طرز زندگی افراد می‌توانند اظهار نظر کنند.
❖ در خانواده، تقسیم کار به عمل می‌آید و هر یک به تناسب امکانات خود، مسئولیّت انجام امور را بر عهده دارد.
❖ اعضای خانواده در انجام امور محوله احساس مسئولیّت می‌کنند.

❖ در استفاده از حق و مسئولیّت، عاقلانه رفتار می‌کنند.

❖ در این خانواده اصل بر این جاری است که بچه و بزرگ در مسائل مربوط به خود صلاحیت اظهارنظر دارند و در تصمیماتی که مربوط به آن‌هاست باید شرکت داشته باشند.

❖ تقسیم درآمد، تعیین مخارج، گردش و تفریح، ارتباط پدر و مادر با بچه‌ها و ارتباط بچه‌ها با هم باید از روی سنجش به خود صورت گیرد.

❖ در انجام امور بین اعضای خانواده همکاری و مشارکت وجود دارد.

❖ اعضای خانواده نسبت به یکدیگر احترام می‌گذارند.

❖ بزرگترها در هر مورد کوشش می‌کنند تا کوچکترها را متوجه آثار اعمال خود سازند، یعنی علل انجام یا عدم انجام امور مختلف را برای کودکان روشن می‌کنند.

❖ بچه‌های خانواده به موقع از محبّت والدین بهره مند می‌شوند.

❖ شخصیت کودکان در خانواده مورد احترام است.

❖ کودکان مشکلات خود را با والدین در میان می‌گذارند.

❖ کودکان عقاید و نظرات خود را آزادانه بیان می‌کنند.

❖ اعضای خانواده به وظایف خویش آگاهی دارند.

❖ به اندازه توانایی هرکس از او مسئولیت خواسته می‌شود.

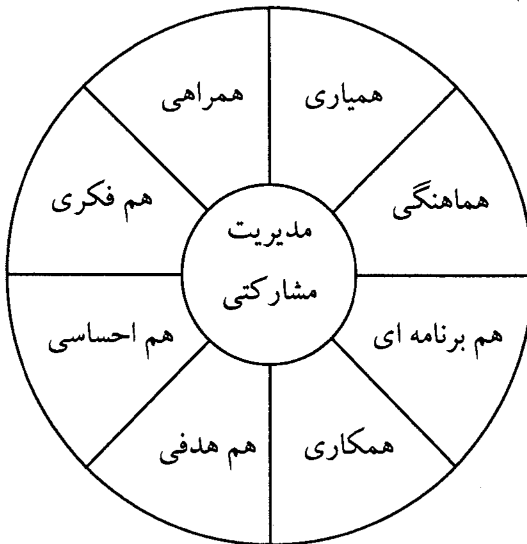
❖ برنامه ریزی و کنترل در خانواده بطور دقیق رعایت می‌شود.

❖ هر عضو خانواده با خودش مقایسه می‌گردد نه با دیگران.

❖ اگر عضوی دچار مشکل و مسئله گردید او را یاری می‌نمایند.

❖ فضای خانواده شاداب و با انگیزه است.

❖ نظم و انضباط منطقی بر خانواده حاکم است.
❖ تفاوت‌های فردی لحاظ می‌شود.
❖ اعضای خانواده حمایت گر و مشوق یکدیگر می‌باشند.
❖ کار گروهی در اولویت قرار دارد.
❖ سعی می‌شود از خرد، هوش و ابتکار همه اعضای خانواده بهره مند گردند.
❖ بطور خلاصه می‌توان گفت مدیریت مشارکتی مدیریتی است که مطابق نمودار زیر انجام می‌پذیرد.



تکنیک‌های ارتقاء سطح کیفیت مدیریت مشارکتی خانواده:

۱- درک اعضای خانواده:

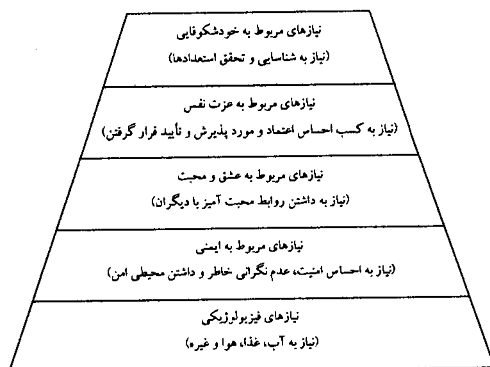
درک اعضای خانواده در ابعاد و سطوح گوناگون نیازها به وسیله رهبر گروه بسیار حائز اهمیت می‌باشد. هر یک از اعضای خانواده در سطوح متفاوتی از

نیازهای طبقه بندی شده توسط مازلو[1] و یا هرتزبرگ قرار دارند که درک این سطوح در تسهیل مناسبات بین رهبر و مدیر خانواده با اعضاء و اعضاء با یکدیگر مؤثر می‌باشد. برای اینکه سطح مدیریت مشارکتی در خانواده بالاتر برود باید به نیازهای فیزیکی و سپس امنیت روحی و روانی و خودیابی و خودشکوفایی آنان پاسخ داده شود.

۲- پذیرش رهبر خانواده توسط اعضای خانواده:

از جمله راهکارهای ارتقاء کیفیت مدیریت مشارکتی این می‌باشد که اعضای خانواده رهبر و مدیر خانواده را قبول داشته باشند به عبارتی مدیر خانواده باید در میان اعضای خانواده خویش از مقبولیت برخوردار بوده و از چنان مدیریتی برخوردار باشد که بتواند نفوذ خویش را در خانواده از دست ندهد. بخاطر همین مسئله است که مدیر خانواده باید مهارت‌های اداره خانواده را کسب نماید و با مجهز بودن به آن مهارت‌ها مدیر شایسته ای برای خانواده باشد.

۱- سلسله مراتب نیازها در نظریه مازلو



منبع: روانشناسی پرورشی دکتر سیف

۳- تصمیم‌گیری و تقسیم کار:

یکی از راهکارهای ارتقاء سطح مدیریت خانواده به شیوه مشارکتی این است که در آن عده‌ای تصمیم‌گیر و عده ای مجری و اجرا کننده نمی‌باشند بلکه همه اعضای خانواده با یکدیگر برابر هستند و در تصمیم گیری‌ها نقش فعال دارند و در اجرای تصمیم‌ها مطابق اصول تقسیم کار بین اعضای خانواده تقسیم کار اتفاق می‌افتد و وظایف هر عضو معین می‌گردد.

مهارت‌های سه گانه مدیریت خانواده

رابرت کاتز مهارت‌های مورد نیاز مدیران را در سه مهارت به شرح زیر تقسیم بندی می‌نماید.

۱- مهارت فنی:

توانایی و کارآیی در نوع مخصوصی از فعالیت که با روش‌های معین، فراگردها، رویه‌ها و تکنیک‌های مربوط به آن فعالیت همراه باشد مهارت فنی نامیده می‌شود. (بخشی، ۱۳۷۵، ۱۷) این مهارت از طریق تحصیل، کارورزی، کارآموزی، حضور در دوره‌های آموزشی، مطالعه و غیره قابل یادگیری است که مدیر یک خانواده باید بر آن احاطه داشته باشد. مواردی چون روش‌های برنامه‌ریزی، بودجه بندی، داشتن اطلاعات از حوزه تربیت، مدیریت خانواده و غیره از جمله موارد بحث مهارت فنی است.

۲- مهارت انسانی:

توانایی مدیر بعنوان عضوی از گروه [خانواده] در کار کردن مؤثر و ایجاد کوشش‌های دسته جمعی در درون گروهی که وی آن را رهبری یا اداره می‌کند

مهارت انسانی نامیده می‌شود. (بخشی، ۱۳۷۵، ۱۸) به عبارتی مهارت انسانی یعنی توانایی ارتباط درست با انسانها جهت نفوذ و تأثیرگذاری در آنها معنی شده است. (نصرآبادی و رحمانی، ۱۳۷۷، ۳٦) این مهارت گویای این است که برای آنکه بتوانیم بر خانواده خویش مدیریت مطلوبی داشته باشیم علاوه بر مهارت فنی باید از مهارت انسانی نیز برخوردار باشیم. مستلزم برخورداری از چنین مهارتی وجود چندین چیز را در مدیر طلب می‌نماید. از جمله این امور می‌توان: آگاهی داشتن از نقاط ضعف و قوت خود، روشن بودن عقاید برای او، برخورداری از اعتماد به نفس، احترام به سایر اعضای خانواده، درک عقاید، ارزش‌ها و احساسات اعضای خانواده، ایجاد محیط امن روانی و غیره را نام برد.

۳- مهارت ادارکی:

توانایی درک درست از وضعیت موجود را مهارت ادارکی می‌نامند. (نصرآبادی و رحمانی، ۱۳۷۵، ۳۰) منظور از این آن است که مدیر خانواده باید دارای چنان درکی از موقعیت خانواده باشد که بتواند کلیه ابعاد بقای خانواده را بطور هم زمان در ذهن خویش داشته باشد و از دچار شدن به جزءنگری و یک بُعدی عمل کردن پرهیز نماید. چراکه اگر مدیر خانواده دچار یکسونگری و جزءبینی باشد از اداره مطلوب خانواده ناتوان خواهد بود.

اصول مدیریت خانواده

اصل در لغت به معنای ریشه و بن آمده است. منظور از اصول مدیریت خانواده ملاک و مبنای کار و عمل رهبر، مدیر و اعضای خانواده می‌باشد که بقاء و حیات منطقی خانواده را ضمانت می‌نمایند. این اصول عبارتند از:

۱- اصل وحدت مدیریت خانواده:

از آنجایی که خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی همانند سایر سازمانها دارای اهداف و برنامه‌های خاصی است برای رسیدن به آن اهداف و برنامه‌های مورد نظر اعضای خانواده باید یک نفر از اعضای خانواده را بعنوان رهبر و مدیر بپذیرند و تحت فرماندهی، نظارت و رهبری او عمل بنمایند.

۲- اصل تقسیم کار:

بدون شک جهت تحقق اهداف خانواده هماهنگی و همکاری تمام اعضای خانواده لازم است. اما آنچه که به این همکاری و همیاری جهت می‌بخشد و فعالیت‌ها را معنی دار می‌نماید این است که بین اعضای خانواده تقسیم کار به عمل آید. طبق این اصل تقسیم کار در خانواده باید براساس سن، جنس، فرصت و توانایی اعضای خانواده اتفاق بیفتد.

اگر شرایط زیر در تقسیم کار وجود داشته باشد می‌توان فهمید که تقسیم کار مناسب انجام پذیرفته است:

۱- وقتی که کارها به خوبی و مطابق برنامه پیش رود.

۲- وقتی که همه افراد احساس رضایت کنند.

۳- وقتی که خانواده دارای سلامت روحی و جسمی باشد.

٤- وقتی مشاجره و بدخلقی به حداقل برسد.

۵- وقتی آسیب پذیری خانواده در برابر وقایع به حداقل برسد.

٦- خانواده در جهت اهداف خود به خوبی حرکت کند.

۳- اصل تناسب اختیار و مسئولیت:

براساس این اصل برای اجرای هر عمل معینی، حدود مسئولیت باید متناسب با اختیاراتی باشد که به شخص تفویض شده است. (عباس زادگان، ۱۳٦٦، ۳۷) به عبارت دیگر وقتی مدیریت خانواده به شکل مشارکتی درخصوص اجرای برنامه خاصی در راستای اهداف خانواده اقدام به تصمیم گیری می‌نماید و اجرای آن را بر عهده عضوی از خانواده می‌گذارد باید متناسب با وظیفه و مسئولیتی که به عضوی واگذار می‌نمایند اختیار نیز بدهند. زیرا در غیر اینصورت امکان عملی شدن وظیفه محوله بر آن عضو عملاً اجرا نخواهد شد و مسئولیت داده شده لوث خواهد گردید.

٤- اصل تعادل:

طبق این اصل مدیریت خانواده باید سعی نماید کلیه جنبه‌های رشد و ترقی خانواده و اعضای آن را لحاظ نموده و از افراط و تفریط پرهیز نماید. از جمله اموری که می‌توان به آنها اشاره نمود عبارتند از:

❖ تعادل در نظر و عمل.

❖ تعادل در زمان [گذشته، حال، آینده].

❖ تعادل در منطق و عاطفه.

❖ تعادل در گفتن و شنیدن.

❖ تعادل در امکانات و انتظارات.

❖ تعادل در ابعاد اهداف تربیتی.

❖ تعادل در مصالح درونی و بیرونی خانواده.

❖ تعادل در سازگاری و انتقادگیری.

❖ تعادل در رفتارهای عادلانه نسبت به اعضای خانواده.
❖ تعادل در رفتارهای عادلانه نسبت به اقوام همسری و خود.
❖ ...

۵- اصل کارآیی:

مطابق این اصل منابع مادی خانواده باید به گونه ای هزینه گردند که نیازها و تمایلات کلیه اعضای خانواده برآورده گردند و اتلاف منابع در خانواده صورت نپذیرد. به عبارت دیگر بهره وری از منابع در حد متعادل و منطقی صورت پذیرد.

٦- اصل انعطاف پذیری:

اهداف و برنامه‌های خانواده باید بگونه ای تدوین گردند که چنانچه تغییری در شرایط بوجود آمد خانواده دچار اختلال نگردد و بتواند به پایداری خویش ادامه دهد به عبارتی اهداف و برنامه‌های دیگری را جایگزین نماید.

۷- اصل نظارت:

طبق این اصل انجام هر وظیفه ای که بر عهده عضوی قرار گرفت برای آنکه اجرای آن وظیفه به سهولت و به نحو مطلوب و با صرف هزینه اندک انجام پذیرد نظارت بر چگونگی اجرای عمل توسط آن عضو بوسیله رهبر خانواده ضرورت دارد. زیرا براساس این عمل اولاً راهنماییهای لازم در طول اجرای برنامه ارائه می‌گردد ثانیاً به امور سرعت بخشیده می‌شود.

وظایف مدیر خانواده

مدیر موفق خانواده کسی است که وقتی تصمیمی‌را نهایی می‌نماید و اجرای آن را در دستور کار اعضای خانواده قرار می‌دهد حاصل آن اثری مثبت و سازنده بر اعضای خانواده داشته باشد. برای اینکه مدیری به مدیر موفق تبدیل گردد باید بداند که در نقش مدیریت خانواده چه وظایفی بر عهده او نهاده شده است. آگاهی از این وظایف و تعهد به آنها مدیریت مطلوبی را در پی خواهد داشت. برخی از وظایفی که مدیران خانواده بر عهده دارند عبارتند از:

۱- برنامه‌ریزی:

برنامه ریزی عبارت است از تعیین اهداف و تدارک فعالیت‌ها، امکانات و وسایل برای تحقق اهداف (خورشیدی و همکاران، ۱۳۷۹، ۲۸). بر این اساس یکی از وظایف مدیر خانواده این خواهد بود که با حضور اعضای خانواده اهداف مورد نظر خانواده خویش را تعیین و راههای دسترسی به آن اهداف را بررسی و امکانات لازم را فراهم نمایند. عمده ترین اقدام مدیر خانواده در این قسمت دو چیز خواهد بود یکی تعیین خط مشی لازم جهت تحقق اهداف و دیگری مشخص نمودن عملیاتی که باید اجرا گردند.

۲- سازماندهی:

سازماندهی یعنی جریان نظم دادن به کار و فعالیت، تقسیم و تکلیف آن به افراد به منظور انجام دادن کار و تحقق هدفهای معین (خورشیدی به نقل از علاقه بند، ۱۳۷۹، ۳۰) از دیگر فعالیت‌هایی که مدیر باید در این قسمت انجام دهد عبارتند از:

❖ مشخص کردن وظایف و حدود اختیارات اعضاء و مسئولیتهای آنها.

❖ جلوگیری از کارهای تکراری.
❖ متناسب بودن کارهای اعلام شده با تجربیات و تحصیلات و تواناییهای اعضای خانواده

۳- هدایت و رهبری:

روح حاکم بر هدایت و رهبری در این است که مدیر خانواده سعی می‌نماید سطح فهم اعضای خانواده را بر اهداف خانواده بالاتر ببرد و انگیزه کار و فعالیت را در اعضاء تقویت کند و به حل مشکلات و اختلافات اعضای خانواده بپردازد و در صورت نیاز تغییراتی در شرایط خانواده بوجود آورد تا زمینه لازم جهت ایجاد یک خانواده مطلوب فراهم گردد.

٤- نظارت و کنترل:

همانگونه که در اصول مدیریت خانواده نیز آمده است نظارت یکی از وظایف مدیر خانواده تلقی می‌گردد. براساس نظارت نحوه اجرای وظیفه ای که بر عهده عضوی از خانواده گذاشته شده بود مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد و رهنمودهای لازم ارائه می‌گردد.

۵- بودجه‌بندی:

مدیر خانواده مسئولیت امور مالی خانواده را نیز بر عهده دارد. اوست که بین درآمدها و هزینه‌های خانواده ارتباط منطقی ایجاد می‌نماید و نحوه هزینه درآمد را با کمک اعضاء معین می‌کند.

٦- نوآور بودن: مدیر نورآور کسی است که افکار نو و جدید را به خانواده وارد نماید و یا ترکیبی از انواع افکار قدیمی‌تولید نموده و موجباتی را فراهم آورد که افراد خانواده خود به فکر تغییر و تحول در خانواده باشند.

۷- تشکیل جلسات خانوادگی: به منظور اجرای یک روش مدیریت مشارکتی لازم است که خانواده‌ها به طور مرتب جلسات خانوادگی را تشکیل دهند. این جلسه‌ها یک گردهمایی منظم و برنامه ریزی شده از تمامی‌افراد خانواده است تا در آن اعضاء:

- ❖ حرف‌ها و درددل‌های یکدیگر را بشنوند.
- ❖ کارهای خانه را بین هم تقسیم کنند.
- ❖ شکایات را عرضه کنند.
- ❖ اختلافات را برطرف کنند.
- ❖ راههای جدید برای حل مشکلات خانواده بیابند. (حائزیان، ١٣٨٤، ٢٠)

۸- تنظیم و تدوین برنامه کار:

به پیش بینی عملیات که باید طی زمان مشخصی انجام شود و همچنین تعیین نیازمندی‌های اجرایی عملیات از قبل تعیین شده و بالاخره نحوه اجرای آن بطور دقیق برنامه کاری می‌گویند. با توجه به اهمیت داشتن برنامه جهت رسیدن به اهداف مورد نظر مدیر خانواده باید برنامه روزانه، هفتگی، ماهانه و حتی سالانه خویش را مشخص کند. (امیرشاهی، ۱۳۷۸)

۹- مدیریت خانواده در شرایط بحرانی یا خاص(مرگ و میر، طلاق، اعتیاد، بزهکاری و ...):

بحران یک واژه منفی است. برای بحران یک مفهوم یکسان و واحد وجود ندارد و هر نوع معنا و تعریفی که برای بحران قایل شویم جنبه نسبی دارد. بدین معنا که آنچه که در نزد یک قوم، ملت و خانواده بحران به حساب می‌آید ممکن است در نزد قوم، ملت و خانواده دیگر بحران نباشد. بحران در زمینه‌ها و عرصه‌های متنوع و متعددی نظیر پزشکی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست

محیطی، فرهنگی، نظامی‌و ... از جمله خانوادگی کاربرد دارد. والیز و کان تعاریف زیر را برای بحران ارائه می‌دهند:

❖ شرایطی که واکنش فوری طلب می‌کند
❖ کاهش کنترل بر رویدادها
❖ ایجاد فوریت زمانی
❖ وجود تهدید جدی نسبت به اهداف
❖ ایجاد مجموعه شرایط جدید ناشی از کنش و واکنش چند رویداد
❖ شرایطی که با افزایش فشارها، فوریت‌ها برای عمل بوجود می‌آید.

ویژگی‌های بحران

❖ نسبی بودن
❖ تنش زا بودن در ارگانیسم
❖ تهدید اهداف افراد مبتلا
❖ علت ایجاد رفتارهای آسیب زا
❖ مستهلک کننده بودن
❖ تهدید ارزش‌های اساسی

عوامل مؤثر بر بروز بحران در خانواده:

۱- عدم التزام اعضای خانواده نسبت به ارزش‌های نهایی خانواده.
۲- خلل در باورهای اعضای خانواده نسبت به وجود عدالت در خانواده.
۳- منازعات خانوادگی.
٤- از بین رفتن مشروعیت و مقبولیت رهبر خانواده.

۵- تهدید اهداف خانواده توسط اعضا.

٦- حمله ناگهانی نظامی[جنگ].

۷- خیزش‌های اجتماعی.

۸- فجایع زیست محیطی.

۹- فجایع طبیعی نظیر سیل، زلزله و ...

۱۰- بن بست اقتصادی خانواده.

۱۱- خشونت و بدرفتاری والدین در محیط خانه.

۱۲- جدایی پدر و مادر از همدیگر.

۱۳- زندگی با ناپدری و نامادری.

١٤- سخت گیری و ممانعت والدین در ادامه تحصیل.

۱۵- همنشینی با دوستان ناباب.

١٦- مشکلات اقتصادی و فقر مالی.

۱۷- فقدان نظام اخلاقی سالم در کانون خانواده.

۱۸- بی بند و باری جنسی در خانواده.

۱۹- عدم نظارت والدین بر رفتارها و عملکردهای فرزندان.

۲۰- فقدان جو عاطفی و روانی مطلوب در محیط خانواده.

۲۱- وجود زمینه‌های جرم در خانواده.

۲۲- امر و نهی مکرر اعضای خانواده توسط دیگر اعضا.

۲۳- عدم پاسخگویی به تقاضاها و نیازهای مشروع اعضای خانواده.

مدیریت بحران خانواده:

هر تمهیدی برای پرهیز از بحران، جستجوی اندیشمندانه بحران، خاتمه و مهار بحران در راستای حفظ منافع ملیِ، فردی، و ... مدیریت بحران نامیده می‌شود. هدف عمده مدیریت بحران دستیابی به راه حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی به گونه ای که منافع و ارزش‌های اساسی حفظ و تأمین گردد. به عبارتی مهار خسارات و پاسداری از منافع (شریف، ۱۳۷۱). مدیریت بحران خانواده در واقع هنری است که در قالب آن مدیر خانواده نقش تعیین کننده خود را به نمایش می‌گذارد و با محدود کردن دامنه خسارات و بازسازی و مرمت آثار ناشی از بحران خانواده را به حالت عادی برمی‌گرداند.

خصوصیات مدیر خانواده

احراز مدیریت در هر سازمان یا مؤسسه منوط به برخورداری از شرایط و ویژگی‌هایی است که متناسب آن سازمان یا مؤسسه می‌باشد. خانواده نیز بعنوان یک نهاد اجتماعی برای آنکه کارکرد مطلوبی از خود بر جای بگذارد نیازمند آن است که مدیر آن از برخی شرایط و ویژگی‌ها برخوردار باشد تا بتواند خانواده را به سر منزل مقصود برساند. بعضی از ویژگی‌های مورد نظر ذیلاً ذکر می‌گردند و انتظار می‌رود که مدیران خانواده سعی نمایند که آنها را در خود بوجود آورند. چرا که کلیه آنها اکتسابی است و خواستن توانستن است. برخی از ویژگیهای لازم جهت اداره مطلوب خانواده برای مدیر عبارتند از:

- ❖ برخورداری از مهارت برقراری ارتباط صحیح انسانی با اعضای خانواده.
- ❖ برخورداری از مهارت هدایت و رهبری مطلوب خانواده.

❖ برخورداری از مهارت بر اداره امور خانواده.
❖ آشنایی با اصول مدیریت خانواده و تعهد داشتن به اجرای آنها در خانواده.
❖ برخورداری از یک تفکر قوی مبتنی بر شناخت و آگاهیهای لازم.
❖ برخورداری از قدرت تدبیر که نجات بخش خانواده از مشکلات خواهد بود.
❖ برخورداری از جرأت انتقاد از خود و تفکر انتقادی.
❖ برخورداری از عزّت نفس و اعتماد به نفس که عامل الگوی مناسب بودن برای اعضای خانواده است.
❖ برخورداری از ثبات عاطفی و همت عالی برای اجرای برنامه‌های مورد نظر در خانواده.
❖ برخورداری از روح فلسفی که حاصل آن عمل نکردن بدون تحقیق و یقین است.
❖ برخورداری از توانمندی لازم جهت ایجاد انگیزه و پویایی در خانواده.
❖ آشنایی با علوم تربیتی، روانشناسی کودک و نوجوان، تفاوت‌های فردی و راههای مشاوره فرزندان.
❖ برخورداری از مهارت مدیریت فرزندان.
❖ برخورداری از مهارت برنامه ریزی اقتصادی.
❖ برخورداری از تفکر واقع بینانه.
❖ برخورداری از آرامش در مواقع بحران.
❖ برخورداری از حس مسئولیت پذیری.
❖ برخورداری از نظم و انضباط و اهمیت دادن به کارها
❖ برخورداری از تفکر شورایی
❖ برخورداری از قاطعیت در تصمیم گیری و بدور بودن از شک و تردید

❖ برخورداری از قدرت روحی سطح بالا
❖ برخورداری از قدرت عاقبت اندیشی و دقت نظر
❖ آگاه و آشنا بودن به تکنیک‌های ارائه تقویت
❖ برخوردار بودن از حس انعطاف پذیری و مهربان بودن
❖ برخورداری از مهارت ارزشیابی از امور خانواده



توانایی برنامه‌ریزی در خانواده

توانایی برنامه‌ریزی در خانواده

تعریف و مفهوم برنامه‌ریزی

برای برنامه‌ریزی نیز همانند واژه‌هایی چون خانواده، مدیریت، تربیت و غیره تعاریف متعددی ارائه گردیده است، که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

❖ برنامه‌ریزی یعنی انتخاب بهترین خط مشی‌ها منتهی به اهداف، پیش بینی عملیات، تعیین نیازهای اجرایی عملیات و نحوه اجرای جزء به جزء امور. (امیرشاهی، ۱۳۷۸، ۱۳۳)

❖ برنامه‌ریزی عبارت است از طرح تدابیری که بتوان به احسن وجه از منابع موجود برای نیل به هدف‌های مطلوب استفاده کرد. (راسخ، به نقل از تقی پور ظهیر، ۱۳۷۲، ۲۵).

❖ برنامه‌ریزی فعالیت مستمری که نه تنها به مقصد بلکه روش وصول به آن و تعیین بهترین مسیر نیز توجه دارد. (فیلیپ، به نقل از تقی پور ظهیر، ۱۳۷۲، ۲۶)

❖ برنامه‌ریزی یعنی نقشه کشیدن برای دستیابی به خواسته‌ها. (فیوضات، ۱۳۷۳، ۱۵)

❖ برنامه‌ریزی همان شکل جدید تفکر قبل از عمل است. (صافی، ۱۳۷۳، ۱۷۹)

❖ برنامه‌ریزی عبارت است از به کار بردن امکانات و استفاده از منابع به مناسب‌ترین وجه برای رسیدن به اهداف مشخص. (صافی، ۱۳۷۳، ۱۷۹)

❖ برنامه‌ریزی پلی است بین وضع موجود و وضع مطلوب. (نصرآبادی و رحمانی، ۱۳۷۷، ۱۰۷)

❖ برنامه‌ریزی فرآیندی است مداوم، حساب شده و منطقی، جهت دار و درونگر به منظور ارشاد و هدایت فعالیت‌های جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب. (فیوضات، ۱۳۷۳، ۱۸)

با توجه به تعاریف مذکور چنین می‌توان نتیجه گیری نمود که برنامه‌ریزی طرح و تدبیری است که یک خانواده جهت دستیابی به اهداف مورد نظر اتخاذ می‌نماید و مطابق با آن راهکارهای عملی پیش بینی می‌نماید.

ضرورت برنامه‌ریزی در خانواده

برای آنکه خانواده ای بتواند بر اهداف مورد نظر خویش فائق آید و حیات پرثمری را داشته باشد باید ابزار مربوط به تحقق اهداف را معین نماید. برنامه‌ریزی ابزار و وسیله تحقق اهداف در خانواده‌هاست. ضرورت پرداختن به برنامه‌ریزی در خانواده در این نکته نهفته است که برنامه‌ریزی این امکان را برای خانواده‌ها بوجود می‌آورد که آنها بتوانند از منابع و امکانات محدودی که در اختیار دارند بهره وری مناسب داشته باشند و امکانات بالقوه را به فعلیت تبدیل نمایند و با کشف روشهای مناسب به اهدافی که در اولویت دارند دسترسی پیدا نمایند. به عبارت دیگر ضرورت برنامه‌ریزی در این است که به قول جان می‌هر

کاری که به فکر آید قابل برنامه‌ریزی است و چون در خانواده دهها کار به فکر می‌آیند لذا جهت پرداختن به آنها برنامه‌ریزی ضرورت دارد.

اصول برنامه‌ریزی در خانواده

برای آنکه هر عملی به صورت مطلوب انجام پذیرد مجموعه عواملی در آن دخیل می‌باشند برنامه‌ریزی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و عوامل چندی بر چگونگی و اجرای مطلوب آن تأثیرگذار می‌باشد که آگاهی از آنها مدیر خانواده را در برنامه‌ریزی یاری خواهد نمود. بعضی از این عوامل به شرح ذیل می‌باشند:

۱- آگاهانه بودن برنامه‌ریزی:

هرچقدر میزان آگاهی و اطلاعات در مورد موضوعی که در آن خصوص برنامه‌ریزی می‌نماییم بیشتر باشد به همان میزان برنامه‌ریزی مطلوبی خواهیم داشت. اطلاعات دقیق برنامه‌ریزی درستی را در پی خواهد آورد. بنابراین قبل از برنامه‌ریزی باید سعی کنید اطلاعات کافی از موضوع مورد نظر بدست آورید.

۲- انفرادی عمل نکردن:

همه افراد در مورد همه موضوعات و مسائلی که در زندگی وجود دارد تخصص و آگاهی ندارند. برای آنکه تصمیم و برنامه‌ریزی اثربخش گردد لازم است از فکر و خرد و تجربه کسانی که در حوزه مورد نظر اطلاعاتی دارند بهره گرفته شود به عبارتی مشورت صورت پذیرد.

۳- مستقل بودن برنامه‌ها از یکدیگر:

امور زندگی را باید به گونه ای طراحی و برنامه‌ریزی نمود که تا حدودی استقلال آنها از یکدیگر حفظ گردد و برنامه‌ها بطور زیادی بر یکدیگر وابسته نباشند. اما اگر چنانچه یکی از آنها تحقق پیدا نکرد بقیه نیز با شکست مواجه می گردند.

٤- مصمم بودن در اجرای برنامه:

برنامه‌ریزی دو قسمت دارد. یکی قسمت فکری و دیگری قسمت اجرا. در قسمت فکری اگر مصمم نبودیم مشکلی پیش نمی‌آید اما در اجرای برنامه مصمم نبودن، اجرای برنامه را با مشکل مواجه می‌نماید. بنابراین باید با اراده جدی به عملیاتی کردن برنامه پرداخت.

۵- وجود انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی:

در برنامه‌ریزی یک اصل وجود دارد به نام ثبات در عین انعطاف. یعنی در خود هدف ثبات داریم و در راه رسیدن به آن به عبارتی در شیوه کار باید انعطاف داشته باشیم. (نصرآبادی، رحمانی، ۱۳۷۷، ۱۰۸) تا مسائل و مشکلات و حوادث پیش بینی نشده حداقل تأثیر را در اجرای برنامه داشته باشند.

٦- توجه به همه اعضای خانواده:

یکی از دلایل شکست برنامه‌ریزی‌های خانواده عدم توجه به موقعیت، نیاز، مسائل و مشکلات اعضای خانواده در برنامه‌ریزی است. توجه به همه اعضای

خانواده این فرصت را برای خانواده ایجاد می‌کند که همه اعضا در برنامه‌ریزی درگیر شوند و هماهنگی لازم را با یکدیگر بعمل آورند.

۷- منطقی بودن برنامه‌ریزی:

هرکس در زندگی خواست‌هایی دارد که برای رسیدن به آنها طرحی می‌اندازد و تدبیری می‌اندیشد. خواست‌ها و آروزهای بعضی برآورده می‌شوند. خواست‌ها و آرزوهای برخی برآورده نمی‌شوند. خواست‌هایی برآورده می‌شوند که اولاً مطابق با واقعیات و دور از تخیلات و رویاها باشند. ثانیاً مطابق و [متناسب] با منابع و امکانات و ... باشد. (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۲، ۲۵) بنابراین باید سعی گردد برنامه مورد نظر واقع بینانه توأم با تأمل و تفکر طراحی گردد.

۸- مداومت داشتن برنامه‌ریزی:

مطابق این عمل برنامه‌ریزی با نوشتن برنامه خاتمه نمی‌یابد. بلکه فرآیندی است که باید مداومت داشته باشد و با توجه به بازتاب فعالیت‌ها و عملکردهای انجام شده توسط خانواده و اطلاعات و یافته‌های جدید برنامه‌ریزی جدیدی به عمل آید.

۹- همکاری مشارکت اعضای خانواده:

اصل همکاری و مشارکت بیانگر این نکته می‌باشد که به اجرا و عمل درآوردن موفق یک برنامه توسط یک خانواده منوط به قبول مسئولیت و پذیرش وظایف محوله توسط اعضاء و تحریک حس همکاری و مشارکت آنها در اجرای آن است. چراکه در غیر این صورت شکست برنامه پیشنهادی قابل تصور خواهد بود.

۱۰- شرایط اجرایی داشتن:

در تهیه و تدوین یک برنامه باید شرایط اجرای آن مدنظر باشد. شرایط اجرایی یک برنامه به محیط اجتماعی، وضعیت اقتصادی، شرایط خانوادگی، منابع انسانی و ... بستگی دارد.

فواید برنامه‌ریزی در خانواده

پرداختن به برنامه‌ریزی در خانواده مزایای متعددی را در پی خواهد داشت. از جمله اینکه برنامه‌ریزی موجب:

❖ آرامش و ایمنی خاطر اعضای خانواده می‌شود.
❖ معنا و هدف بخشیدن به فعالیت‌های اعضای خانواده می‌شود.
❖ هماهنگی بیشتر در خانواده می‌گردد.
❖ تمرکز بر اهداف می‌گردد.
❖ استفاده صحیح از زمان می‌گردد. (نصرآبادی، رحمانی، ۱۳۷۷، ۱۰۷)
❖ استفاده صحیح از انرژی و سرمایه گذاری می‌گردد.
❖ مشخص شدن نوع فعالیت و تلاش توسط هر یک از اعضای خانواده می‌شود.
❖ انگیزه دار شدن فعالیت‌های خانواده می‌گردد.

برنامه‌ریزی جهت تهیه تغذیه و مواد غذایی خانواده

انسان برای زنده ماندن و به خاطر حفظ سلامت جسمی‌و روحی باید به تهیه و استفاده از مواد غذایی اقدام بنماید. بنابراین مدیریت بر نحوه تهیه و استفاده از

مواد غذایی یکی از اساسی ترین اقدامات هر فرد بخصوص مدیر خانواده است. چرا که غذاها علاوه بر آنکه به غریزه‌ی گرسنگی پاسخ می‌دهند و نیازهای جسمانی را برآورده می‌نمایند، عامل بقای انسان و تأمین کننده آرامش روانی نیز می‌باشند. آنچه که در تهیه و استفاده از مواد غذایی مدنظر می‌باشد. این است که مدیر خانواده بخصوص مدیر آشپزخانه باید رژیم غذایی خانواده را به گونه ای تنظیم نماید تا غذاهایی بر سر سفره آورده شوند که حاوی پنج گروه مواد غذای یعنی قندها، چربی ها، پروتئین ها، ویتامین‌ها و مواد معدنی باشند. وجود هر یک از مواد غذایی مذکور برای رشد و نمو و سالم ماندن بدن ضرورت دارند. مصرف غذاهای قندی از جمله انواع میوه‌های شیرین، شیرینی، مرباجات و مواد نشاسته ای و سایر مواد قنددار برای کارها و فعالیت‌های کوتاه مدت ضروری می‌باشد. اگر هر روز مواد قندی مصرف نشود قادر نخواهیم بود فعالیت‌های روزمره را انجام دهیم و تمرکز فکری و ذهنی داشته باشیم. استفاده از غذاهای چرب دار در افراد سالم موجب می‌شود انرژی لازم برای فعالیت‌های درازمدت و سنگین تأمین گردد. مصرف پروتئین‌ها به لحاظ دچار نشدن بدن به انواع بیماری‌های ناشی از فقر پروتئین ضرورت دارد. مصرف ویتامین‌ها نیز در بدن جهت حفظ سلامتی ضروری است. ویتامین‌ها انواع مختلف دارند که هر یک خاصیت و عملکرد مخصوصی دارند. اما آنچه که درخصوص تهیه و مصرف مواد غذایی قابل ذکر می‌باشد این است که باید مصرف آنها از حد متعادل تجاوز نکند. همانگونه که عدم وجود هر یک از آنها در رژیم غذایی خانواده اعضا را با مشکل مواجه می‌کند مصرف بیش از حد هر یک از آنها نیز عارضه‌های خاص خود را برای مصرف کننده بوجود می‌آورد. مصرف زیاد از

حد قندها موجب می‌گردد فرد، آماده‌ی ابتلا به بیماری دیابت یا قند گردد. ازدیاد چربی خون پیدا کند و سوخت و ساز بدن دچار بی نظمی‌گردد. مصرف زیاد چربی باعث می‌گردد تری گلیسرین و کلسترول بدن افزایش پیدا کند و فرد علاوه بر اضافه وزن، دچار اختلالات قلبی، عروقی و گوارشی گردد. مصرف بیش از اندازه پروتئین‌ها سبب بروز بیماری نقرس می‌شود و کلیه‌ها و استخوان‌ها دچار عارضه می‌گردد. استفاده بیشتر از مواد معدنی که در نمک طعام و اکثر مایعات وجود دارد باعث عارضه در قلب، کلیه‌ها و خون می‌شوند (پورکاظمی، ۱۳۸۲). در مدیریت تغذیه موارد زیر توصیه می‌گردند:

- ❖ خوردن غذای خوب در موقع مناسب می‌تواند وضع دماغی و عقلی افراد خانواده را به صورت طبیعی درآورند.
- ❖ از مصرف گوشتها، کره، شیر پرچربی و کلیه مواد غذایی که میزان چربی آنها بیش از ۳۰ درصد می‌باشد خودداری نمایید.
- ❖ غذاهای سبک را جایگزین سایر غذاها بنمایید.
- ❖ جهت تأمین انرژی فعالیت بیشتر از قندها بهره بگیرید.
- ❖ بدن روزانه به سه لیتر آب نیازدارد. ۱/۵ لیتر آن توسط تغذیه متعادل تأمین می‌گردد. ۱/۵ لیتر آب باید مصرف نمایید.
- ❖ عناصری که می‌توانند به مغز نیرو دهند عبارتند از: سیب، گلابی، انگور، هویج، گل کلم، پس آنها را در رژیم غذایی خود بیاورید.
- ❖ از نوشیدن آب قبل از فعالیت‌های سخت پرهیز نمایید (سی سختی، ۱۳۷۲).

- امکان دارد برخی از اعضای خانواده مطابق با نظر پزشک به غذای مخصوص نیاز داشته باشند در این صورت در رژیم غذایی آن فرد لحاظ کردن آن نوع مواد غذایی ضروری خواهد بود.
- امکان دارد بعضی از اعضای خانواده از نوعی غذا خوشش نیاید در آن صورت بدون آنکه اصراری بر صرف آن نوع غذا بنماییم بهتر است از غذای جایگزین استفاده کنیم. غذای جایگزین غذایی است که همان مواد غذایی، غذای مورد نظر شما را دارند. مثلاً کسی از سیب زمینی خوشش نمی‌آید ولی ماکارونی برای او خوشایند است. این فرد می‌تواند به جای سیب زمینی از کارورونی استفاده کند. چون هر دو نشاسته دارند.
- در تهیه میوه سعی نمایید از تنوع میوه‌ها بهره بگیرید. برای این منظور دو روش عمده پیشنهاد می‌گردد. روش اول اینکه بجای تهیه‌ی یک نوع میوه به مقدار زیاد از چند نوع میوه اما از هر کدام به مقدار کم تهیه کنید تا اعضای خانواده هر یک با مصرف مقدار از هر نوع میوه، ویتامین لازم بدن را بدست آورند. روش دیگر این که اگر در هر نوبت خرید میوه، یک نوع میوه تهیه می‌کنید سعی کنید در هر نوبت میوه جدید خرید نمایید مثلاً اگر در چند روز قبل سیب تهیه کرده بودید و حالا نیز می‌خواهید میوه خرید نمایید از خرید سیب صرف نظر کنید و به جای آن مثلاً گلابی خرید نمایید و این روند را در یک چرخه ادامه دهید.
- با انواع مواد غذایی و ارزش مواد غذایی آنها و خواص آنها آشنا شوید.

برنامه‌ریزی جهت بهداشت و روان خانواده

از جمله اموراتی که در خانواده‌ها دارای ارزش حیاتی است مدیریت بر بهداشت و درمان خانواده است. چراکه غفلت از این بعد کل اعضای خانواده را دچار بیماری جسمی‌و روانی می‌نماید. بهداشت را اینچنین تعریف می کنند: به کلیه اقداماتی که برای حفظ و تأمین سلامتی و جلوگیری از ابتلا به بیماری انجام می‌شود بهداشت اطلاق می‌گردد (رضایی، ۱۳۸۷، ۸۷). بنابراین جهت مدیریت بر بهداشت خانواده والدین باید کلیه اقداماتی را که پرداختن به آنها تضمین کننده سلامت اعضای خانواده می‌باشد را بدانند به آنها عامل باشند و فرزندان خویش را نیز با آنها آشنا نمایند. از جمله اقدامات لازم که تعهد و عامل بودن به آنها باید در دستور کار کلیه اعضای خانواده قرار گیرند عبارتند از:

۱- رعایت بهداشت فردی:

منظور بهداشت فردی اقداماتی هستند که هر شخص به منظور پرهیز از مبتلا شدن به بیماری باید انجام دهد. اهم این اقدامات عبارتند از بهداشت چشم، گوش، حلق و بینی، پوشاک، دهان و دندان، دست و ناخن، پوست و مو، درست نشستن و درست ایستادن، رعایت بهداشت در دوران بلوغ و ظاهر شدن علائم جنسی، بهداشت خواب و استراحت و فعالیت، بهداشت کار، بهداشت در مسافرت، رعایت نظافت شخصی و آموزش فرهنگ خود مراقبتی و سنجش بینایی و شنوایی، استحمام و ...

۲- بهداشت جمعی:

کلیه اقداماتی هستند که کلیه اعضای خانواده در درون خانواده جهت جلوگیری از مبتلا شدن اعضا به بیماری یا اختلال انجام می‌دهند. رعایت نظافت منزل، کنترل بیماری‌های واگیردار، یاد گرفتن اصول در ارائه کمک‌های اولیه، مراجعه کنترل شده به پزشک یا مراکز درمانی، آموزش اطلاعات جدید بهداشتی، ضدعفونی کردن به موقع دستشویی‌ها و ...

علاوه بر رعایت بهداشت اقدامات زیر نیز سلامتی اعضای خانواده را به دنبال دارد:

- سعی کنید یک پزشک معتمد خانوادگی داشته باشید. منظور از داشتن پزشک خانوادگی این است که افراد خانواده شما زیر نظر دائمی‌یک پزشک عمومی‌باشند و اطلاعاتی از وضعیت جسمانی شما در پرونده تنظیمی‌وی نزد وی وجود داشته باشد تا در صورت نیاز به مراجعه به پزشک مختصص از آن اطلاعات بهره بگیرید. برخورداری از یک پزشک خانوادگی دو فایده اساسی دارد: اول اینکه از این طریق دانش و آموخته‌های علوم پزشکی به خانواده شما منتقل می‌گردد دیگر آنکه از مراجعه شما به دلیل مبتلا شدن به بیماریهای کم اهمیت نظیر سرما خوردگی، فشار خون و ... به متخصص جلوگیری می‌نماید و بدین طریق در نوع هزینه شما صرفه جویی بوجود می‌آورد.
- حال اگر به هر دلیل امکان برخورداری از پزشک خانواده برای شما مقدور نمی‌باشد در این حالت خود باید سعی کنید تا حدودی نقش پزشک خانواده را برای خود ایفا نمایید. برای این منظور باید با علایم

بیماریهای مهم و قابل پیشگیری آشنا شوید. از جمله بیماریهایی که شما باید با آنها آشنا شوید عبارتند از:[1]

❖ بیماریهای عمومی‌مثل: سرماخوردگی، دیابت، آلرژی، خون دماغ، آپاندیس، بیماریهای فصل گرما، روماتیسم، سوختگی.

❖ بیماریهای عفونی مثل: سینوزیت، مخملک، سینه پهلو، حصبه، سیاه سرفه، کزاز، طاعون، سوزاک، سیفلیس، سل، جذام، عفونت ادراری، اسهال خونی، آنفولانزا، سرخک، سرخچه، آبله، آبله مرغان، تب خال، هپاتیت، ایدز.

❖ بیماریهای انگلی مثل: کرمک، آسکاریس، ژیاردیا، مالاریا.

❖ بیماریهای خون مثل: کم خونی، تالاسمی، هموفیلی.

❖ بیماریهای مغز و اعصاب مثل: سردرد، سرگیجه، صرع.

❖ بیماریهای پوست و مو مثل: ریزش مو، کچلی، جوش‌های صورت، پرمویی صورت خانم ها.

❖ بیماریهای استخوانی مثل: آرتروز، پوکی استخوان، دیسک کمر، راشیتیسم.

❖ بیماریهای سرطانی مثل: سرطان خون، مغز، دهان، مری، معده، سینه، رحم، روده، کبد، استخوان، کلیه، مثانه، ریه، پوست.

❖ بیماریهای قلبی مثل: فشار خون، افزایش ضربان قلب، واریس رگها.

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر درخصوص انواع بیماریها به کتاب پزشک خانواده نوشته دکتر لطفعلی پورکاظمی‌مراجعه نمایید.

برنامه‌ریزی بر زمان و انجام کارهای خانواده

زمان سرمایه ارزشمندی است که تمام شدنی و از دست رفتنی است. در میان انواع منابع و امکاناتی که انسانها در اختیار دارند زمان از همه آنها مهم تر و با ارزش تر می‌باشد چراکه با در اختیار داشتن زمان می‌توان آنها را بدست آورد ولی با داشتن آنها نمی‌تواند زمان را بدست آورد (ملکی، ۱۳۸٦). بنابراین بر مدیر خانواده است که بر خانواده چنان مدیریت کند که اعضای آن بدانند و بتوانند از زمانی که در اختیار دارند حداکثر استفاده را در جهت ارتقاء و پیشرفت خویش نمایند و از اتلاف زمان و بیهوده رفتن انرژی پرهیز گردد. برخی را عقیده بر این است که من نمی‌توانم بطور منظم عمل کنم و از زمان استفاده بهینه نمایم این گونه افراد باید بدانند که هر کسی در هر سنی که باشد می‌تواند بر وقت و زمانی که در اختیار دارد سازمان دهد و آن را اداره کند. از عمده ترین اثرات مدیریت بر زمان این است که موجب می‌گردد افراد کارهای مورد نظر خویش را با اراده و انگیزه بیشتری انجام دهند و انجام کارها بطور منظم صورت پذیرد. برای مدیریت و استفاده بهینه از زمان اقدامات متعددی را باید انجام داد. از جمله این اقدامات عبارتند از:

الف) مدیریت بر انجام کارها:

درخصوص انجام کارها موارد پیشنهادی زیر توصیه می‌گردد:

❖ برای اینکه انجام کاری بخاطر عدم دقت دوباره تکرار نگردد و زمان اتلاف نشود باید کارها را با جدیت و دقت انجام داد.

❖ انجام کارهای مهم و اساسی زمانی انجام پذیرد که از بیشترین کارآیی برخوردارید.

❖ انجام کارها به دقیقه نود موکول نگردد. چون برخی مواقع در فرد ایجاد اضطراب و عجله بوجود می‌آورد و از سوی دیگر دقت نظر را کاهش می‌دهد.

❖ برای پرهیز از اتلاف زمان از تفویض اختیار استفاده کنید و انجام کارهایی را که از عهده سایر اعضای خانواده برمی‌آید به آنها واگذار نمایید.

❖ قبل از انجام هر کاری درخصوص نحوه و چگونگی انجام آن کمی‌تأمل و فکر کنید. به عبارتی برنامه ریزی مناسبی جهت انجام کار با کیفیت بالا بنمایید.

❖ مجموعه کارهایی را که قرار است انجام دهید لیست کنید و سپس انجام آنها را اولویت بندی نمایید و از همه مهم تر آنها را یک به یک به انجام برسانید. معمولاً کسانی که چند کار را هم زمان انجام می‌دهند دچار نوعی بی نظمی‌و سردرگمی‌می‌شوند.

❖ کارهای غیرضروری و قابل حذف را شناسایی و از انجام آنها خودداری نمایید.

❖ سعی کنید در انجام کای که انجام دادنش را ضروری و مفید تشخیص می‌دهید امروز و فردا نکنید.

❖ از انجام کارها در زمانی که عاطفه، احساس و هیجان شما تحریک شده است پرهیز نمایید. مثلاً وقتی که عصبانی هستید، خسته شده اید، اختلاف شدید پیدا کرده و ...

❖ از انجام کارهایی که نیاز مهارت ویژه دارند و شما فاقد آن مهارت می‌باشید پرهیز نمایید.
❖ کار مطالعه را به عصرها موکول نمایید چراکه براساس برخی تحقیقات در این زمان عمل یادگیری بهتر انجام می‌پذیرد.
❖ برخی کارها را بوسیله وسایل الکترونیکی و فناوری اطلاعات انجام دهید. مثلاً اگر کاری با تماس تلفنی قابل انجام می‌باشد دیگر نیاز به حضوری نمی‌باشد.

ب) مدیریت بر تماس‌های تلفنی:

برخی از اصول بهره گیری از تلفن به منظور بهره گیری از زمان عبارتند از:
❖ کوتاه و محدود کردن خوش و بش‌های تکراری و غیرمفید و به اصل مطلب پرداختن.
❖ پاسخ‌های کوتاه دادن به سؤالات و صحبت‌های طرف مقابل به نیت اتمام هرچه زودتر مکالمه.
❖ تفویض پاسخ دادن و صحبت کردن به سایر اعضای خانواده.
❖ گفتگو را به نحوی هدایت و مدیریت نمایید که طرف مقابل از صحبت‌های غیرضروری صرف نظر نماید.
❖ در صورتی که امکان پذیر باشد شما تلفن بزنید و از امتیاز قطع سریع مکالمه برخوردار باشید. چراکه تلفن کننده تصمیم گیرنده میزان مکالمه نیز می‌باشد.
❖ اگر شما تماس برقرار کنید ابتدا محورها و نکات اساسی مورد مکالمه را مشخص کنید.

❖ به هنگام تماس از حضو فرد در محل کار یا خانه مطمئن شوید. چراکه تلفن کردن در زمان نامناسب یکی از راههای اساسی اتلاف وقت می‌باشد.

❖ در صورت ضرورت از دستگاه منشی تلفن بهره بگیرید و خود نیز آمادگی ذهنی داشته باشید که امکان دارد با یک منشی تلفن مواجه شوید و در آن هنگام نباید دچار پریشان حالی شوید بلکه باید سعی نمایید پیام مناسبی برای فرد مورد نظر قرار دهید.

ج) مدیریت بر مسافرت: برخی از فعالیت‌های مورد اجرا در زمان مسافرت به منظور بهره گیری از زمان عبارتند از:

❖ گوش دادن نوارهای آموزشی و سخنرانی‌های علمی‌به هنگامی‌که با اتومبیل مسافرت می‌کنیم در راه.

❖ طراحی یک مطالعه مطلوب در زمانی که با قطار مسافرت می‌کنیم.

❖ برنامه ریزی جهت بهره گیری مطلوب از زمان اختصاص داده شده به مسافرت‌های خانوادگی به منظور کسب تجربه بیشتر اعضای خانواده.

برنامه‌ریزی جهت بیمه نمودن اعضاء و اموال خانواده

بیمه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین [شرکت بیمه] تقبل می‌کند که هرگاه بر اثر وقوع یک اتفاق مشخص به طرف دیگر خسارت یا ضرری وارد شد در ازای پرداخت مبلغ معین [حق بیمه] خسارت وارده را جبران کند. شرکت بیمه را بیمه گر و طرف خواهان بیمه شدن را بیمه گذار می‌نامند و خسارت دریافتی را حق بیمه می‌گویند (گنابادی، ۱۳۷۵، ٤٦). ویژگی عمده بیمه

نمودن یا بیمه شدن در این است که وقتی دچار حادثه یا خسارت می‌شویم نه تنها از بدتر شدن وضع جلوگیری می‌کند بلکه عامل جبران و کمک برای از سرگیری روال عادی زندگی می‌باشد (کشوادی، ۱۳۸٦، ۹۰). بطور خلاصه می‌توان عنوان نمود که بیمه یک حمایت مالی در مقابل یک خطر است.

انواع بیمه:

بیمه از انواع متعدد برخوردار می‌باشد. از جمله بیمه هایی که برای یک خانواده ضرورت دارند که خانواده در آن رابطه بیمه شوند عبارتند از:

۱- **بیمه اموال:** این نوع بیمه وقتی که اموال منقول و غیرمنقول شخصی و تجاری با خطر نابودی و خسارت مواجه گردد از بیمه کننده حمایت می‌کند.

۲- **بیمه حوادث:** این نوع بیمه وقتی که افراد دچار حوادثی که منجر به جراحت، نقص عضو، فوت یا عمل جراحی و ... مبتلا می‌شوند از آنها حمایت می‌کند.

۳- **بیمه عمر:** فوت هرکس با هزینه بالایی همراه است تا مراسم مربوط به دفن و کفن و ... آن فرد به عمل آید. این نوع بیمه بخش عظیمی‌از این هزینه را به بازماندگان متوفی پرداخت می‌نماید تا آنها با مشکل مالی مواجه نباشند.

٤- **بیمه بازنشستگی:** بدون شک بعد از بازنشستگی توان فعالیت اقتصادی از افراد گرفته می‌شود این در حالی است که هزینه‌های زندگی نه تنها هنوز باقی هستند بلکه بیشتر هم شده اند بیمه بازنشستگی منبع تعیین شده ای را تا آخر عمر در اختیار افراد قرار می‌دهد.

٥- **بیمه درمان:** این نوع بیمه فرد بیمه شده را درخصوص پرداخت هزینه‌های درمان مورد حمایت قرار می‌دهد.

برنامه‌ریزی امور فرهنگی خانواده

برای واژه فرهنگ تعاریف متعددی آورده اند. در یک تعریف فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده ای از بینش ها، احساسات، ارزش ها، اندیشه ها، عقاید و رفتارهای نسبتاً پایدار و بادوام در یک جامعه که در قالب آداب و رسوم، هنر، آموزش، زبان، میراث فرهنگی و دین تجلی می‌نماید (علی اکبری، ۱۳۸۰، ۲۱٤). به عبارتی فرهنگ عبارت خواهد بود هرآنچه که یک ملت دارد و با وجود آنها هویت می‌گیرد و خود را در میان ملت‌های دیگر عرضه می‌کند. برای اینکه بودن یک ملت و خانواده محفوظ بماند باید بر بُعد فرهنگی آن مدیریت و برنامه ریزی نمود که دلایل چندی بر این امر وجود دارد. دلیل اول اینکه امروزه رسانه‌های گروهی ابعاد شگفت آوری پیدا کرده اند و با بوجود آمدن رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و سایر وسایل ارتباط جمعی خانواده در تعامل با الگوهای متعددی از فرهنگ‌ها و زندگی‌های متعدد قرار گرفته اند که بعضاً تأثیرپذیری از آنها دارای اثرات مخربی بر فرهنگ خانواده و ملت ما هستند و موجب سقوط و تضعیف ارزش‌های ملی، قومی، منطقه ای و خانوادگی می‌شوند و دلیل دوم اینکه در فرهنگ به ارث رسیده ما نیز مقوله‌ها و شاخصه‌هایی وجود دارند که جنبه خرافی و غیرعقلانی دارند و نیازمند پالایش می‌باشند.

اگر برنامه ریزی را کوششی برای ایجاد تغییر آگاهانه در جریان تحول، موضوع و ... بپنداریم در آن صورت منظور از مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی خانواده عبارت خواهد شد از تلاشی که برای تغییر آگاهانه در زمینه بینش ها، احساسات، ارزش ها، اندیشه ها، عقاید و سلوک نسبتاً پایدار بادوام یک جامعه

[خانواده] مطابق خواست و الگوی ذهنی برنامه ریز [مدیر خانواده] (علی اکبری، ۱۳۸۰، ۲۱٤). و این عمل با توجه به ویژگی هایی که فرهنگ دارد امکان پذیر می‌باشد. از جمله ویژگی‌های فرهنگ این است که آموختنی است. فرهنگ از طریق یادگیری حاصل می‌شود و ذاتی نیست به همین جهت تغییر در یادگیری و جانشین ساختن آنها با امور دیگری که از راه دیگری قابل حصول می‌باشند امری ممکن و مقدور است. در این راستا خانواده، گروه‌های هم سال، مدرسه، کتب، رسانه‌های تصویری و ... بهترین ابزار می‌باشند. از دیگر ویژگی فرهنگ انتقال پذیری آن است. امور فرهنگی بر اثر تلاش و علاقه کسی به کسی دیگر و انسانهایی به انسانهای دیگر قابل انتقال می‌باشد. تحول پذیری نیز از ویژگی فرهنگ محسوب می‌شود. هیچ فرهنگی در طول تاریخ در جهان بصورت ایستا و سکون نبوده است. هرچند برای فرهنگ ویژگی‌های دیگری نیز قائلند، اما وجود همین چند ویژگی مبین وجود تغییر در فرهنگ است و مدیر خانواده باید سعی نماید فرهنگ مطلوبی در خانواده بوجود آورد. پدید آوردن فرهنگی پویا در خانواده راهکارهای چندی را طلب می‌نماید که در این قسمت به چند مورد از آنها اشاره می‌گردد:

- پرداختن و رفتن به سفر و مسافرت را در دستور کار بعد فرهنگی خانواده منظور نمایید. تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که گردشگری و جهانگردی دیگر فعالیتی نیست که عده کمی‌از افراد به آن بپردازند بلکه بعنوان یک هنجار اجتماعی فرهنگی که اثرات بسیار مفیدی در رشد فرهنگی و فکری اعضای خانواده دارد، پذیرفته شده است و انتظار می‌رود که همگان به آن اقدام نمایند.

- تکرار یک عمل خوب را به منظور نهادینه کردن آن در خانواده در دستور کار خود و دیگر اعضا قرار دهید. در جریان ارتباط جمعی شیوه هایی وجود دارند که با تکرار یک عمل و بدون اینکه مردم خود متوجه شوند کاری می‌کنند که بطور ناخودآگاه مردم از چیزی خوششان می‌آید یا بدشان می‌آید. بهره گیری از این روش در خانواده نیز عامل نهادینه شدن یک موضوع در خانواده خواهد شد.

مدیریت فرهنگی خانواده وظیفه دارد اعضای خانواده را به ارزیابی از میراث فرهنگی وادار نماید و طریقه باروری و غنای فرهنگ را به او یاد دهد، در برابر ارزش ها، آداب و رسوم، عادات، آرمانها اعضا را منتقد بار آورد (قائمی، ۱۳۷۰، ۱۱٤). به عبارت دیگر باید دانست که خانواده‌ها درخصوص میراث فرهنگی خود سه وظیفه عمده دارند. وظیفه اول شناخت آنچه که بعنوان میراث فرهنگی به آنها رسیده است. وظیفه دوم پالایش آنچه که به آنان رسیده است می‌باشد. به این معنا که آنچه را که تحت عنوان میراث فرهنگی به آنها رسیده با عقل، علم، منطق و برخی مواقع با دین مطابقت دهند اگر چنانچه جنبه غیرعلمی‌و عقلانی و دینی داشته باشد و خرافه محسوب گردند آنها را حذف نمایند. وظیفه سوم آن است که فرهنگ پالایش را غنی کرده و آن را ترویج نمایند و به نسل‌های بعدی انتقال دهند.

مدیریت و نظارت بر محتوای برنامه‌های ویدئویی، تلویزیونی، ماهواره ای و بالاخره اینترنتی و جهت دهی خانواده در استفاده از ابزار و رسانه‌های مذکور از عمده فعالیت حوزه مدیریت فرهنگی خانواده است. چراکه محتوا و مفاهیمی‌که از طریق رسانه‌های تصویری بر کودکان القاء می‌شود از دهها و هزارها درس شفاهی و کلاس برتر است و امکان دارد برخی مواقع محتوای نامطلوبی از این

رسانه‌ها در اختیار اعضای خانواده قرار گیرد که ویرانگر بوده و اثـرات ناشـی از آن جبران ناپذیر باشند و مسائل و مشکلات عدیده ای را وجود آورند.

- نظارت و مدیریت بر محتوای کتب و آثار مکتوب که مورد مطالعه اعضای خانواده است نیز مهم تلقی گردد. محتوای ضـرب المثـل هـا، شـعرها، ادبیـات، داستان ها، کتب اجتماعی و ... همه و همه باید در جهت غنـی سـازی فرهنگـی خانواده باشند و از مطالعه متونی که اشاعه گر فرهنگ ابتذال و بی قیـدی اسـت پرهیز شود.

- به حقوق فرهنگی اعضای خانواده خویش احترام بگذارید. حقوق فرهنگی به معنای برخورداری و بهره مندی افراد، گروه‌ها و اقـشار مختلـف از کالاهـای فرهنگی که در قالب رسانه‌های مختلـف نوشـتاری، دیـداری و شـنیداری قابـل تصور است (افروغ، ۱۳۸۰، ۶۳). امروزه حقوق فرهنگی یکی از ابعاد حقوق بشر محسوب می‌گردد. همانگونه که انسانها حق دارند از غذا، بهداشت، شغل، قانون و ... بهره مند شوند به همان میزان حق دارند از فرهنگ بهره مند گردنـد و آثـار فرهنگی را مورد استفاده قرار دهند.

- حدود ۳ الی ۵ درصد از درآمد ماهانه خویش را به امور فرهنگی خـانواده اختصاص دهید و با همین اعتبار درصدد تهیه روزنامه، رفتن به سینما، رفـتن بـه تئاتر، خرید کتاب بطور مستمر، بازدید از نمایشگاه ها، تهیه فیلم و سی دی و ... برای خانواده برآیید.

- حس نوع دوستانه و بشردوستانه را در بین اعضای خانواده خـود تقویـت نمایید. به همین منظور عضویت در انجمـن‌هـای نیکوکـاری، خیریـه، حمـایتی، همیاری و ... را تشویق نمایید.

- برداشت مثبت از زندگی و دنیا را در بین اعضای خانواده بعنوان توسعه نگرش مطلوب و معقول تقویت کنید.

- توسعه نگرش علمی‌و توجه به اهمیت عقلانی بودن کارها را در خانواده به یک ارزش تبدیل کنید.

- اعتقاد به وجود آزادی در خانه و امکان و فرصت ابراز عقیده و اندیشه در خانواده و احترام به حقوق دیگران را به یک فرهنگ تبدیل کنید.

- سعی نمایید در الگوی مصرفی خانواده پرهیز از اسراف و تبذیر را به محور اصلی تبدیل نمایید.

- سعی نمایید در برقراری ارتباط با دیگر خانواده‌ها از تشریفات بدور باشید و ساده زیستی را پیشه کنید.



توانایی مدیریت و برنامه‌ریزی در اقتصاد خانواده



علم اقتصاد

کلمه اقتصاد از ترجمه واژه Economic است که از نظر لغوی از دو کلمه یونانی «ایکو» به معنای خانواده و «نومو» به معنای قانون به وجود آمده است. برای علم اقتصاد تعاریف متعددی که کمابیش به همدیگر نزدیک می‌باشند ارائه شده است. که به چند نمونه اشاره می‌گردد:

❖ اقتصاد دانشی است که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر و روابط آنها را با یکدیگر تعیین می‌کند (محتشم، دولت شاهی به نقل از باقرصدر، ۱۳۷٤، ١٦).

❖ اقتصاد علم بررسی رفتار انسان در زندگی روزمره اش می‌باشد که فعالیت‌های مربوط به تولید، توزیع، مصرف و فعالیت‌های روزمره انسانی محسوب می‌شوند (محتشم دولت شاهی، به نقل از آلفرد مارشال، ۱۳۷٤، ١٦).

❖ اقتصاد علم مربوط به بررسی چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و همچنین علم مربوط به بررسی نتایج این گونه فعالیت‌ها است (دولت شاهی، ۱۳۷٤، ١٦).

❖ اقتصاد عبارت است از تخصیص منابع محدود در دسترس برای تأمین نیازهای نامحدود انسان.
❖ اقتصاد عبارت است از علم اجتماعی که مربوط می‌شود به استفاده از منابع کمیاب که بتواند حداکثر رضایت از خواسته‌های مادی نامحدود جامعه را بدست آورد (جمشیدیان، به نقل از مک کانل، ۱۳۸۵).
❖ اقتصاد عبارت از مطالعه چگونگی استفاده مردم و جامعه از منابع کمیاب، با مصارف متفاوت به منظور تولید کالاهای گوناگون و توزیع آن‌ها در میان افراد و گروه‌های مختلف جامعه برای مصرف حال یا آینده است (جمشیدیان به نقل از پل ساموئلسون، ۱۳۸۵، ۳).

اقتصاد خانواده

اقتصاد خانواده یکی از اساسی ترین شاخه‌های علوم اجتماعی است که بطور مستقیم انسان و خانواده را هدف قرار می‌دهد و تلاش می‌کند با یاری علم اقتصاد و جامعه شناسی مسائل اقتصادی خانواده را مورد کنکاش قرار دهد و سعی می‌کند با افزایش بهره وری در خانواده بین امکانات و احتیاجات خانواده در زمان و مکان هماهنگی به عمل آورد.

اهمیت مدیریت بر اقتصاد خانواده

ضرورت و اهمیت اعمال مدیریت بر اقتصاد خانواده در این نکته نهفته است که اداره هزینه‌های زندگی و ایجاد تعادل بین دخل و خرج خانواده همانند سایر ابعاد خانواده نیاز به مدیریت دارد و اهمیت منابع اقتصادی در خانواده تا آنجاست که مدیریت صحیح در این بخش می‌تواند منجر به تحکیم بنیان

خانواده و کاهش تنش و مشکلات خانوادگی گردد. مدیریت بر اقتصاد خانواده در واقع فعالیت برنامه ریزی شده انسان است که در صدد است ارضا احتیاجات را با توجه به کمیابی بهبود ببخشد. از آنجا که در اقتصاد خانواده مدیریت بر دو بخش اساسی یعنی درآمد خانواده و هزینه‌های خانواده از اولویت برخوردار می‌باشند لذا در این فصل به بررسی و تحلیل این دو بخش پرداخته می‌شود.

مدیریت بر درآمد خانواده

درآمد عبارت است از میزان مبلغی که بطور ماهانه یا سالانه برای تأمین هزینه‌های خانواده برای یک خانواده وجود دارد. منظور از مدیریت بر درآمد این است که بدانیم چگونه می‌توانیم میزان درآمد خانواده را افزایش دهیم.

اهمیت کسب درآمد

اهمیت کسب درآمد در این است که درآمد باعث می‌گردد استقلال در زندگی برای خانواده‌ها مهیا شود و خانواده ای طفیلی دیگران نباشد. علاوه بر استقلال مادی، عزت نفس پیدا کردن و حفظ آبرو و شرافت انسانی نیز از عملکردهای درآمد خانواده می‌باشد.

راه‌های کسب درآمد

کسب درآمد در واقع یکی از فعالیت‌های تولیدی خانواده است و معمولاً از راههای زیر بدست می‌آید:

۱- از طریق کار کردن:

کار یا پیشه از نظر راهنمایی شغلی و حرفه ای فعالیتی دائمی‌است که به تولید کالا یا خدمات منجر می‌شود و برای اجرای آن دستمزدی درنظر گرفته شده است. لذا کار دارای سه خصوصیت می‌باشد که عبارتند از: ۱- دائمی‌و همیشگی بودن ۲- به تولید کالا یا خدمات انجامیدن ۳- دستمزدی برای آن درنظر گرفتن. کار همچنین به انجام نقش حرفه ای خاصی که فرد بر عهده دارد نیز دلالت می‌نماید (شفیع آبادی، ۱۳۵۹، ٥٤). به عبارت دیگر می‌توان عنوان نمود که کار کردن فعالیت یا مجموعه فعالیت هایی است که فرد در مقابل بدست آوردن مبلغی تحت عنوان حقوق، مزایا، دستمزد یا درآمد به آن یا آنها دست می‌زند. نکته ای که ذکر آن درخصوص کار کردن از اهمیت خاصی برخوردار است این است که در کار کردن باید شرایط خاصی را درنظر گیریم تا فعالیت‌های ما معنی دار باشد. از جمله این شرایط عبارتند از اینکه:

- در کاری که انجام می‌دهیم باید شرافت انسانی حفظ گردد و در خدمت خواسته‌های پست دیگران نباشیم.
- کار باید تا آنجایی که مقدوراست متناسب با توان، علاقه و استعداد ما باشد.
- کار باید مشروع باشد تا درآمد حاصل از آن حلال باشد.
- کار باید به استقلال جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... کمک بنماید.
- کار باید مولد باشد و به تولید کالا یا خدمات منجر گردد.
- کار باید دارای شرایط پیشرفت و ترقی و پایداری باشد.

❖ کار باید شرافتمندانه باشد.
❖ کار باید به گونه ای باشدکه اساس آن را دروغ، کم کاری، فعالیت غیرقانونی، قاچاق و ... تشکیل ندهد (کشوادی، ۱۳۸٦، ۱۲٦).
❖ کار باید به گونه ای باشد که ماهیت آن را استثمار انسان از انسان و یا نابودی دیگران تشکیل ندهد.
❖ کار باید به گونه ای باشدکه ضرری از آن به فرد یا افراد و جامعه نرسد و اصل لاضرر بودن آن محفوظ باشد (توانایان فرد، ۱۳۵۹، ۱۰۳).
❖ کار باید بگونه ای باشد که انسان را در خدمت طبقه سرمایه داران قرار ندهد.
❖ کار باید بگونه ای باشد که در آن قداست و آبروی انسانی حفظ گردد.

علل کار کردن:

ارضای نیازهای جسمانی که از طریق کسب پول در مقابل انجام کار حاصل می‌شود نمی‌تواند تنها علت لازم و کافی برای کار کردن محسوب گردد. ارضای نیازهای روانی و اجتماعی نیز از تعیین کننده‌های مهم در اشتغال و نوع آن بشمار می‌روند. به نظر می‌ننجر (۱۹۵۲) عواملی را که موجب کار کردن می‌شوند می‌توان بشرح زیر شمرد:

۱) کار کردن وسیله ای برای صرف انرژی در راه مطلوب است. انسان انرژی خود را باید بطریق مطلوبی به مصرف برساند تا بدان وسیله تعادل فیزیولوژیکی خود را حفظ نماید. کار کردن یکی از روش هایی است که انرژی انسان را در راه مطلوب به مصرف می‌رساند و تعادل فیزیولوژیکی بدن را برقرار می‌سازد.

۲) کار کردن وسیله ای برای ایجاد روابط اجتماعی با دیگران است. آدلر (۱۹٦۳) معتقد است کار کردن وسیله ای برای ایجاد رابطه با دیگران می‌باشد. به نظر آدلر انسان از طریق کار کردن به ایجاد روابط اجتماعی موفق می‌شود و بدینوسیله می‌تواند مورد تأیید دیگران قرار گیرد. یکی از نیازهای انسان با توجه به عقیده گلاسور (۱۹٦۵) دوست داشتن و دوست داشته شدن است. کار کردن این نیاز روانی را نیز تا حد ممکن ارضاء می‌نماید.

۳) از طریق کار فرد خود را جزئی از جامعه محسوب می‌دارد. در عین حال خدمات و یا کالاهایی را تولید می‌نماید و نقش خود را در سازندگی جامعه بنحو احسن ایفاء می‌کند.

٤) از طریق کار کردن انسان از طریق مقایسه خود با دیگران به ارزشیابی توانایی‌ها و مهارت‌ها و نیز کشف محدودیت‌های خود اقدام می‌نماید. بر اثر چنین مقایسه و ارزشیابی‌ها فرد در صدد توسعه و گسترش مهارت‌های شغلی و حرفه ای خود برمی‌آید.

۵) کار کردن نشانه ای از بلوغ و بزرگسالی است. در جوامع صنعتی که نوجوان درصددند هرچه زودتر از خانواده جدا شده و زندگی مستقل خود را آغاز کنند معمولاً نوجوانان- ولو بطور غیرقانونی از نظر سن اشتغال- به انجام کار نیمه وقت اقدام می‌نمایند. در جامعه ما نیز به خوبی مشاهده می‌کنیم که تا زمانی که فرد شغلی بدست نیاورده خود را مستقل نمی‌داند و بعنوان عضوی وابسته به اعضای خانواده با آنها زندگی می‌نماید (شفیع آبادی،۱۳۵۹، ٥٤ و ٥٥).

۲- از طریق ارث

برخورداری از ارث که از والدین به فرزندان می‌رسد یکی از راهکارهایی که در صورت وجود داشتن بر درآمد خانواده اضافه می‌نماید. اگر مقدار ارثی که بدست می‌آوریم قابل توجه باشد بهتر است جهت بهره برداری بیشتر از آن اقدام به سرمایه گذاری نماییم.

۳- از طریق دریافت هدایا، جوایز و ...

امروزه در جامعه کنونی ایران این به یک عرف تبدیل شده است که شرکت ها، مؤسسات، ادارات و ... به مناسبت‌های مختلف جوایز یا هدایایی را برای پرسنل یا فرزندان آنها درنظر می‌گیرند و اهدا می‌نمایند و یا اینکه بر اثر خلاقیت یا کسب شرایط ویژه سرپرست خانوار واجد دریافت مبلغی تحت عنوان جایزه یا غیره می‌شود. ورود مبلغی با هر عنوان غیر از حقوق و مزایا و درآمد مشخص ماهانه یا سالانه عامل افزایش درآمد خانواده خواهد شد. اگر چنانچه مبلغ چنین هدایایی قابل توجه باشد شایسته است بجای نگهداری یا هزینه آنها در خانه بهتر است به فکر سرمایه گذاری از آنها باشیم.

٤- از طریق پس انداز و سرمایه گذاری

یکی از راههای معقول، منطقی و اقتصادی افزایش درآمد خانواده پس انداز نمودن و سرمایه گذاری کردن و بهره گرفتن از سود حاصل از آن می‌باشد. پس انداز در لغت به معنای ذخیره کردن، اندوختن و پس افکندن آمده است. پس انداز عبارت است از مبلغی از درآمد که به مصرف نمی‌رسد. این هنر مدیریت خانواده می‌باشد که بتواند مبلغی از درآمد را جهت پس انداز نمودن به کنار

بگذارد و از چرخه مصرف خارج کند. پس انداز نمودن فواید متعددی برای خانواده دارد از جمله اینکه:

- ❖ موجب می‌گردد توان خانواده در مقابل آسیب‌ها و بیماری‌ها و ... افزایش یابد.
- ❖ عامل تشکیل ثروت برای خانواده می‌باشد.
- ❖ در زمان بروز حوادث، اتفاقات و ضرورت هزینه‌های پیش بینی نشده بدرد می‌خورد.
- ❖ در میان اعضای خانواده امنیت خاطر و آسایش ایجاد می‌نماید.
- ❖ در زمان پیری و کمتر شدن فعالیت‌ها و درآمد کم کمک یار خواهد بود.
- ❖ در تأمین هزینه‌های اساسی نظیر هزینه مسکن و ... نقش اساسی دارد.
- ❖ در زمان‌های اضطراری راه گشا می‌باشند.
- ❖ یکی از نیازهای اساسی امروز بشر است.

ذکر این نکته نیز اهمیت دارد که بدانیم در خانواده ای پس انداز کردن می‌تواند اتفاق بیفتد که اولاً کلیه اعضای آن نسبت به نقش پس انداز در زندگی آگاهی داشته باشند ثانیاً درخصوص پس انداز آموزش لازم را دیده باشند. ثالثاً اعضای بدانند که صرفه جویی عامل پس انداز و به نفع آنان است.

سرمایه‌گذاری

بعد از آنکه خانواده‌ها با اعمال روش‌های صحیح مدیریت بر اقتصاد خانواده و با برخورداری از اولویت‌های مصرف و حذف هزینه‌های غیرضروری توانستند مبلغی از درآمد خانواده را بعنوان پس انداز درنظر بگیرند در آن صورت بهتر

است که آن مبلغ را با نیت افزایش درآمد و کسب سود بیشتر سرمایه گذای نمایند. این کار چندین فایده دارد از جمله:

۱- پول و اموال ذخیره شده در خانه از خطراتی مثل سرقت، آتش سوزی و کاهش ارزش پول مصون می‌مانند.

۲- پولها در جریان چرخه عمومی‌ثروت قرار گرفته و عموم مردم از آن بهره می‌گیرند.

۳- دغدغه فکری اعضای خانواده برای سرقت اموال ارزشمند خانه کم می‌شود.

٤- پشتوانه اقتصادی برای تأمین مخارج خانواده در هنگام بروز مشکلات بوجود می‌آید.

۵- خلاقیت اقتصادی اعضای خانواده به جهت تلاش برای شناخت و اجرای روش‌های جدید سرمایه گذاری افزایش می‌یابد. (کشوادی، ١٣٨٦، ١٧).

موارد چندی باید به هنگام سرمایه گذاری مدنظر باشند که عبارتند از:

- ❖ در شرکتی سرمایه گذاری نمایید که حتماً ثبت شده و مؤسسان آن افراد باایمان و با تقوا باشند.
- ❖ سرمایه گذاری شما توجیه اقتصادی داشته باشد یعنی سودی از آن عاید خانواده شما گردد.
- ❖ سرمایه گذاری شما در مسیر اهداف مشروع باشد.
- ❖ سرمایه گذاری شما کمکی به استثمار انسان از انسان ننماید.
- ❖ از میزان ریسک و مخاطره سرمایه گذاری آگاه باشید.

شیوه‌های سرمایه‌گذاری

برای سرمایه گذاری و کسب سود و نهایتاً افزایش میزان درآمد خانواده راهکارهای متعددی وجود دارد که در یک تقسیم بندی می‌توان آن‌ها را به روشهای مستقیم و روشهای غیرمستقیم تقسیم بندی نمود.

۱) روش‌های مستقیم سرمایه گذاری

منظور از روش‌های مستقیم سرمایه گذاری روشهایی هستند که در آنها مبلغی که بعنوان پس انداز وجود دارد مستقیماً وارد صحنه فعالیت اقتصادی می‌شود و سود آن در کوتاه مدت به سرمایه گذار برمی‌گردد. روش‌های مستقیم سرمایه گذاری متعدد می‌باشند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱-۱- سرمایه گذاری در بانک ها:

در این نوع از سرمایه گذاری خانواده‌ها می‌توانند پول نقد و مبلغ پس انداز خویش را به فراخور شرایط و مطلوبیتی که قائل هستند در یکی از بانک‌های مورد علاقه خویش سپرده گذاری نمایند و بعد از موعد مقرر سود حاصل به حساب آنها واریز گردد و آنها براحتی بر آن دسترسی داشته باشند. بانک‌های مختلف با میزان سودهای مختلف و با شرایط مختلف اقدام به پذیرش سپرده‌گذاری خانواده‌ها می‌نمایند.

۱-۲- خرید سهام:

برخی مواقع شرکت یا شرکت هایی بوجود می‌آیند که سرمایه آن توسط اشخاص متعدد یعنی عموم تأمین می‌گردد. به چنین شرکت هایی شرکت سهامی‌گفته می‌شود. شرکت سهامی‌شرکتی است که سرمایه آن به سهم تبدیل

شده است و به خریداران ارائه می‌گردد و کسانی که از سهام آنها خرید می‌نمایند در واقع به نسبت سهمی‌که خرید می‌نمایند در آن شرکت از حق مالکیت برخوردار می‌شوند. کسانی که از سهام شرکت‌ها خرید می‌نمایند علاوه بر حق مالکیت از حقوق زیر نیز برخوردار می‌گردند.

۱- حق رأی در اداره شرکت

۲- حق سهم بردن از سود شرکت

۳- حق تقدم در خرید سهام شرکت در صورت افزایش سرمایه (تقوی و نیک نژاد، ۱۳۷٤، ٥٤۳).

انواع سهام

۱- سهام بی نام: سهامی‌است که نام صاحب سهم بر روی آن نوشته نمی‌شود و سند در وجه حامل تنظیم شده است و دارنده ورقه سهم مالک آن شناخته می‌شود.

۲- سهام بانام: سهامی‌است که نام صاحب سهم بر روی اوراق سند و دفاتر شرکت ثبت می‌گردد.

۳- سهام عادی: سهامی‌است که در اساسنامه شرکت برای آن مزایای خاصی قائل نشده باشند.

٤- سهام ممتاز: سهامی‌است که در اساسنامه شرکت برای آن مزایای خاصی قائل شده باشند. مثل اولویت در دریافت سود سهام، برخورداری از حق رأی بیشتر، تعلق نسبت معینی از سود سهام قبل از تقسیم بین اعضا (همان، ٥٤٤).

محاسن خرید سهام

۱- کسب و سود: یکی از محاسن خرید سهام این است که برای خریدار به نسبت سهامی‌که خرید می‌نماید سود می‌آورد.

۲- اعمال حق رأی و اداره امور شرکت: خریداران سهام به میزان سهمی‌که خرید می‌کنند حق تصمیم گیری در اداره امور شرکت را به دست می‌آورند.

۳- اطمینان داشتن از محل سرمایه گذاری: خیلی از جاها و فعالیت‌های اقتصادی وجود دارند که افراد می‌توانند در آن مکان‌ها سرمایه گذاری نمایند ولی آنچه که وجود دارد خیلی از آنها محل مناسب و قابل اعتمادی نمی‌باشند اما خرید سهام شرکت هایی که در بورس ارائه می‌گردد به لحاظ اینکه دارای شرایط و ضوابطی که توسط بورس اعلام می‌گردد می‌باشند قابل اعتماد می‌باشند.

٤- قابلیت نقدینگی: از ویژگی‌های اساسی اوراق بهادار این است که خریدار هر زمانی که بخواهد و نیازمند باشد می‌تواند آن را به پول نقد، طلا یا ارز تبدیل نماید.

۵- پوشش در مقابل تورم: افزایش سطح عمومی‌قیمتها در یک اقتصاد، قیمت دارایی‌های شرکت‌ها را نیز بالا می‌برد. سهام نیز که نماینده بخشی از داراییهای شرکت است طبعاً افزایش ارزش پیدا می‌کند. بدین ترتیب خریداران سهام در مقایسه با سپرده گذاران بانک‌ها در مقابل کاهش ارزش پول ناشی از تورم مصونیت پیدا می‌کنند (گلریز، ۱۳۷٤، ۳۳).

٦- معاف بودن از مالیات: مقررات برخی کشورها به منظور حمایت از سرمایه گذاری در بورس خریداران سهام را از پرداخت مالیات معاف می‌کنند.

روش‌های پرداخت سود سهام

۱- پرداخت نقدی

۲- پرداخت به صورت سهام جدید

۳-۱- خرید اوراقع بهادار:

اوراق بهادار می‌تواند به شکل‌های مختلف باشند از جمله:

الف) اسناد خزانه: اوراق بهادار کوتاه مدتی هستند که توسط دولت صادر می‌شوند و سررسید آنها عموماً بین سه ماه، شش ماه و یک سال می‌باشد. مهمترین ویژگی این اوراق این است که دارای کمترین خطر و یا به عبارتی فاقد خطر می‌باشد و به همین خاطر نیز کمترین سود را به آن پرداخت می‌کنند.

ب) اوراق قرضه: اوراق قرضه سند بدهکاری صادر کننده آن به خریدار یا دارنده آن است و معمولاً دارای سررسید است و مبلغ اسمی‌آن در سررسید توسط صادر کننده پرداخت می‌شود (گلریز، ۱۳۷٤، ۳۸). معمولاً یک بانک به عنوان نماینده شرکت یا مؤسسه عمل می‌کند. اوراق قرضه از لحاظ زمان می‌تواند کوتاه مدت، بلندمدت و میان مدت باشد.

اوراق قرضه عبارت است از سند تعهد پرداخت بهره ثابت سالانه می‌باشد که میزان آن برخلاف سود سهام تحت کنترل شرکت نمی‌باشد و اضافه مبالغ تأمین شده از طریق استقراض بازپرداخت می‌گردد. اوراق قرضه دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- اوراق قرضه در حکم سند یا قراردادی است که به موجب آن صادر کننده اوراق، مبلغی از خریداران آنها وام می‌گیرد و متعهد می‌شود اصل (مبلغ اسمی) اوراق قرضه و بهره متعلق به آن را در سررسیدهای تعیین شده بپردازد.

سود (بهره) متعلق به اوراق قرضه معمولاً در سررسیدهای سه ماهه، شش ماه یا سالانه پرداخت می‌شود.

۲- اوراق قرضه از جمله اوراق بهادار قابل خرید و فروش است و معاملات مربوط به آن در بورس‌های اوراق بهادار صورت می‌گیرد.

۳- اوراق قرضه صادره ممکن است کلاً دارای سررسید واحد یا سررسیدهای متفاوت باشند. برای مثال ممکن است سررسید یک دهم از اوراق قرضه در سال یازدهم پس از انتشار، یک دهم دیگر در سال دوازدهم و نهایتاً یک دهم آخر در سال بیستم پس از انتشار تعیین شود.

٤- در مواردی اوراق قرضه صادره تحت شرایط خاص قابل تبدیل به سهام شرکت صادر کننده است. به این گونه اوراق قرضه، اوراق قرضه قابل تبدیل می‌گویند.

۵- اگر شرکت صادر کننده حق بازخرید اوراق را قبل از سررسید آنها داشته باشد، اوراق قرضه دیداری خوانده می‌شود.

٦- اوراق قرضه ممکن است در وجه حامل [بی نام] یا نام باشد.

۷- اوراق قرضه در فواصل زمانی مشخص و به قیمت تعیین شده توسط شرکت صادر کننده قابل بازخرید می‌باشد و معمولاً قیمت بازخرید بیش از ارزش رسمی‌اوراق می‌باشد (تقوی و نیک نژاد، ۱۳۷٤، ۵۸۸).

تفاوت اوراق قرضه با سهام

۱- اوراق قرضه نشان دهنده بدهکار بودن شرکت یا صادرکننده آن به خریدار است در حالی که سهام نشان دهنده مالکیت دارنده سهام به اموال شرکت است.

۲- اوراق قرضه دارای موعد بازپرداخت و نرخ بهره معینی است در حالی که در سهام سررسید بازپرداخت معین نیست.

۳- سند قرضه از نظر بازپرداخت اصل و بهره آن نسبت به سهام اولویت دارد.

٤-۱- خرید ارز:

یکی از راههای سرمایه گذاری و کسب درآمد بیشتر تهیه ارز و سپرده گذاری آن می‌باشد. به پول خارجی ارز گفته می‌شود. ارز دو نوع می‌باشد. ارز قابل تبدیل و ارز غیرقابل تبدیل. ارز قابل تبدیل ارزی است که در بازارهای پولی و بین المللی قابل معامله بوده و قابل تبدیل به ارزهای دیگر می‌باشد. اعتبار این نوع ارزها قبلاً از طریق بانک مرکزی کشورها معین می‌گردد. ارز غیرقابل تبدیل از چنین موقعیتی برخوردار نمی‌باشد. بانک‌ها سپرده ارزی را به دو صورت با منشأ داخلی و با منشأ خارجی قبول می‌کنند. ارزهایی که از خارج انتقال یافته اند در حساب سپرده منشأ خارجی ذخیره قابل انتقال به خارج می‌باشد و سود ارزی به آن تعلق می‌گیرد ولی سپرده ارزی با منشأ داخلی که از طریق منابع غیرخارجی تأمین می‌شوند فقط در داخل قابل استفاده بوده و سود ریالی به آن تعلق می‌گیرد.

۵-۱- خرید اوراق مشارکت:

این اوراق توسط دولت یا شرکت‌های تولیدی به منظور کمک به واحدهای تولیدی یا پروژه‌های خاص نظیر احداث آزادراهها و پروژه‌های عمرانی منتشر می‌گردد. در این روش اصل سرمایه تضمین می‌گردد و به معنای قرض دادن

پول برای انجام پروژه‌های مورد نظر با نیت کسب سود می‌باشد. این اوراق معمولاً بی‌نام صادر می‌گردند از این رو جهت حفظ آنها می‌توان آنها را در بانک‌ها به ودیعه گذاشت. ویژگی عمده این اوراق در این است که سود آن بیشتر از سود سپرده‌های بلندمدت می‌باشد و به محض مراجعه به بانک عامل قابل تبدیل به پول می‌باشد.

۱-۶- خرید ملک:

خرید املاک نظیر زمین، باغ، ساختمان، مزرعه و ... که همواره با افزایش قیمت همراه هستند.

۲) روش‌های غیرمستقیم سرمایه گذاری

منظور از روش‌های غیرمستقیم سرمایه گذاری روشهایی هستند که پول نقد خانواده مستقیماً با نیت کسب سود وارد بازار اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی نمی‌گردد ولی اثرات آن در کوتاه مدت یا درازمدت عامل افزایش میزان درآمد خانواده می‌باشد. برخی از این نوع سرمایه گذاری عبارتند از:

۲-۱- سرمایه گذاری در تربیت و تبدیل اعضای خانواده به نیروهای متخصص:

تحقیقات و واقعیات اجتماعی گویای این مسئله می‌باشد که هر چقدر سرمایه گذاری در نیروی انسانی صورت بگیرد و اعضای خانواده دارای تحصیلات و تخصص بالاتری باشند در شرایط متعارف درآمد بیشتری کسب می‌نمایند. بنابراین وقتی در خانواده ای سعی می‌گردد که اعضاء به درجات تحصیلی راه پیدا کنند نوعی سرمایه گذاری جهت برداشت سود بیشتر انجام پذیرفته است.

۲-۲- صرفه جویی

معمولاً میزان مصرف در یک خانواده تابعی از میزان درآمد آن خانواده است. به عبارتی هرچقدر میزان درآمد بیشتر باشد مصرف نیز بیشتر خواهد بود. هنر مدیریت خانواده این است که میزان مصرف را کنترل کند تا بر مقدار پس انداز و درآمد خانواده افزوده شود.

۲-۳- مهارت در امور خانه داری توسط زنان

از آنجایی که بخش عظیم هزینه درآمد بر عهده زنان خانواده می‌باشد. بنابراین مهارت زنان در امور هزینه و اداره خانواده موجب مصرف بهینه خواهد شد که حاصل آن افزایش پس انداز و درآمد خواهد بود.

۲-٤- داشتن قدر چیزهایی را که داریم:

در آیه ۱۷ سوره ابراهیم آمده است «هرگاه شکر نعمت‌ها کنید حتماً شما را افزونی می‌بخشیم. اگر قدر آنچه که داریم را بدانیم و غبطه نداشتن را نخوریم» بدون شک نوع و میزان نیازهای ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد و دنبال نیازهای کاذب و غیرضروری نخواهیم بود. در چنین شرایطی امکان افزایش درآمد محقق خواهد شد.

۲-۵- مدیریت صحیح بر هزینه‌ها:

هنر مدیریت بر هزینه‌ها یکی از بنیادی ترین روشهای افزایش پس انداز در خانواده تلقی می‌گردد. در این خصوص به تفضیل سخن گفته خواهد شد.

۶-۲- کسب مهارت‌های حرفه ای:

همانگونه که صرف زمان جهت تحصیلات در خانواده از روشهای غیرمستقیم سرمایه گذاری محسوب می‌گردد به همین ترتیب صرف زمان جهت کسب مهارت‌های حرفه ای در حد رفع نیاز مشکل خانواده نیز نوعی سرمایه‌گذاری است چراکه با کسب مهارت لازم قادر خواهیم بود مسائل جزئی را در خانه خودمان حل کنیم یا راه اندازی کنیم و از پرداخت مبلغی تحت عنوان حق الزحمه یا دستمزد پرهیز نماییم. امروزه صنعت گران و ارائه دهندگان خدمات برای کوچکترین فعالیت مبلغ قابل توجهی را طلب می‌نمایند. مثلاً بستن یک شیر آب یا تعمیر سیم‌های برق خانه یا تایپ یک صفحه مطلب بوسیله کامپیوتر و دهها نوع نیازی که درخانه وجود دارد هزینه قابل توجهی را از خانواده طلب می‌نماید. برای جلوگیری نمودن از این نوع هزینه‌ها کسب مهارت‌های لازم در امور خانواده کمک مؤثری بر افزایش میزان پس انداز و درآمد خواهد بود.

مدیریت بر هزینه‌های خانواده

در امور اقتصادی خانواده درآمد خانواده یک طرف قضیه است و نحوه هزینه نمودن آن طرف دیگر. چنانچه در نحوه هزینه نمودن مهارت نداشته باشیم بدون شک خانواده دچار مشکل تأمین نیازها خواهد بود. مدیریت هزینه یعنی بهترین بهره وری با حداقل امکانات (شریعتی، ۱۳۸۷). به عبارتی یعنی تنظیم ساز و کار دخل و خرج در منزل (ضابطی، ۱۳۸۷). مدیریت درست بر هزینه‌های خانواده برای همه خانواده‌ها امری لازم و حیاتی است. لکن اهمیت این امر برای

خانواده‌هایی با درآمد کم، متوسط و پایین دو چندان می‌باشد. چراکه در خانواده‌های پردرآمد عدم مهارت مدیریت بر هزینه‌ها موجب بوجود آمدن اسراف و تبذیر خواهد شد ولی در خانواده‌های کم درآمد و متوسط نبودن مهارت در اداره هزینه‌ها عامل از هم پاشیدگی و دچار شدن خانواده به بحران خواهد شد. لذا از مهم ترین عوامل حیات و ثبات خانواده‌ها کسب مهارت در هزینه کردن می‌باشد.

شیوه‌های مدیریت بر هزینه درآمد خانواده

در خانواده‌های مختلف برای هزینه کردن درآمد و تأمین احتیاجات الگوها و شیوه‌های متعددی به کار می‌رود. برخی از این الگوها و شیوه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

الف) شیوه زنان مدار:

در این شیوه و الگو زن عهده دار اداره تمام خرج خانواده است، زیرا شوهر کل پول را به او واگذار می‌کند و خود مسئولیتی در قبال تنظیم بودجه و هماهنگی دخل و خرج خانواده ندارد. «آن اکلی» در تحقیقی مرتبط با این موضوع دریافته است، بیش تر زنانی که زندگی خود را با این سیستم اداره می‌کنند، از این مسئله که همیشه باید نگران پرداخت صورت حساب‌های زندگی و جور کردن دخل و خرج باشند، ناراحتند. در حالی که شوهران هیچ گونه نگرانی از این بابت ندارند. نکته جالب توجه این است که این سیستم اغلب در خانواده‌های کسانی که درآمد پایین دارند، اجرا می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که علاوه بر درآمد پایین، مشخصه دیگر خانواده هایی که سیستم مورد

نظر را به کار می‌برند، تقسیم کار دقیق و غیرقابل انعطاف بودن زوجین است. به این معنا که نقش‌های زنانه و مردانه دقیقاً و براساس کلیشه‌های رایج انجام می‌شود. در این چارچوب زنان موظفند، وظایف سنتی خانه داری و مراقبت از کودکان را انجام دهند، در حالی که مردان عموماً نان آور و رییس خانواده اند. در این سیستم، زنان هیچ پول شخصی که جدای از مخارج جمعی خانواده باشد دریافت نمی‌کنند و تمامی‌پول اضافی یا پس انداز شده نیز صرف مخارج همگانی خانواده می‌شود.

ب) شیوه مرد مدار:

در این الگو مسئولیت کامل مدیریت امور مالی خانواده را بر عهده دارد و طبیعی است که زنان نه مسئولیتی در این زمینه دارند و نه اختیاری. به این ترتیب در این جا نیز ساختار و روابط سلسله مراتبی قدرت دیده می‌شود. بدین معنا که مردان در نوک هرم قدرت خانواده جای می گیرند.

ج) شیوه تعیین مقرری خانه:

در این شیوه مرد مقدار مشخصی از پول را بابت مخارج خانه به همسرش می‌دهد، در حالی که بقیه پول تحت کنترل او باقی می‌ماند. پول به صورت هفتگی و یا ماهانه پرداخت می‌شود. به طور معمول در این خانواده‌ها مرد حرف آخر را درباره میزان تخصیص پول خانه داری می‌زند. در این سیستم معمولاً مازاد درآمد شوهر صرف هزینه‌های جمعی خانواده نمی‌شود و به بلکه به عنوان پول توجیبی او تلقی می‌شود و صرف مخارج شخصی نظیر خرید سیگار، هزینه تفریح با دوستان، خرید کتاب و مجله، پرداختن به علایق شخصی مثل تهیه

کلکسیون‌های مختلف و ... می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد در پی افزایش دستمزد درخواست افزایش مقرری جهت مخارج جمعی خانواده هم بالا می‌رود. شاید به همین دلیل اغلب مردان این گروه تمایل دارند که به جای ارتقای دستمزد، کمک هزینه‌های مختلف دریافت کنند، زیرا در این صورت امکان پرداختن به مخارج شخصی بیش تر فراهم می‌شود. طبیعی است که در این سیستم آن دسته از زنانی که واجد درآمدی از آن خود نیستند، به غیر از پول خانه داری دریافتی دیگری از طرف شوهر و برای هزینه‌های شخصی ندارند.

د) شیوه مدیریت مستقل:

در سیستم مدیریت مستقل، هر یک از زوجین درآمد مستقل دارند و هیچکدام به تمامی‌پول وارد شده به خانواده دسترسی کامل ندارند، در واقع هر زوجی مسئول بخش خاصی از هزینه هاست. البته ممکن است مسئولیت‌ها در طول زمان تغییر کند، اما اصل حفظ جداگانه پول در خانواده همچنان باقی می‌ماند. این سیستم نوعاً در خانواده هایی که دستمزد دوگانه دارند اجرا می‌شود.

ه) شیوه مشارکتی:

در سیستم اشتراکی، مسئولیت‌ها اصولاً تفکیک شده نیستند. زن و شوهر تقریباً به یک میزان و به تمامی‌پول وارد شده به خانه دسترسی دارند و هر دو آموختند که، برای اداره و صرف هزینه‌های جمعی مسئول باشند. این سیستم در تمامی‌سطح درآمدی خصوصاً زمانی که زنان شاغلند دیده شده است.

راه‌کارهای مدیریت بر هزینه ها

هر چند برای مدیریت بر هزینه‌ها راههای متفاوتی پیشنهاد می‌گردد اما به نظر می‌رسد که بتوان کلیه راهکارها را در دو قسمت تقسیم بندی نمود.

الف) تدوین الگوی مصرف مناسب خانواده

ب) آشنایی با راههای کاستن از هزینه‌های خانواده

بدون شک بحث و گفتگو حول دو محور مذکور کمک مؤثری بر مدیریت اقتصادی خانواده می‌نماید. از این رو به شرح هر یک پرداخته می‌شود:

الف) تدوین الگوی مصرف مناسب

تدوین الگوی مصرف مناسب یعنی تدبیر کردن بر نحوه مصرف درآمد خانواده. در تدوین الگوی مصرف مناسب به دنبال تدوین و مشخص کردن چارچوب کلی مصرف درآمد بوده و خط قرمزهای مورد نظر را مشخص می‌نماییم تا درآمد خانواده بصورت مطلوب هزینه گردد. الگوی مصرف مناسب الگویی است که ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

۱- **الف) آینده‌نگر باشد:** شرایط خانواده‌ها به گونه ای است که برخی از هزینه‌ها در حال حاضر خود را نشان نمی‌دهند و لی آرام آرام به سیستم خانواده تحمیل می‌شوند. مثلاً تولد یک فرزند ابتدا هزینه آموزشی ندارد ولی کم کم که او بزرگتر می‌شود به نسبت بزرگتر شدن هزینه‌های جدیدی بر خانواده وارد می‌گردد. هزینه آموزش، خوراک، پوشاک، توجیبی، ازدواج و ... که معمولاً با شرایط کاری و میزان درآمد خانواده رابطه معکوس دارند. به این ترتیب که وقتی نان آور خانواده (بخصوص حقوق بگیران) به بازنشستگی می‌رسد از یک

طرف حقوق و مزایای کمتری دریافت می‌کند از سوی دیگر هزینه آنها افزایش می‌یابد. لذا برای جلوگیری از دچار شدن خانواده به بحران الگوی مصرفی را باید تدوین نمود که بتواند شرایط بازنشستگی و از کار افتادگی و درآمد کم را در خود ببیند و خود را برای روزهای سخت آماده نگه دارد.

۲- الف) پاسخ گوی کلیه نیازهای اعضای خانواده باشد: نیازها را به ترتیب اهمیت به خوراک و پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و تحصیلات، مسکن و نیازهای معنوی، فرهنگی، هنری، فراغت و تفریح و ... تقسیم بندی می‌نمایند. یک الگوی مصرف مطلوب باید به گونه ای طراحی گردد که از درآمد خانواده برای رفع کلیه احتیاجات بودجه متناسب با آن اختصاص دهد و اینگونه نباشدکه نیازی در آن به فراموشی سپرده شود.

۳- الف) پیش بینی گر باشد: در یک طبقه بندی مخارج خانواده‌ها را می‌توان در دو گروه عادی و غیرعادی جای داد. مخارج عادی مخارجی هستند که خانواده روزانه، ماهانه و سالانه با آن‌ها درگیر است و قابل پیش بینی می‌باشند. مخارج غیرعادی مخارجی است که زمان هزینه کردن و مقدار آن مشخص نمی‌باشد ولی برای هر خانواده امکان بروز آن وجود دارد. مخارج ناگهانی ناشی از بیماری، بیکاری، آسیب‌های ناشی از حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله، آسیب‌های ناشی از حوادث انسانی نظیر تصادف، سرقت و ... از این نوع مخارج می‌باشند. الگوی مصرف خانواده باید بگونه ای طراحی گردد که چنانچه چنین مخارجی بر خانواده حادث شد بتواند از عهده آن برآید. خانواده وقتی می‌تواند از عهده چنین حوادثی برآید که پس انداز داشته باشد. به عبارت دیگر الگوی مصرف باید پس انداز گرا باشد. شعری وجود دارد که می‌گوید:

بپوش و بنوش و ببخش و بده　　　برای دگر روز چیزی بنه

این شعر الگوی مصرفی را معرفی می‌کند که در آن ضمن آنکه اعضای خانواده به فکر زمان حال هستند یعنی خوب می‌پوشند، خوب می‌خورند و بخشش می‌کنند به فکر فردا یا آینده خویش نیز هستند. امرزوه پس انداز مهمترین پایه زندگی هر خانواده است و نقش اساسی در خانواده دارد اگر درست فکر کنیم معلوم می‌شود که اگر خانواده ای پس انداز نداشته باشد بدین معنی است که زندگی اش عادی است. اگر کل درآمد صرف مخارج گردد نه می‌تواند مسکن تهیه کند نه برای روز مبادا پولی داشته باشد که از خطر نجات دهد (جمشیدیان، ١٣٨٥، ٧).

٤- الف) **تعادل گرا باشد:** منظور از تعادل گرا بودن هماهنگی و متعادل نمودن میزان مصرف و هزینه‌ها با یکدیگر می‌باشد. الگوی مصرف مناسب هیچ گاه هزینه ای اضافه بر درآمد را بر اقتصاد خانواده تحمیل نمی‌کند و دچار احساسات نمی‌شود و تحت تأثیر تبلیغات، تعاریف و ... نیازهای جدید و هزینه‌های فارغ از توانایی بر خانواده وارد نمی‌کند.

٥- الف) **مقایسه‌ای نباشد:** از آنجایی که شرایط زندگی هر خانواده انحصاراً به آن خانواده تعلق دارد بنابراین اعضای خانواده باید خودشان را با خودشان مقایسه کنند و اندیشه کنند که وجود یا عدم وجود چه چیزهایی در استحکام خانواده آنها مؤثر می‌باشد، آن را مدنظر قرار دهند. براساس این ویژگی هیچ خانواده ای حق ندارد الگوی مصرف خود را با الگوی مصرف خانواده ای دیگر حتی اگر خانواده مورد نظر متعلق به خواهر یا برادر خود باشند نیز مقایسه کنند. چرا که شرایط هر خانواده، درآمد، خرده فرهنگ و معیارهای زندگی، محل

سکونت و ... هر خانواده با دیگر خانواده‌ها متفاوت می‌باشد و الگوی مصرف خاص خود را طلب می‌کند.

۶- **الف) از روی درآمد ثابت خانواده تدوین شده باشد:** در خانواده‌ها برخی مواقع درآمدهایی وجود دارند که همیشگی نمی‌باشند و بطور منظم دریافت نمی‌شوند نظیر پرداخت اضافه کاری به کارکنان یا فروش ویژه و استثنایی یک فروشنده. در الگوی مصرف باید اینگونه درآمد را مبنای تدوین قرار نداد. چراکه اگر الگوی مصرف خانواده را با این نوع درآمدها تنظیم کنیم بدون شک خانواده با عدم تعادل مالی مواجه خواهد شد. مثلاً اگر خانواده ای با حساب اینکه x ریال از بابت اضافه کاری دریافت خواهد کرد را مبنای هزینه‌ها و مصرف خویش قرار دهد اگر آن مبلغ را در زمان موردنظر خانواده پرداخت نکنند و یا مبلغ دریافتی از مبلغ پیش بینی شده کمتر گردد بدون شک برنامه اقتصادی خانواده با مشکل مواجه خواهد شد. در الگوی مصرف مناسب این گونه درآمدها در بخش پس انداز جای دارند.

۷- **الف) کنترل گرا باشد:** بطور نسبی می‌توان گفت که میزان مصرف تابعی از درآمد است. کنترل گرا بودن الگوی مصرف بر این نکته تأکید دارد که وقتی درآمد خانواده افزایش یافت باید کنترل اعمال گردد که هزینه‌های خانواده زیاد افزایش ننمایند.

۸- **الف) اولویت گرا باشد:** یک الگوی مصرفی مناسب در تهیه احتیاجات خود از قاعده اولویت بندی نمودن و مشخص کردن میزان ضرورت و اهمیت کالاها تبعیت می‌کند و تهیه کالاهای غیرضروری و غیراساسی را به تعویق می‌اندازد.

۹- الف) مبتنی بر تحلیل هزینه‌ها باشد: برای اینکه خانواده ای بداند نحوه مصرف آنها چگونه است؛ آیا از روند مطلوبی تبعیت می‌کند یا نه؛ چه بخشی از نیازها چه مقدار هزینه برای خانواده ایجاد می‌کنند؛ باید بر تحلیل هزینه مبتنی باشد. برای آنکه تحلیل هزینه اتفاق بیافتد باید کلیه هزینه هایی که به عمل می‌آیند یادداشت شوند و مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند تا معلوم شود در کدام بخش از هزینه‌ها باید تجدیدنظر به عمل آید و بر کدم بخش افزوده شود و یا این که چه مقدار هزینه‌ها غیرضرروی بوده است و می‌توانست بعنوان پس انداز واقع شود.

۱۰- الف) سلامت روانی و جسمانی نان آور خانواده مدنظر باشد: الگوی مصرف خانواده باید به گونه ای باشد که مسئول و نان آور خانواده را به کار و فعالیت بیش از اندازه اقتصادی وادار ننماید (کار در دو یا سه نوبت). چراکه چنین عملی امکان رشد و تعالی شخصیت انسانی را از او سلب می‌کند. کار بیش از حد نان آور علاوه بر جلوگیری از ارتقاء ذهنی و افزایش ضروری آگاهیهای فردی به دلیل خستگی زیاد امکانی برای برقراری روابط مهرآمیز در خانواده و یا برخورد توأم با مهربانی در برابر مسائل پدید آمده برای افراد خانواده و برای اعمال مدیریت بخردانه از سوی پدر یا مادر [نان آور] باقی نمی‌گذارد (رزاقی، ۱۳۷٤، ۱۵۸). کار و فعالیت بیش از اندازه فرد را زودتر مستهلک می‌نماید و شاید زودتر زمین گیر کند که در این شرایط خانواده دچار نوعی بحران خواهد بود. بنابراین در یک الگوی مناسب سلامتی اعضا بخصوص نان‌آور از اهمیت و اولویت برخوردار می‌باشد.

ب) راهکارهای کاهش هزینه‌های خانواده

ابتدا باید گفت که کاستن از هزینه‌های خانواده به معنی بد زندگی کردن نمی‌باشد. بلکه طرحی است جهت تنظیم رابطه مطلوب، منطقی و عقلانی بین خواسته‌ها و نیازهای مکرر خانواده با میزان درآمد محدود خانواده. برخی راههای کاهش هزینه خانواده عبارتند از:

۱- ب) **تنظیم خانواده:** این یک اصل بدیهی است و اولیه است که هرچقدر اعضای خانواده بیشتر باشند به همان میزان هزینه خانواده بیشتر خواهد بود و در نتیجه درآمد بیشتری طلب می‌کند و برای تأمین درآمد بیشتر سرپرست خانواده باید تلاش مضاعفی بنماید که در آن صورت با مستهلک شدن زودهنگام مواجه می‌گردد و بهداشت روانی جهت برخورد مناسب با اعضای خانواده را از دست خواهد داد و یا اینکه تعداد اعضای بیشتر موجب می‌گردد که کلیه اعضا از نیازهای اولیه نیز محروم شوند. بنابراین برای آنکه درآمد خانواده کفاف هزینه‌های خانواده را بنماید و نیازهای کلیه اعضاء به نحو مطلوب تأمین گردد تعداد کم بودن اعضا خانواده یک ضرورت محسوب می‌گردد.

۲- ب) **ساکن شدن در محله مناسب:** ساکن شدن در محله هایی که هزینه زندگی در آنها نسبت به محله‌های دیگر مناسب و پایین می‌باشد یکی از راههای کاهش هزینه هاست. بخصوص وقتی که اجاره نشین باشیم. اجاره یک خانه کوچک در محله مناسب اجاره بهای کمتری را نسبت به اجاره یک خانه بزرگ در محله گران قیمت برای ما در پی دارد.

۳- ب) **استفاده نمودن از کالاهای جایگزین:** استفاده نمودن از کالاهای جایگزین از راههای مناسب کاهش هزینه‌ها محسوب می‌گردد. لذا داشتن

تصوری روشن از کالاهایی که قابلیت جایگزینی دارند یک ضرورت محسوب می‌گردد. ممکن است کالاهایی از نظر کیفیت، بسته بندی، اندازه، رنگ و ... نسبت به هم دارای تفاوتهای جزئی باشند ولی در عوض قیمت آنها با همدیگر تفاوت قابل توجهی داشته باشد. در چنین شرایطی برای کاهش هزینه‌های خانواده باید کالاهای ارزانتر را جایگزین کالاهای گرانتر نمود.

٤- ب) تنظیم زمان خرید: در جامعه ما هر کالایی متناسب با خود دارای فصل خرید و فروش می‌باشد. هر کالایی که در فصل فروش آن کالا خریداری گردد بدون شک با نهایت قیمت خرید خواهد شد. برای اینکه کالایی را ارزانتر از قیمت فصل فروش تهیه کنیم باید تنظیم نماییم که زمان خرید کالاهای مورد نیاز قبل از فصل فروش آن کالا باشد. مثلاً شهریور ماه فصل فروش لوازم التحریر و لوازم مدرسه می‌باشد. بدون شک قیمت‌ها تحت تأثیر شرایط خواهد بود و چون خانواده‌های بیشتری اقدام به خرید می‌نمایند لذا فرصت جهت مقایسه قیمت‌ها باقی نمی‌ماند و از طرفی اگر کسی بخواهد چانه زنی هم کند نمی‌تواند در نتیجه قیمت اعلام شده‌ی فروشنده باید پرداخت گردد. حال اگر خانواده ای در تیرماه یا مردادماه اقدام به خرید لوازم مدرسه بنماید بدون شک با قیمت مناسب خریداری خواهد نمود که حاصل آن پایین آمدن هزینه‌ها خواهد بود.

٥- ب) صرفه جویی نمودن: صرفه جویی در لغت یعنی درست مصرف کردن. به عبارتی به اندازه‌ای مصرف گردد که یک نیاز بطور معقول و منطقی برآورد گردد. صرفه جویی همان بهینه مصرف کردن است. از راهکارهای مؤثر و عملی جهت کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد صرفه جویی است. جلوگیری از اسراف (بیش از حد مصرف کردن) و تبذیر (بیرون ریختن مواد غذایی و دیگر

نعمت‌های الهی) اساس صرفه جویی را تشکیل می‌دهند. برخی از موارد صرفه جویی عبارتند از:

❖ صرفه جویی در مصرف انوع انرژی‌های برق، گاز و ...: مثل عدم استفاده‌ی زیاد از لامپهای برق به خصوص در ساعات اوج مصرف، استفاده از لامپهای کم مصرف، روشن نکردن دستگاههای سرمایشی و گرمایشی با اندک گرمی‌و سردی هوا، بالا نبودن درجه حرارتی وسایل گرماساز در زمستان، کم کردن درجه حرارات وسایل گرمایی به هنگام خواب، به کار بردن درزگیر برای درها و پنجره‌ها و ...

❖ صرفه جویی در مصرف آب: مثل استفاده کمتر به هنگام شتسشوی ظرفها، استحمام بچه‌ها و یا تا حد امکان عدم شستشوی حیاط و ماشین با آب تصفیه شده و ...

❖ صرفه جویی در مصرف غذا: مثل عدم خرید بیش از اندازه نیاز مواد غذایی، نگهداری صحیح مواد غذایی و جلوگیری از فساد آنها، پرهیز از خرید مواد غیرضروری، نگهداری صحیح نان و خرید به موقع آن، تبدیل میوه‌های اضافی به لواشک یا کمپوت یا رب، تبدیل پلوی زیادی به غذای دیگر مثل عدس پلو، دلمه یا تبدیل ماست ترش به دوغ و ...

❖ صرفه جویی در پوشاک: مثل نگهداری صحیح از لباسها، نگهداری لباس تمیز و سالم بچه‌های بزرگتر برای کوچکترها، آموختن طرز صحیح استفاده از کفش و لباس به بچه ها، تبدیل برخی لباسها به ملافه یا بالش یا دستگیره و ...

❖ صرفه جویی برای خرید هدیه: مثل آموختن شیوه‌های کاردستی و هنرهای دستی و تزئینی که علاوه بر پر کردن وقت فراغت، به جای خرید کالاهای گران قیمت می‌توان از آنها برای هدیه دادن استفاده نمود، پیش‌بینی هدایای لازم و خرید زودتر آن از نمایشگاههایی که با تخفیف، فروش فصلی می‌کنند.

❖ صرفه جویی در وسایل مدرسه بچه ها: مثل آموزش نحوۀ استفادۀ صحیح از کیف و کتاب و قلم و دفتر و روپوش به فرزندان، تا مدت طولانی تری از آنها استفاده شود و حتی برای بچه‌های بعدی نگه داشته شود. در مورد استفاده از کاغذ به بچه‌ها باید توضیح و آموزش داد که بابت تهیه کاغذ سالانه چه هزینۀ هنگفتی ارز از کشور خارج می‌شود و یا چه تعداد درختان که در واقع ریه‌های زمین هستند نابود می‌شوند تا کاغذ مورد نیاز تهیه گردد.

❖ صرفه جویی در دارو: امروز قسمتی از یخچالهای خانگی به انباری از داروهای باقی مانده از دوران بیماری افراد خانواده اختصاص یافته است گرچه رعایت بخشی از این امر مربوط به پزشکان می‌باشد که داروی کمتری را برای بیمار تجویز نمایند ولی می‌توان قبل از آنکه تاریخ مصرف داروها سپری شود آنها را به مراکز خیریه درمانی و ... عودت داد تا هم از هدر رفتن آنها جلوگیری نمود و هم کسانی که به این داروها (که ممکن است برخی از آنها کمیاب هم باشد) نیازمندند از ان استفاده نمایند.

❖ صرفه جویی برای استفاده صحیح از وسایل خانه: معمولاً هنگام خرید وسایل خانه مثل تلویزیون، بخاری و ... دفترچه‌های راهنما همراه این

وسایل است، خواندن دقیق این دفترچه‌ها و عمل به دستورالعملهای آن کمک خوبی برای استفاده بهتر و بیشتر و پرهیز از تعمیر مجدد این وسایل است. هم چنین خرید لوازم منزل به صورت نقدی.

❖ صرفه جویی در مسکن: می‌توان با گذشت و بردباری و توجه به حقوق یکدیگر، حداقل برای مدتی از منزل پدرشوهر یا پدرزن استفاده کرد. همچنین با استفاده صحیح از خانه و ملزومات آن مثل درها و پنجره‌ها و کمدها و تعمیر قسمتهای مختلف آن مثل خرابی پشت بام یا لوله‌های آب با هزینه کمتر می‌توان از خرابیهای بیشتر و تحمیل مخارج سنگین تر جلوگیری نمود. این امور را در خانه‌های اجاره ای باید با دقت بیشتری اعمال کرد زیرا که مال دیگری در اختیار انسان است و باید احساس امانت داری را در وجود خود و فرزندان حفظ و تقویت نمود.

❖ صرفه جویی در زمان: با برنامه ریزی و پرهیز از بی نظمی‌باید مدیریت زمان را بر عهده گرفت. مثلاً به جای خریدهای مکرر و روزانه سعی نمود خرید به صورت هفتگی و یا ماهانه انجام شود و حتی در مواردی که امکان دارد و مکان مناسبی در خانه است مواد بادوام را به صورت سالانه تهیه کرد تا در وقت و پول و ایاب و ذهاب و ... مربوط به آن صرفه جویی شود. مهمانی‌های غیرضروری، خریدهای حساب نشده، سرگرم شدن بیش از اندازه به برنامه‌های تلویزیونی و رایانه‌ای، صحبتهای بیش از حد ضرورت با تلفن، مجادلات و بگو مگوهای بی فایده و ... هم از موارد اتلاف وقت است. هم چنین می‌توان در مورد انجام کارهای اداری با تلفن و یا مراجعه به کتاب شهر و یا نقشه‌های شهری، آدرس و ساعات

کاری، حضور مسئول مربوط، و لزوم حضور در اداره را جویا شد و یا در مورد مراجعه به بانکها و پرداختن قبوض از شیوه‌های اینترنتی و یا پستی استفاه کرد و از سفرهای غیرضروری در سطح شهر خودداری نمود.

❖ صرفه جویی در تولید زباله: با تفکیک زباله‌ها از خانه می‌توان عملاً بخشی از زباله‌ها به خصوص روزنامه‌های باطله، دفاتر غیرلازم و کاغذ و مقواهای مصرف شده در خانه را به چرخه تولید بازگرداند. زباله‌های از جنس پلاستیک را هم می‌توان به چرخه بازیافت برگرداند.

۶- ب) **جلوگیری از فزایندگی هزینه ها:** اگر نیازهای مصرفی هرچه بیشتر و سریع تر برآورد گردند موجب می‌گردد نیازهای گسترده تر و گرانتری برای خانواده ایجاد شوند. فزایندگی هزینه‌ها میل به خرید و مصرف کالاها را پدید می‌آورد. به عبارتی شخص را از نظر روانی جهت افزایش مصرف و خرید بیشتر آماده می‌کند. این پدیده موجب می‌شود که از یک طرف فاصله خرید کالاها کم شود و مبلغ خرید افزایش و همچنین تصمیم گیری جهت خرید آسان گردد از سوی دیگر به دلیل عدم ارضای فرد به دلیل سطحی بودن پدیده و عدم کسب رضایت از خرید انجام شده دوباره نیاز جدیدی شکل گیرد در نتیجه مجدداً میل به خرید افزایش یابد. وجود چنین پدیده ای در یک خانواده موجب خواهد شد تا آن خانواده فرصت استفاده از کالاهای خریداری شده را از دست بدهد و هنوز از کالای خریداری شده استفاده نکرده کالای دیگری را جایگزین آن بنماید. حاصل چنین روندی افزایش هزینه هاست. لذا باید از بوجود آمدن پدیده فزایندگی هزینه در خانواده جلوگیری نمود.

۷- ب) **مدیریت بر خرید کالا:** کالا به چیزی گفته می‌شودکه قابلیت تـأمین یک خواسته یا نیاز از انسان را بطور مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشد. در اقتصاد به محصولات و مواد مختلفی که توسط تولید کنندگان به بازار عرضه می‌گردد و برای تهیه آن باید پول پرداخت نمود تا یکی از نیازهای خـود را تـأمین و رفـع نماییم کالا گفته می‌شود. لذا برای آنکه کالای مناسبی را تهیه کنیم باید بر عمـل خرید خویش مدیریت نماییم. مدیریت خریـد عبـارت اسـت از بدسـت آوردن کالاها و خدمات مورد نیاز با قیمت مطلوب و تهیه آنها از منابع مطمـئن و قابـل اعتماد (گنابادی، ۱۳۷۵، ۱۵). به عبارتی مدیریت خرید بیانگر این مـسئله اسـت که باید برای خرید طرح ریزی نمود. طرح ریزی خرید یعنی تفکـر پیـشاپیش و پیش بینی به عبارتی دوراندیشی و پیش بینـی بلندمـدت بـه جـای پاسـخگویی منطقی بر مشکلات و نیازها. مدیریت خرید می‌گوید در خرید کالا باید بهتـرین را انتخاب کنیم. منظور بهترین انتخـابی اسـت کـه از بیـشترین مطلوبیـت بـرای خانواده برخوردار باشد. از آنجایی که در خـانواده‌هـای مختلـف میـزان درآمـد متفاوت می‌باشد و از طرفی نیازهای خانواده‌ها نیز با یکدیگر مختلف مـی‌باشـد بنابراین برای هر خانواده خرید مطلوب متفاوت خواهد بود. مـدیریت خریـد از افزایش بی رویه هزینه‌ها وقتی که به دلایل متعدد درآمد خـانواده افـزایش پیـدا می‌کند جلوگیری می‌کند و معیارهای مصرف خانواده را تـدوین مـی‌نمایـد و از هزینه‌های غیرضروری، تجملی و ... اجتناب می‌کند.

مدیریت خرید می‌گوید کالایی باید خرید کـه اولاً حتمـاً یکـی از نیازهـا را برآورد نماید ثانیاً از الگوی مصرف مناسبی تبعیت کند یعنی مقدار خرید باید به حدی باشد که برای خانواده مطلوب باشد بیش از آن یعنی خارج شدن از تعادل

یعنی اسراف. ثالثاً دارای کیفیت مطلوب و قیمت مناسب باشد رابعاً اگر کالایی است که نیاز به خدمات پس از فروش دارد حتماً داشته باشد و نهایت اینکه نگهداری و هزینه نگهداری آن مدنظر باشد. از آنجایی که بخش عمده هزینه‌های را خرید کالاها تشکیل می‌دهد به نظر می‌آید آشنایی با انواع کالاها خالی از لطف نخواهد بود.

انواع کالا

کالاها را از نظرهای مختلف تقسیم بندی می‌نمایند. برخی از انواع کالاها عبارتند از:

۱- کالاهای مجانی: کالاهای مجانی کالاهایی هستد که بر اثر فعالیت انسان تولید نمی‌شوند و خداوند آنها را به صورت رایگان در اختیار انسان قرار داده است. مثل هوا، خاک، طبیعت و ...

۲- کالاهای غیرمادی: کالاهایی هستند که توسط انسانها بر انسانها عرضه می‌گردند مثل خدمات، مشاوره، فعالیت‌های بانکی و ...

۳- کالاهای ضروری: کالاهایی که نیازهای اولیه مصرف کنندگان را تأمین می‌کنند مثل غذا.

٤- کالاهای مصرفی: کالاهایی هستند که به مصرف می‌رسند و دو نوع می‌باشند. کالاهای مصرفی بی دوام و بادوام. کالاهای بی دوام به سرعت مستهلک می‌شوند و بادوام‌ها عمر بیشتری دارند.

٥- کالاهای لوکس: کالاهایی که برای تأمین نیازهای کم اهمیت تر مصرف می‌شوند.

٦- کالاهای واسطه ای: کالاهایی که برای تولید کالای دیگر به کار می‌روند.

۷- کالاهای معمولی: کالاهایی که با افزایش میزان درآمد خانواده‌ها میزان خرید آن نیز افزایش پیدا می‌کند.

۸- کالاهای مکمل: کالاهایی که همراه با کالای دیگر مصرف می‌شوند مثل قند و چای.

۹- کالاهای جانشین: کالاهایی که می‌توانند جایگزین کالای دیگر گردند.

۱۰- کالاهای پست: کالاهایی که با افزایش درآمد خانواده‌ها از میزان خرید آن کاسته می‌شود.

۱۱- کالاهای غیرضروری: کالاهایی که تهیه آنها از ضرورت فوری و فوتی برخوردار نمی‌باشد.

۸- ب) جلوگیری از مبتلا شدن به کاهش هزینه ها: اگر خانواده ای بر هزینه‌ها مدیریت ننماید و میزان مصرف کل خانواده را افزایش دهد و مصرف بیشتر برای خانواده به صورت یک الگو و عادت درآید در چنین شرایطی کاستن از میزان مصرف و تغییر الگوی مصرف بسیار مشکل و رنج آور خواهد بود. لذا بر مدیریت خانواده است که میزان هزینه خانواده را به گونه ای تنظیم نماید که مجبور به کاهش آن نباشد.

۹- ب) استفاده کامل از کالاها: یکی از مؤثرترین راه کاهش هزینه‌ها در این نهفته است که از کالاهایی که خریداری می‌گردد تا زمانی که کارآیی خود را از دست نداده اند استفاده گردد. خانواده‌هایی وجود دارند که به این امر توجه نمی‌نمایند و موجب اتلاف درآمدهای خانواده می‌گردند.

۱۰- ب) پیش گیری از شکل گیری نیاز جدید: خیلی مواقع نیازهایی که در خانواده‌ها خود را نشان می‌دهند و خانواده به ناچار بخشی از درآمد را به

تهیه آن اختصاص می‌دهند یک نیاز اساسی و حیاتی نیست. بلکه نیازی است که براساس تعریف ها، تبلیغات در تلویزیون، مطبوعات، خویشان، دوستان، فیلم‌ها و ... بوجود می‌آیند و هزینه مضاعفی را برای خانواده ایجاد می‌کنند. اینجاست که هر خانواده باید خودش باشد تا از بوجود آمدن نیازهای جدید جلوگیری نماید. منظور از خودش بودن خانواده این است که خانواده از چنان آگاهی و قدرت فکری برخوردار باشد که تحت تأثیر تعریف ها، تبلیغات و ... قرار نگیرد و اجازه ندهد که دیگران برای آنها تصمیم گیری نمایند و خط مشی زندگی آنها را مشخص نمایند. خانواده ای که دارای استقلال فکری و مشی زندگی باشد از خود می‌پرسد آیا ما به این کالا نیازمندیم؟ اگر واقعاً نیاز داشته باشند هرچند اطرافیان خرید آن را توصیه نکنند خواهند خرید ولی اگر نیاز نداشته باشند هرچند اطرافیان توصیه کنند و تلویزیون تبلیغ نمایند باز هم نخواهند خرید.

۱۱- ب) مقایسه قیمتها قبل از خرید: معمولاً قیمت تمام شده یک نوع کالا مقدار ثابت و معینی است اما قیمت عرضه و فروش آن در شهرهای مختلف، محله‌های مختلف، خیابان‌های مختلف، حتی در یک خیابان و محله در فروشگاههای مختلف به دلایل متعددی چون اعتقاد فروشنده، میزان سودی که فروشنده درنظر دارد، نحوه تهیه کالا توسط فروشنده، میزان و نوع مشتری و دهها عامل دیگر متفاوت می‌باشد. با صرف کمترین زمان این تفاوت آشکار معین می‌گردد. بنابراین اگر خانواده ای در تهیه نوعی کالا عجله نکند و به چند فروشگاه سرکشی کند و به مقایسه قیمتها بپردازد مطمئناً موفق خواهد شد کالای مورد نظر را با بهترین قیمت خریداری کند.

۱۲- ب) کسب مهارت حرفه ای: بخشی از هزینه‌های خانواده صرف پرداخت به ارائه دهندگان خدماتی است که برای خانواده خدمتی انجام می‌دهند، می‌گردد. خدماتی از قبیل تعمیر سیم کشی برق، لوله کشی آب، خدمات کامپیوتری، تعمیر اتومبیل، تعمیر وسایل صوتی و تصویری و دهها مورد اینچنین که بطور میانگین مبلغ قابل توجهی از درآمد خانواده را به خود اختصاص می‌دهند. راهکار کم کردن چنین هزینه هایی این است که اعضای خانواده به خصوص سرپرست زمانی را صرف کسب مهارت در یادگیری چنین مهارتهایی در حد رفع نیاز خانواده بنماید و دیگر مجبور نباشد برای یک تعمیر خیلی کوچک مثلاً تعویض یک شمع اتومبیل مبلغی را پرداخت نماید.

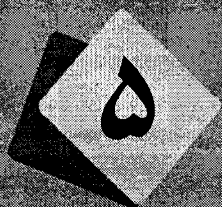
۱۳- ب) کاستن از هزینه‌های دید و بازدید: دید و بازدید و نشست‌های فامیلی و دوستانه یکی از اعمال و سنت‌های زیبای جامعه ایرانی است. چراکه عامل تأمین بهداشت روان بوده و از سوی دیگر بر جامعه پذیری فرزندان تأثیر می‌گذارد و مودت و دوستی را بین انسانها تقویت می‌نماید. اما نکته که در این خصوص باید رعایت نمود این است که اینگونه معاشرت‌ها را باید از دچار شدن به تشریفات و مقیدبازی مصون داشت تا هم ادامه داشته باشد و هم هزینه قابل توجهی بر خانواده تحمیل نکند.

١٤- ب) تشخیص خرید بصورت نقد یا اقساط: اینکه کالایی را نقد خریداری نماییم یا اقساطی به دلایل متعددی بستگی دارد. از جمله فوریت نیاز به مصرف کالا. بدین معنا اکه اگر کالای مورد نظر یک کالای ضروری مثل یخچال باشد که در اثر نبود آن زیان قابل توجهی بر اثر فاسد شدن مواد غذایی بوجود خواهد آمد اگر نمی‌توانیم آن را نقداً تهیه کنیم تهیه اقساطی مناسب

خواهد بود. از سوی دیگر محاسبه تفاوت هزینه‌ها نیز می‌توانند ما را کمک کند تا نوع خرید نقدی یا اقساطی را معین کنیم. بدین معنا که اگر کالای مورد نظر غیرضروری هم باشد باید تفاوت بین هزینه خرید اقساطی با خرید نقدی را مقایسه کنیم. اگر خرید نقدی مقرون به صرفه باشد نقدی و اگر اقساطی مقرون به صرفه باشد اقساطی خرید نماییم.

۱۵- ب) درست استفاده کردن از کالاها: برخی مواقع نحوه استفاده از کالاهایی که تهیه می‌گردد صحیح نمی‌باشد. عدم استفاده صحیح از کالاها عمر آنها را کم خواهد نمود و یا باعث از بین رفتن آنها خواهد بود. در هر دو شرایط نیاز مجدد به کالا بوجود خواهد آمد و عامل اتلاف درآمد خواهد شد. بنابراین استفاده درست از کالاها را به منظور کاهش هزینه‌ها در دستور کار خانواده قرار دهید.

۱۶- ب) خرید از مراکز عمده فروشی: قیمت کالاها و اجناس در مراکز عمده فروشی به مراتب از فروشگاهها و مناطق دوردست ارزانتر خواهد بود اگر این امکان برای خانواده وجود داشته باشد که بتوانند زمان خویش را تنظیم کنند و خریدهای خود را بخصوص خریدهای روزانه و هفتگی شان را از مراکز فروش و پخش اصلی خرید نمایند بدون شک مبلغ قابل توجهی از هزینه‌ها کاسته خواهد شد.



توانایی تربیت فرزندان



توانایی تربیت فرزندان

تعریف تربیت

از تربیت تعاریف متفاوتی ارائه شده است. یکی از این تعاریف به شرح زیر می‌باشد:

تربیت عبارت است از اداره و هدایت جریان ارتقاعی و رشد بشر به منظور جهت دادنش بسوی کمال بی نهایت (دکتر هوشیار). در این تعریف منظور از اداره سرپرستی کردن، کارگردانی نمودن، مراقبت و ناظر بودن، خرجی دادن، تدارک رسانی و ... می‌باشد. غرض از هدایت راهنمایی نمودن و نشان دادن جهت خیر و شر می‌باشد. جریان مبین حرکت از یک نقطه‌ای به نقطه دیگر به صورت تدریجی است. ارتقاعی به معنای بالا آمدن، رشد کردن، از مرحله‌ای به مرحله‌ای اوج گرفتن و منظور از کمال، رنگ خدایی گرفتن است.

اهمیت تربیت در خانواده

درخصوص اهمیت تربیت در خانواده همین بس که بگوییم انسان به لحاظ ماهیت خلقت خویش حالت شدن دارد. یعنی هم می‌تواند به انسانی والا و ارجمند تبدیل شود و هم می‌تواند به بدترین مخلوق روی زمین بدل گردد. اهمیت تربیت در خانواده در این خواهد بود که اوست که اعضای خویش را چنانکه می‌خواهد تربیت خواهد نمود.

هر چند که برای واژه تربیت مفاهیم و تعاریف متعددی از سوی صاحب نظران مختلف به خصوص متخصصان علوم تربیتی ارائه گردیده است اما همه آن‌ها در یک چیز مشترک می‌باشند و آن اینکه هدف تربیت را رشد و تکامل انسان‌ها به خصوص کودکان می‌دانند. برای آنکه تربیت بتواند به این هدف خویش نایل آید باید دارای محتوا، برنامه و روش باشد.

ویژگی‌های تربیت مطلوب

تربیت مطلوب از شاخصه‌هایی برخوردار است که آن را با تربیت نامطلوب متمایز می‌نماید از جمله این شاخص‌ها عبارتند از:

گفتگو:

یکی از راهبردهای اصلی و تربیت فعال اهمیت دادن به فرهنگ گفتگو است. گفتگو متضمن بردباری در هنر شنیدن، بلندنظری در فرآیند اندیشیدن و تکثرگرایی در تولید گفتمان‌های مختلف است. در فرهنگ گفت و گو پیش از گفتن به شنیدن نیاز است. رابطه ی والدین و فرزندان در مدار فرهنگ گفت و گو مناسبات خطی و یک سویه در جریان تربیت سنتی را برهم می‌زند. در گفت و گو، رابطه ی اعضای خانواده به جای خطی، حلقوی می‌شود. تحکم و تلقی و تحمیل مستبدانه، جای خود را به تحمل، تکریم و تمکین فروتنانه می‌دهد و باعث می‌گردد:

- ❖ اندیشه‌ها شکوفا شوند.
- ❖ خردورزی در عمیق ترین شکل آن توسعه یابد.
- ❖ افراد به تعادل و توازن اخلاقی دست یابند.

❖ خودشناسی از طریق مردم شناسی عمیق گردد.
❖ خود رایی و خودمداری به خودشکنی و خودگستری تبدیل شود.
❖ هنر شنیدن، هنر فهمیدن، هنر کشف کردن آموخته شود.
❖ پرسشگری، کنجکاوی، حقیقت جویی و کمال خواهی فزونی گیرد.
❖ هم اندیشی، هم زبانی در عین استقلال رأی و نظر تقویت شود. (کریمی، ۱۳۸۲، صص ۱٤۹، ۱۵۵)

در جریان گفت و گو برای یک فرد به خصوص برای فرزندان هم گفتن وجود دارد و هم شنیدن. کودکان از طریق گفتن درون خود را برملا می‌کنند و تجربیات خویش را در اختیار دیگران قرار می‌دهند و از راه شنیدن خود را غنی می‌سازند. کسی که زیاد صحبت می‌کند فرصت را از دیگران می‌گیرد و کسی که زیاد گوش می‌دهد فرصت تمرین گفتن را از خود سلب می‌کند. آنچه که مهم می‌باشد در جریان تربیت کودکان باید چنان خط مشی در گفت و گو طراحی نمود که کودکان هم بگویند و هم بشنوند. لذا بر خانواده است که چنین گفت و گویی را با کودکان ایجاد نماید.

تقویت تفکر انتقادی:

تفکر در لغت به معنای اندیشیدن و به فکر فرو رفتن می‌باشد. برای تفکر انتقادی تعاریف متعددی آورده شده است. در نظر دکتر سیف تفکر انتقادی عبارت است از ارزشیابی تصمیمات از راه بررسی منظم و منطقی مسائل، شواهد و راه حل‌ها. ضرورت برخورداری کودکان از این نوع تفکر در این است که تفکر انتقادی موجب می‌گردد مهارت‌های مقایسه، گردآوری و سازماندهی اطلاعات، تشخیص یقین و کنترل متغیرها و آزمون فرضیه‌ها، تحلیل، ارزیابی،

یادگیری عملی، تحمل پیچیدگی، پی گیری، تفکر منطقی، تحمل نظرات دیگران و ... در افراد به وجود آیند.

پرورش تفکر فلسفی:

ذهن انسان عامل تشخیص سره از ناسره است. یکی از تکنیک‌های تقویت عملکرد ذهن انسان تقویّت تفکر فلسفی است. تفکر فلسفی تفکری است که طی آن فرد بعد از مشاهده، شنیدن مطالعه و ... بلافاصله به قضاوت و اظهارنظر یا ترویج آن اقدام نمی‌کند، بلکه علامت سؤالی در مقابل آن موضوع شنیده شده، مشاهده شده، مطالعه شده و ... قرار می‌دهد تا از درستی و نادرستی آن مطّلع گردد و بعد از اطمینان از درستی نیز درخصوص ترویج آن به تفکر می‌پردازد. در تفکر فلسفی فرد با قرار دادن علامت سؤال در برابر موضوع‌ها برای خود فرصت تأمل و تفکر ایجاد می‌نماید.

تقویت حس پرسشگری:

برای اینکه انسان‌ها بتوانند فهم و شناخت درستی از خود، طبیعت، جهان، خدا و ... داشته باشند تا بتوانند خود را با آن‌ها هماهنگ نمایند باید حس پرسشگری هوشمندانه‌ای در آن‌ها تقویت گردد. وظیفه پرسش آن است که فعالیت ذهن را به منظور انطباق مجدد در مسیر معینی بیندازد.

*** مشارکت دادن در امور:**

از جمله عملکردهای کودکان که هم به رشد خود آن‌ها کمک می‌نماید و هم بر بزرگسالان بی تأثیر نمی‌باشد مشارکت آن‌ها در امور زندگی خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی است و بر خانواده است که به تکلیف خویش در این

خصوص بپردازد. چراکه ترویج مشارکت با معنا و کیفیت کودکان، برای تضمین رشد و پرورش آن‌ها نقش اساسی دارد. کودکی که از همان آغاز تشویق به درگیری فعال با جهان شده است کودکی خواهد بود برخوردار از استعدادهایی که در طول دوران خردسالی شکوفا می‌شوند، کودکی که به فرصت‌های آموزشی پاسخ فعال می‌دهد. اعتماد، قاطعیت و شایستگی را کسب می‌کند. از سوی دیگر اثبات شده است که کودکان نیز می‌توانند با مشارکت خود در جهان اطراف شان تأثیرگذار باشند. آن‌ها اندیشه‌ها، تجربه‌ها و بینش‌هایی دارند که به درک بزرگسالان غنا می‌بخشد و به کارهایی که بزرگسالان می‌کنند به شیوه‌ای مثبت یاری می‌رسانند. (بلامی، ۱۳۸۱، ۹)

مشارکت دادن فرزندان در امور موجب خواهد شد که آن‌ها هم به عنوان یک شهروند به نظرات و اعتقادات خود و همچنین به نظرات و اعتقادات دیگران ارزش قائل شوند، آگاهی آن‌ها از مدرسه، محل و اجتماع افزایش پیدا کند، مسئولیت پذیر گردند. به طور خلاصه می‌توان گفت مشارکت دادن یعنی بزرگسالان فرزندان را در نظارت، قدرت، تصمیم گیری و اطلاعات خود سهیم کردن.

پاسخگویی به سؤالات:

کودکان[1] با توجه به ویژگی دوران رشدی خویش از حس کنجکاوی برخوردارند و قصد دارند تجربه بیشتری کسب نمایند. از این رو سؤال‌های متعددی با انگیزه‌های متعدد نظیر ارضای حس کنجکاوی، یقین حاصل کردن از

۱- زیر ۱۲ سال.

درستی آموخته‌ها، جلب توجه نمودن و غیره از والدین می‌نمایند. سؤالات کودکان می‌تواند در یکی از موارد زیر باشند:

- ❖ در مورد آفرینش خود
- ❖ در مورد کیفیت پیدایش
- ❖ در مورد به دنیا آمدن
- ❖ در مورد جنسیت
- ❖ در مورد حالات خود
- ❖ در مورد اعضای بدن خود
- ❖ در مورد شکم مادر
- ❖ در مورد خدا
- ❖ ...

آنچه که مسلم است والدین حتماً باید درخصوص سؤالات کودکان به آن‌ها پاسخ دهند اما نکته‌هایی را در هنگام پاسخ دادن باید درنظر بگیرند. از جمله اینکه پاسخ‌ها حتماً باید درست باشند، ساده باشند، بدآموزی و انحراف آمیز نباشند، متناسب با جنس و سن کودک باشند، در حد ارضای حس کنجکاوی کودکان باشند، همراه با مسخره گری و شوخی نباشند، دارای شرح و بسط غیر ضروری نباشند.

ایجاد و تقویت عزت نفس:

عزت نفس یعنی احساس ارزشمندی، مفید و مؤثر بودن. عزت نفس هر فرد حاصل افکار، احساسات، عواطف و تجربیاتی است که در طول زندگی او شکل می‌گیرد و بیان کننده ی میزان تأیید پذیرش و ارزشمندی است که شخص

نسبت به خود یا خویشتن احساس می‌کند. اهمیت افزایش عزت نفس در این است که باعث شکل گیری خلاقیت، پیشرفت و رشد استعدادهای فردی می‌گردد و رفتارهای اجتماعی و ارتباطی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در غلبه بر مشکلات کودکان را یاری می‌نماید. رابطه مستقیمی‌بین عزت نفس کودکان با نحوه ارتباط دوستان، تحصیل، خانواده، تصور جسمانی و ... وجود دارد.

برخورد ملایم و منطقی با کودک، پرهیز از مقایسه، عدم تحمیل عقیده، ابراز محبت، عجز نشان ندادن والدین در برابر مشکلات، اجازه ابراز وجود دادن به کودک در خانه پذیرنده بودن در مقابل طرد کردن و ... از جمله راهکارهای تقویت عزت نفس محسوب می‌گردند.

بهره‌گیری از اصول برخورد با فرزندان:

اصل در لغت به معنای بُن، ریشه، اساس است که در مقابل بدل به کار می‌رود. اما اینجا منظور مبنا قرار دادن چیزی بر چیز دیگر می‌باشد. به عبارت دیگر والدین باید برای برخورد با کودکان مبنای علمی، منطقی و مبتنی بر علم روانشناسی داشته باشند. از جمله اصولی که در برخورد با کودکان و نوجوانان باید به کار گرفته شوند عبارتند از:

- اصل ایجاد آمادگی برای زندگی
- اصل الگوپذیری و همانندسازی
- اصل ایجاد امنیت روانی
- اصل برخورد مثبت و فکر مثبت داشتن نسبت به کودک
- اصل برقراری ارتباط کلامی‌و عاطفی

❖ اصل پذیرش و احترام

❖ اصل عدم تبعیض

❖ اصل پرهیز از افراط و تفریط

❖ اصل قدردانی نمودن

❖ اصل پرهیز از تحمیل عقیده و سلیقه

❖ اصل پرهیز از مقایسه کردن

❖ اصل برخورداری از ثبات عاطفی[1]

❖ اصل حفظ عزت نفس

❖ اصل برخورد توأم با صداقت

❖ اصل قاطع و جدی بودن

❖ اصل مسئولیت دادن

❖ اصل مشورت نمودن

❖ اصل توجه به نیازهای اساسی و اولیّه

توجه به نیازهای فرزندان:

نیازهای کودکان را می‌توان به سه گروه جسمانی، اجتماعی و روانی تقسیم نمود. نیازهای جسمانی عبارتند از: تغذیه ی مطلوب، بهداشت مناسب، خواب و استراحت و پرداختن به ورزش. برخی نیازهای اجتماعی عبارتند از: نیاز به

۱- منظور از این اصل این می‌باشد که برخی از والدین و مربیان در برخورد با فرزندان دچار حالت دمدمی‌مزاجی می‌باشند و از ثبات عاطفی برخوردار نمی‌باشند که در چنین شرایطی فرزندان معمولاً دچار تعارض می‌شوند و نمی‌توانند خود را با والدین هماهنگ نمایند.

امنیت، نیاز به تعلّق داشتن، نیاز به توجه، نیاز به تحسین، نیاز به موفقیّت، نیاز به عزّت نفس و ... . در کنار هم بودن اعضای خانواده نیاز به امنیت و علاقه مندی بین اعضای خانواده نیاز به تعلق داشتن را تأمین می‌کند. برخی از نیازهای روانی عبارتند از: محبّت نمودن، ارضای کنجکاوی و ...

توجه به مشکلات فرزندان:

کودکان متناسب با دوره رشدی خویش با برخی مشکلات مواجه می‌باشند که توجه به آن‌ها و کمک به کودکان در جهت رفع آن‌ها از حقوق کودکان بر والدین خواهد بود. از جمله این مشکلات عبارتند از: مشکلات مربوط به رشد بدنی مثل خستگی، زشت بودن چهره، حرکات ناشیانه، پریدی، احتلام و ...، مشکلات مربوط به بعد غیرمادی شخصیت مثل کم رویی، خجالتی بودن، احساس حقارت، عدم اعتماد به نفس و ...، مشکلات خانوادگی نظیر محدودیت مسکن، غذای ناکافی، جای مطالعه و اتاق مستقل و ...، مشکلات دینی نظیر تضادهای فکری، عدم آگاهی از وظایف دینی و ...، مشکلات تحصیلی مثل ضعف درسی، ترک تحصیل، درگیری در مدرسه، ... مشکلات اوقات فراغت و...

توجه به اخلاق:

تربیت و رشد اخلاقی پایه و اساس جامعه ی سالم را تشکیل می‌دهد و بقای خوش بختی انسان‌ها در گرو پای بندی به اصول اخلاقی است. (بازرگان، ۱۳۸۶، ۱۷). اخلاق مجموعه ضوابط حاکم بر روابط انسان‌هاست که براساس نیک و بد طراحی شده است.

از جمله ویژگی‌های تربیت خوب اعطای درکی از اخلاقیات به کودکان است. تربیت اخلاقی عبارت است از برانگیختن، بیدار کردن، تقویت صفات و فضایل انسانی و جلوگیری از رشد صفات ناپسند و رذیله‌هایی که مایه‌های انحراف از حالات انسانی را فراهم می‌آورد. ابن سینا در کتاب سیاست می‌گوید: وقتی طفل از شیر مادر جدا گشت باید به تربیت و تمرین اخلاقی او اقدام نمود پیش از آن که اخلاق پست به او هجوم آورد. زیرا اخلاق پست با سرعت به کودک سرایت می‌کند. پس اگر خلق زشتی در طفل پیدا شد و بر او چیره گشت از میان بردن آن دشوار است. از این رو بر خانواده است که در کودکان نسبت به ارزش‌های اخلاقی از قبیل دوستی، شجاعت، همدردی، نوع دوستی، احساس مسئولیت، احترام به قانون، پرهیز از حسد، عفو و گذشت، راستگویی، تواضع و فروتنی، امانت داری، زهد و تقوا تعهد ایجاد نماید (ملکی، ۱۳۸۲، ۱۱۸). با به کار بردن گفتارها و دستورهای اخلاقی با زبان مثبت و بیان انتظارات به صورت روشن و به دور از ابهام به کودکان، تدوین خط مشی و سیاست کلی رفتاری مورد انتظار با مشارکت و همفکری شاگردان، با به کارگیری یک نظام تشویقی غیرمستقیم و تأیید کودکان برای تلاش و فعالیت و با در اختیار نهادن فرصت به کودکان به منظور درک مفاهیم اخلاقی و انطباق آن‌ها با موقعیت‌های زندگی روزمره و ارائه خدمات حمایتی به کودکانی که به دلایل متعدد عاطفی، اقتصادی، فرهنگی و ... نیازمند آن می‌باشند، می‌توان به شکل گیری ارزش‌های اخلاقی در کودکان کمک نمود. (برگرفته از بازرگان، ۱۳۸۶، به نقل از ملکی، ۱۳۸۸)

تقویت مهارت حفظ و پاسداری از میراث فرهنگی:

آنچه که امروز تحت عنوان میراث فرهنگی در اختیار نسل جدید قرار گرفته یک جنبه عمومی‌دارد. امکان وجود درست و نادرست، منطقی و غیرمنطقی و خرافات، در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. لذا این به عهده تربیت است که چنان برنامه‌ریزی نماید که نسل جدید میراث فرهنگی خویش را بشناسد و به آن پایبند گردد چیزی که امروزه کم رنگ گشته است. و از سوی دیگر با دیده ژرف بر آن‌ها بنگرند و دست به تصفیه‌ی ناخالصی‌های فرهنگی خود بزنند، وجود مقوله‌هایی که بعد خرافی دارند، پایه و اساس عقلی و منطقی و عقیدتی ندارند را پالایش نمایند و سپس در راستای نگهداری و ترویج آن‌ها بکوشند. به خصوص ملتی که دارای سنت‌های مطلوب و سوابق تاریخی و فرهنگی درخشان می‌باشد نمی‌تواند و نباید نگهداری و تلطیف سنن و میراث فرهنگی را از نظر دور بدارد.

تقویت مهارت انتقاد کردن و انتقاد پذیرفتن:

معمولاً در روند ارتباط با دیگران موقعیت‌هایی پیش می‌آید که دیدگاه‌ها و کارکردهای سایرین موافق با ذهنیت و افکار دیگری نیست و یا عمل و فکر از مبنای اشتباهی برخوردار است. در این شرایط افراد سعی می‌نمایند دیگران را متوجه خطاها و یا نگرش‌های اشتباه خود نمایند و یا این که نظرگاه‌های دیگری را طرح نمایند. اما شکل طرح نظر و دیدگاه منطقی نیست. تربیت باید سعی نماید نحوه ی انتقاد کردن صحیح را در فراگیران بوجود آورد. انتقاد عامل پویایی، تکامل و روندگی است. باید بین آن و تخریب و تهاجم تفاوت قائل شد و فراگیران را متوجه این نکته نمود که در انتقاد باید به بررسی و ارزیابی و

سنجش افکار دیگران با ملاک‌ها و معیارهای منطقی، علمی‌و ... پرداخت و در عین حال در بیان مطلب نهایت نزاکت و احترام و نرمی‌را حفظ نمود. برای این که مهارت انتقاد کردن تقویت یابد باید به فرزندان آموخت در آنچه که می‌بینند، می‌شوند و می‌خوانند با دید و نگاه انتقادی بنگرند، بخوانند و ببینند و در مقابل آن بدون هیچ گونه محدودیتی واکنش مناسب و لازم را بروز دهند. مکمل انتقاد کردن، انتقاد پذیرفتن است که شاگردان از این زاویه نیز باید مورد حمایت والدین قرار گیرند. معمولاً انتقاد شکننده است. اگر کسی آمادگی روحی روانی پذیرش انتقاد را نداشته باشد، معمولاً در جا می‌زند و سخت آشفته و پریشان می‌گردد. لذا باید از همان اوان کودکی پذیرش انتقادی ـ که منطقی است و به دور از اغراض متعدد و تخریبی می‌باشد ـ در کودکان به عنوان یک خصیصه‌ی اصلی جهت ایجاد در آن‌ها مدنظر اولیا و مربیان باشد.

ایجاد بینش علمی[1] در فرزندان:

جهان امروز پیوسته در حال تحول است. لحظه به لحظه دامنه‌ی دگرگونی‌ها و تغییرات گسترده تر می‌گردد و زندگی در این جهان مهارت‌های خاص را می‌طلبد. یکی از راهکارهای عملی که می‌تواند انسان را با این تحولات و تغییرات شدید هماهنگ نماید، به بینش انسان‌ها برمی‌گردد و آن نیز بخشی از وظایف جریان تربیت است؛ که در قالب فعالیت‌های خویش چنان بینشی در افراد به وجود آورد که در طی آن افراد بتوانند خود، مایه رستگاری گردند. از جمله مواردی که در جریان تربیت باید در کودکان شکل بگیردع به وجود

1- Scientifically

آوردن بینش علمی‌است. بر اثر داشتن بینش علمی، انسان‌ها از تعصب‌های کور، کج فهمی‌ها و بدفهمی‌ها نجات پیدا می‌کنند، از خرافه پرستی دوری می‌گزینند، به هنگام برخورد با پدیده‌ها و مشکلات راه حل‌های واقع بینانه تری پیش روی خویش می‌بینند، بهره وری کارها افزایش می‌یابد و توسعه همه جانبه صورت می‌گیرد. خلاقیت‌ها شکوفا می‌گردند و جست و جوگری جزء فرهنگ افراد می‌شود، علم توسعه پیدا می‌کند و باعث تقویت قوه ادراک انسان می‌گردد، ادارکی که شناخت را بالا می‌برد و در پی آن قدرت انسان افزایش می‌یابد. لذا والدین باید بکوشند فرزندانی تربیت نمایند که دارای روح فلسفی باشند. بر مبنای این ویژگی کودکان هیچ گاه وضع موجود را طبیعی، نرمال و کامل تلقی نمی‌نمایند و در پی کشف، کشف نشده‌ها نمی‌باشند، اصل تغییرپذیری جهان و محیط اطراف را مدنظر قرار می‌دهند و همیشه دنبال پاسخ یافتن به سؤال می‌باشند. از تفکر منطقی که ماهیت آن دوری جستن از تعصبات و کژی اندیشه‌هاست بهره‌مند می‌گردند تا بتوانند از تجارب گذشته و حال، جهت آینده بهره گیرند. جمع گرا گردند و خود را در انجام عمل‌هایی که منجر به فایده اجتماعی است مسئول بدانند. انتقادپذیر باشند و انعطاف پذیر [پژوهش در عمل- شورای تحقیقات] انتقادگر و کوشش در جهت ابتکار و خلاقیت داشتن، آمادگی دریافت تجربه‌های تازه و دست زدن به ابتکارات جدید را سرلوحه خویش قرار دهند.

آداب دانی:

آداب و معاشرت، به قواعد و قوانینی اطلاق می‌گردد که انسان در اجتماع می‌بایست به آن‌ها پایبند باشد. اجرای این قوانین اجتماعی عرفی باعث می‌گردد

که ارتباط انسان‌ها از یک روند انسانی و سالم پیروی نماید. اما آنچه مسلم است این است که این سری از قوانین اجتماعی جنبه اکتسابی دارد و نوع انسان در ارتباط با دیگران آرام آرام آن‌ها را فرا می‌گیرد. لذا به نظر می‌رسد در آموزش این گونه مسائل به کودکان و نوجوانان باید برنامه‌ریزی نمود. آداب و رسوم جنبه نسبی دارند و بیشتر قواعد آن جنبه ملی، قومی‌و اختصاصی دارند. از جمله مواردی که باید آداب مربوط به آن‌ها توسط والدین مورد توجه قرار گیرند عبارتند از: آداب برخورد در ملاقات‌ها، میهمانی‌ها، مجالس، آداب مربوط به برخورد با افراد مسن، همسن و افراد کوچکتر از خود، آداب سخن گفتن به خصوص در مجالس، اماکن عمومی، وسایل نقلیه عمومی، ارتباطات تلفنی، آداب معاشرت با همسایگان، معلولین، دوستان، کهن سالان، خواهران و برادران، آداب معاشرت در سینما، عیادت از بیمار، در مجالس ختم و عزا، در گردش گاه‌ها، پارک‌ها، در پوشیدن پوشاک. (سلطانی، ۱۳۷۷)

تقویت مهارت وارسی و اصلاح رفتار

از آنجایی که بخشی از روابط با دیگران را ارتباط عملی و رفتاری در فرد تشکیل می‌دهد، ممکن است بر آن‌ها نیز ایراداتی وارد گردد. پذیرش انتقاد، بُعد تئوری قضیه است ولی اگر فرد بتواند پذیرش انتقاد دیگران را در عمل به اجرا درآورد و به اصلاح رفتار دست بزند، فرد به مهارت وارسی و اصلاح رفتار دسترسی پیدا کرده است. در پذیرش انتقاد، بحث این است که فرد دچار دگماتیسم نگردد و اصلاح رفتار بحث عملیاتی کردن پذیرش انتقاد است. ارزش یک اصلاح نسبت به پذیرش انتقاد، بالاتر است. کسی که این مهارت را بدست آورد یک توانمندی بیشتر نسبت به سایرین دارد. لذا باید کوشید این مهارت در

نسل‌های آینده شکل گیرد؛ چرا که با رسیدن به این سطح از مهارت، افراد از دامنه نظر نجات می‌یابند و به مرحله عمل می‌رسند و مشکل ایستا بودن در مرحله تئوری، مرتفع می‌گردد. این بر خانواده و مدرسه می‌باشد که کودکان را به آن مرحله برسانند.

تقویت مسئولیت پذیری[1]

از ویژگی‌های شهروند خوب پذیرش مسئولیت در قبال دیگران و بر عهده گرفتن انجام امورات را می‌توان برشمرد. مسئولیت در لغت به معنای توانایی پاسخ دادن و در عرف عام به معنای تصمیم گیری مناسب و مؤثر آمده است. منظور از تصمیم گیری مناسب آن است که فرد در چهارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از وی می‌رود دست به انتخاب بزند که باعث ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، موفقیت و آسایش خاطر وی می‌گردد.

هدف از مؤثر بودن، عملی است که فرد را قادر می‌سازد تا به هدف‌هایی که باعث تقویت عزّت نفس می‌گردد، دست یابد. (کدیور، ۱۳۷۷). چنانچه از مفهوم مسئولیت برمی‌آید فرد باید اتخاذ تصمیم نماید که مبنای آن ارتباط با دیگران و سودمندی به آن‌هاست. تصمیم در واقع همانند حل مسئله است. بنابراین کسانی که یاد می‌گیرند تصمیم گیری به موقع و مناسب نمایند در واقع در حل مشکلات نیز موفق تر عمل می‌نمایند.

1- Responsibility

حفاظت محیط زیست (Environment)

محیط زیست یعنی کلیه منابع و عوامل و شرایط هماهنگی که زندگی انسان و سایر موجودات زنده به آن وابسته است و از جمله ضرورت اساسی زندگی دوران معاصر برقراری ارتباط سالم با آن می‌باشد. به طوری که حفظ آن لازمه زندگی متعادل می‌باشد. انسان فرهیخته امروزی می‌داند که محیط زیست تنها به او تعلق ندارد، بلکه به همه همنوعان در حال و آینده متعلق است و هیچ کس را بر آن سهمی‌بیشتر از دیگران نیست، لذا باید کوشید که در بهره وری از آن استفاده مطلوب را برد. آموزش حفاظت و پرهیز از تخریب و آلوده نمودن اجزای آن یعنی هوا، خاک، آب، جنگل‌ها، مراتع، منابع طبیعی از جمله موردهایی است که خانواده باید ضمن در اختیار گذاشتن دانش و اطلاعات مفید درخصوص آن‌ها در فرزندان نسبت به محیط زیست بینش و نگرش ایجاد کنند و فراگیران را در رعایت بهداشت محیط زیست مناسب تربیت نمایند. کودکان باید یاد بگیرند که اگر محیط زیست تخریب گردد یا آلوده شود غذایی که می‌خوریم، آبی که می‌نوشیم و هوایی که تنفس می‌کنیم در معرض خطر قرار می‌گیرند و سلامت انسان‌ها آسیب می‌بینند.

تقویت نظم و انضباط:

انضباط را در لغت با معانی «استوار شدن، خوب نگاه داشته شدن، نظم داشتن، مرتب بودن، آراستگی و ...» مترادف آورده اند. ولی معمولاً به کسانی که از نظر اطاعت، فرمانبرداری، سر به زیری و ... سرآمد باشد باانضباط می‌گویند. این که تنها اطاعت کورکورانه و ... مدنظر باشد اقناع کننده نیست. نظم و

انضباط عاملی سازمان بخش به نیروهای ذهنی، روانی و جسمانی کودکان و نوجوانان محسوب می‌گردد. چراکه این عامل او را در روند تکامل قرار می‌دهد و از اتلاف توانایی‌های او جلوگیری می‌نمایند. نظم و انضباط امروزه به عنوان یک وسیله و ابزار در دست نظام تربیتی جهت سازمان بخشی به تجارب شاگردان و شکوفایی توانایی‌های آن‌ها مطرح است.

براساس رعایت نظم و انضباط کودکان در انجام کلیه وظایف محوله دقت نظر و مهارت کسب می‌نمایند. لذا بر این مبنا است که کودکان باید بدانند که چرا و با چه نیتی از دستورات و گفته‌های دیگران باید اطاعت کنند و از سوی دیگر در هر لحظه از زندگی خویش باید آمادگی پذیرش نظم و انضباط را داشته باشند و با نیروی اراده مبتکر و خلاق، نسبت به سازمان دهی تجارب اقدام نمایند و منتظر راهکارها و دستورالعمل‌های پی در پی از ناحیه بزرگترها نباشند. خانواده تأثیر بسزایی در این خصوص دارد و این تأثیر وقتی مثبت خواهد بود که خانواده به خوبی از ایفای نقش خویش در این رابطه برآید.

توجه به عواطف کودکان:

احساسات و عواطف، جزئی از دنیای روانی انسان می‌باشند و نقش بس مهمی‌در زندگی انسان‌ها دارند، به طوری که نیروی تحرک زا و به تلاش وادار کننده محسوب می‌گردند. برای انجام هر عملی انسان‌ها نه تنها نیاز به شناخت و ابزار انجام آن عمل دارند بلکه نیازمند داشتن نیروی روانی لازم نیز هستند که این نیرو را احساسات و عواطف در اختیار می‌گذارند. لذا بر جریان تربیت است که فراگیران را برای استفاده صحیح از عواطفشان تربیت نمایند. عواطف در یک برآیند کلی هم خوب است و هم بد. اما مهم آن است که بر اثر تربیت، افراد یاد

بگیرند که چگونه بر عواطف خویش کنترل داشته باشند و تشخیص دهند که چه موقع به کارگیری از آن‌ها بد و ناشایست و چه موقع منطقی و درست می‌باشد. این کاری است که از تربیت انتظار می‌رود، آن را در فرآیند خویش به فراگیران بیاموزد.

شاید اولین و مهم ترین عمل در جهت اهداف عاطفی پرداختن به ارضای نیازهای عاطفی فراگیران می‌باشد. چرا که محرومیت از رفع نیازهای عاطفی منجر به بروز انواع بیماری‌های روانی و شخصیتی می‌گردد. از جمله این نیازها عبارتند از: نیاز به تماس، نیاز به امنیت، نیاز به صحبت، نیاز به ابراز وجود، تعلق به گروه و مورد پذیرش گروه بودن، گرایش به زیبایی، استقلال عاطفی، اعتماد به نفس و ... از جمله عواطف انسانی که در جریان تربیت باید مدنظر قرار گیرند و به آن‌ها توجه گردد عبارتند از: خشم، انزوا طلبی، ترس.

شناساندن قداست کار:

اولین هدف تربیتی در زمینه تولید، شناخت و شناساندن قداست کار است. بدین معنی که افراد باید به گونه‌ای تربیت شوند که به کار و تولید و کسب درآمد با دیده ی احترام بنگرند و آن را به عنوان یک وظیفه، امری مقدس و حتی نوعی عبادت تلقی نمایند. لذا وظیفه خانواده‌ها است که کودکان را با اهمیت و ارزش کار و هدف آن آشنا سازند و آنان را به گونه‌ای تربیت کنند که علاقه و شوق وافر به کار و تولید در آن‌ها تقویت گردد و سستی و تنبلی نسبت به کار و جیره خوار دیگران بودن در آنان از بین برود و این نگرش را داشته باشد که مال اصالتاً از آن خداست او جهان را خلق کرده است تا با کار و تلاش به تولید و کسب درآمد بپردازند و از آن بهره ببرند. او باید بداند که کارگر و

تولید کننده که برای تأمین نیازهای خود و خانواده و جامعه خویش فعالیت و کوشش می‌کند محبوب خداست و در راه او قدم برمی‌دارد و از مجاهدان فی سبیل ا... است. در این رابطه باید کوشید در کودکان آمادگی شغلی بوجود آورد.

آمادگی شغلی فرآیندی است که در مسیر تکاملی فرد در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی به تدریج پیدا می‌شود. این آمادگی برای این است که او در سراسر عمر یا بخشی از آن به کاری اشتغال ورزد. آمادگی افراد جامعه برای احراز مشاغل گوناگون و مفید از ضرورت‌های هر جامعه به شمار می‌رود. این امر در اسلام به عنوان یک هدف مهم اقتصادی محسوب می‌گردد.

مشورت کردن:

مشورت کردن به معنای بهره گرفتن از نظرات دیگران برای پیدا کردن بهترین روش و راه حل جهت رفع مشکلات و مسائل متعددی است که در طول زندگی با آن‌ها درگیر می‌شویم. در روابط خانوادگی وقتی به مشورت پرداخته می‌شود در واقع احساسات و عاطفه دیگران محترم شمرده می‌شود، به افکار و اندیشه‌ها بها داده می‌شود و ذوق و سلیقه‌های دیگران مورد توجه قرار می‌گیرد.

امروزه پیشرفت علم و تکنولوژی زندگی را از روند سنتی خود خارج و به یک زندگی توأم با مشکلات خاص خود تبدیل کرده است. اما درصد عظیمی‌از مشکلات بوجود آمده به وسیله مشورت با دیگران قابل حل می‌باشند.کودکان در رابطه با مسائل و مشکلاتی که با آن‌ها درگیر می‌باشند نمی‌توانند از هر لحاظ خوب، بی نقص و کامل عمل نمایند. لذا به نظر می‌آید در یک تربیت مطلوب دخالت دادن و حمایت کردن کودکان جهت حل مسائل کودکان ارائه نظرهای مشاوره‌ای ضرورت دارد.

توجه به تربیت دینی:

یکی از ابعاد تربیت مطلوب توجه به مسائل دینی و عقیدتی است. بدون شک هر جامعه‌ای به یک آئین و دین خاصی معتقد می‌باشد. از آنجایی که دستورات دینی ارتقایی و تکامل بخش می‌باشند لذا بر والدین می‌باشد که پرداختن به این دستورات را در محور فعالیت‌های خویش قرار دهند و سعی نمایند کودکان دارای یک نوع گرایش دینی باشند و به جهان و آفرینش آن جلب توجه نمایند و در جریان ظهور انبیا و ضرورت ادیان قرار گیرند و با کتاب آسمانی آشنایی پیدا کنند و بر انجام اعمال مذهبی در مساجد و معابد نظاره کنند و فلسفه احکام و دستورات دینی را بیاموزند.

وفای به عهد:

وفای به عهد یکی از ویژگی‌های انسان‌های رشد یافته و متعادل است. شکستن عهد و پیمان، کاری ناپسند و دور از ارزش و شأن اخلاقی و معنوی انسان‌هاست. کودکان به والدین و مربیان خویش بیش از دیگران اعتماد می‌کنند. (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۷۳، ۱۰۰). بنابراین والدین و مربیان باید مراقب باشند که درخصوص موضوعی که با فرزندان و شاگردان خویش عهد و پیمان می‌بندند به آن پایبند باشند و اگر قدرت پایبندی ندارند از عهد و پیمان بستن صرف نظر نمایند.

بهره‌گیری از روش تربیتی اغماض:

روش‌های تربیتی متعددی برای تربیت کودکان وجود دارد یکی از آن‌ها روش اغماض و گذشت است. در این روش والدین همیشه در پی کشف و

شناسایی معایب و اشتباهات کودکان نمی‌باشند بلکه گاهی مواقع با اغماض و گذشت از خطاها و اشتباهات موجب می‌شوند عواطف کودکان جریحه دار نشوند.

شناساندن موقعیت‌های پرخطر:

موقعیت‌های پرخطر شرایط و زمینه‌هایی هستند که درگیر شدن در آن‌ها باعث می‌گردد که زندگی سالم افراد تهدید گردد و آن‌ها دچار بحران گردند. بنابراین بر والدین است که هشدارهای لازم به کودکان را درخصوص پیشگیری از دچار شدن آن‌ها به موقعیت‌های پرخطر ارائه نمایند.

کمک به کودکان در دوست یابی:

یکی از راه‌های جامعه پذیری کودکان برخورداری از دوستان قابل اعتماد و باارزش می‌باشد. دوست داشتن باعث می‌گردد کودکان از انزوا و گوشه گیری خارج شوند، روابط اجتماعی را تمرین نمایند، خود را تنها فرد مشکل دار ندانند، تحمل عقاید و تجربه دیگران را داشته باشند و ده‌ها اثر دیگر. بنابراین بر والدین می‌باشد که ضمن بیان ویژگی‌های دوست خوب کودکان را در این امر یاری نمایند.

غنی سازی اوقات فراغت:

پر کردن مطلوب اوقات فراغت موجب می‌گردد تا کودکان از فرصت‌های پیش آمده برای خود به نحو مطلوب بهره بگیرند و در ایام فراغت از سرگردانی و بی تکلیفی نجات پیدا کنند و حوصله آن‌ها سر نرود. بر خانواده است که زمینه مناسب جهت غنی شدن اوقات فراغت کودکان را فراهم آورند.

توجه به تفاوت‌های فردی:

از آنجایی که کودکان دارای تفاوت‌های فردی می‌باشند و علاقه، استعداد، توانمندی و ویژگی‌های روانی و اجتماعی آن‌ها متفاوت است بنابراین نداشتن انتظار واحد از کودکان اصلی است که باید در تربیت مطلوب توسط والدین و مربیان مدنظر قرار بگیرد.

*** پرهیز از نسبت‌های ناروا:**

از شاخصه‌های تربیت مطلوب پرهیز نمودن والدین و مربیان از نسبت دادن واژه‌ها، صفات و ... ناپسند به کودکان است. به وفور یافت می‌شود که برخی از اولیا و مربیان به دلیل عدم آگاهی از اثرات منفی نسبت‌های ناروا بر فرزندان و کودکان برچسب‌های ناشایست و زننده بر پیشانی کودکان می‌زنند و باعث می‌شوند کودکان به خودباوری منفی برسند. لذا جهت پرهیز از این مقوله بر والدین و مربیان است که از نسبت‌های ناروا دادن بر کودکان پرهیز نمایند.

تقویت مهارت مدیریت پول:

از جمله مواردی که در تربیت کودکان باید به آن توجه نمود بحث آموزش مدیریت پول به کودکان است. والدین باید به کودکان آموزش دهند که چگونه باید از پول استفاده کنند و در طول زندگی در رابطه با پول تصمیم‌های عاقلانه‌ای بگیرند. یکی از تکنیک‌های این کار تشکیل شوراهای خانوادگی است که در آن فرصت مناسبی بوجود می‌آید تا کودکان خود را در مدیریت درآمد و هزینه خانواده سهیم بدانند و معنای پول را درک کنند و بدانند چگونه از پول برای تهیه وسایل مورد نیاز خود استفاده کنند و چه مقدار پول برای نیازهای

روزانه و ... در اختیار داشته باشند. از جمله مواردی که والدین در رابطه با پول باید با فرزندان صحبت نمایند عبارتند از:

الف) پس انداز: باید به کودکان آموخت که امکان دارد در طول زندگی حوادث و نیازهای پیش بینی نشده‌ای بوجود آید که نیاز به پول داشته باشد. از این رو شایسته است که مقداری از پول را پس انداز نماییم تا از مراجعه کردن به دیگران جهت تأمین آن بی نیاز باشیم. همچنین باید به کودکان آموخت که دست یابی به هدف خاصی در آینده نیز نیاز به پس انداز دارد. همچنین درخصوص سود حاصل از پس انداز با فرزندان صحبت نمایید.

ب) قرض گرفتن: قرض گرفتن اثر تربیتی منفی دارد که والدین باید ضمن توجه به آن به کودکان یادآور شوند که کودکان نباید از کسی پول قرض بگیرند. چراکه در آن صورت آنها می‌آموزند که زندگی خویش را در بزرگسالی با قرض تنظیم نمایند.

ج) نگهداری پول: باید نحوه محافظت و نگهداری پول را به کودکان آموخت و به کودکان یاد داد که از نابود کردن و دست کاری کردن پول باید خودداری نمود.

د) تاریخچه و انواع پول: با زبان کودکان به آنها باید گفت که در طول زمان چگونه پول بوجود آمده است و جایگزین مبادله کالا به کالا گشته است.

هـ) اهمیت و ارزش پول: در این خصوص به محض اینکه کودکان شمردن را می‌آموزند، با تکرار شمارش و توضیح درخصوص پول اهمیت آن را در زندگی تشریح نمایید. مثلاً به آنها بگویید که اگر پول نداشته باشی نمی‌توانی لوازم التحریر بخری و ...

علاوه بر موارد مذکور افتتاح حساب پس انداز در بانک به نام کودکان و صحبت کردن درخصوص موارد متعدد کاربرد پول آگاهی بیشتری در اختیار آنان قرار دهیم.

هماهنگی والدین در تربیت فرزندان:

از جمله مواردی که والدین باید در راستای تربیت فرزندان در خانواده به آن پایبند باشند این است که درخصوص روش‌های تربیتی که برای فرزندان اعمال می‌کنند با یکدیگر هماهنگ باشند تا فرزندان دچار نوعی تعارض و دودلی نشوند. اینکه پدر صحیح می‌گوید یا مادر برای فرزندان مسئله نشود. عدم هماهنگی والدین در تربیت فرزندان اثرات نامطلوبی بر فرزندان خواهد گذاشت از جمله اینکه:

- در کودکان ایجاد احساس گناه و تقصیر می‌کند.
- در کودکان نسبت به والدین بی اعتماد را تقویت می‌کند.
- باعث می‌شود کودکان به دنیای خویش پناه ببرند.
- حس عدم تمایل به تشکیل زندگی در درازمدت در کودکان تشکیل می‌گردد.
- حس درماندگی در تصمیم گیری در کودکان رشد می‌کند.
- ...

والدین برای ایجاد هماهنگی بین خویش جهت تربیت فرزندان می‌توانند اقدامات زیر را بعمل آورند:

- شناخت بیشتری از سرنوشت کودک بدست آورند.
- به تفاوت خانواده‌ها با یکدیگر توجه و اعتقاد داشته باشند.

- سعی کنند اختلافات و ناسازگاریهای موجود بین خود را کم کنند.
- از تجربیات و نظرات صاحب نظران بهره بگیرند.
- سعی کنند با روشهای تربیتی صحیح آشنا شوند.

❖ ...

تربیت سیاسی:

از جمله ابعاد تربیت مطلوب پرداختن به امر سیاست در جامعه است. چراکه افراد جامعه براساس سیاست گذاریهای اهل سیاست زندگی می‌کنند. بنابراین آگاهی فرزندان در خانواده به لحاظ سیاسی او را برای ورود به جامعه سیاسی آماده تر خواهد نمود. معرفی اقوام، کشورها، سیستم‌های حکومتی، نقش قانون در جامعه، آزادی خواهی، استقلال طلبی و سایر مؤلفه‌های سیاسی در حد درک و توان کودک در خانواده باید انجام پذیرد.

تربیت جنسی فرزندان

تربیت جنسی کودکان از دوره دوم کودکی (هفت سالگی) آغاز می‌گردد. چراکه در این دوره از رشد، کودکان دارای برخی ویژگیها می‌باشند که آنها را نسبت به مسائل جنسی حساس می‌نمایند. کودکان در این دوره به دلایل متعددی نظیر سن بیشتر که رشد ذهنی بیشتر را به دنبال دارد، وارد شدن به دنیای مدرسه و برقراری ارتباط در سطح وسیع با سایر کودکان، مشاهده تصاویر، مشاهده فیلم‌های مستند درخصوص حیوانات، مطالعه کتاب و مجله و... از درجه هوشیاری بالاتری برخوردار می‌گردند. علاوه بر آن حس کنجکاوی در این سن از یک سو شدید و از سوی دیگر جهت دار و معنی دار گشته است

و بر این اساس بر نحوه روابط والدین نظیر شوخی کردن و ...، نحوه پوشش والدین، نحوه آرایش والدین، نحوه نشست و برخاست والدین، نحوه خواب و استراحت والدین و ... با حساسیت و کنجکاوی بیشتری نظاره می‌کنند. وارد شدن به مرحله سن تمیز از دیگر ویژگی‌های مرحله از رشد کودکان است. یعنی آنها خوب و بد را تشخیص می‌دهند و می‌فهمند. پسران می‌دانند که پدر خواهند شد و دختران نیز می‌دانند که مادر خواهند شد. بنابراین به دنبال نحوه پدر یا مادر شدن خویش می‌باشند. وظایف والدین در تربیت جنسی فرزندان این است که آنها باید از روش مراقبت بهره بگیرند.

مراقبت از آرایش کردن خود و فرزندان، از پوشش خود و فرزندان، از خواب و استراحت خود و فرزندان، از گفته‌ها و سؤالها و صحبتهای جنسی بین خود و دیگران، از نحوه معاشرت خود و فرزندان با دیگران. غفلت یا عدم توجه به جنبه‌های مختلف مراقبت مذکور خطرات را برای کودکان به لحاظ جنسی به دنبال خواهد آورد. برخی از توصیه‌ها در راستای تربیت جنسی به شرح زیر می‌باشند:

- ❖ حتماً بستر خواب فرزندان با والدین و خواهر یا برادران جدا باشد.
- ❖ قبل از خواب دفع، مسواک، آب خوردن و ... بچه‌ها کنترل گردد.
- ❖ به کودکان راه و رسم صیانت از خود را آموزش دهید.
- ❖ عادات خوب در خواب را در کودکان ایجاد کنید.
- ❖ نحوه ورود به اتاق والدین را آموزش دهید.
- ❖ حتماً غسل جمعه را یاد بدهید.
- ❖ مبانی عقدیتی و مذهبی را تقویت کنید.

❖ در دوره نوجوانی فرزندان را با وظایف خود به هنگام بروز نشانه‌های رشد جنسی آشنا کنید. نحوه نظافت و بهداشت، وظیفه شرعی و ... را آموزش دهید.

تربیت فرزندان خاص

منظور از فرزندان خاص کودکان و نوجوانان استثنایی می‌باشند. کودکان و نوجوانانی که برخلاف اکثریت افراد همسن خود در شرایطی عادی قادر به سازگاری با محیط نیستند و از نظر فکری، جسمانی، عقلانی، رفتاری و عاطفی با همسالان خود فرق کلی داشته و احتیاج به روش‌های خاص تربیتی، آموزشی و درمانی داشته باشند (میلانی فرد، ۱۳۷۰، ۱۸). در مفهوم دیگر کودک استثنایی کودکی است که به علل مادرزادی و یا اکتسابی از مسیر رشد طبیعی خارج شده یا در رشدش اختلال نسبتاً طولانی ایجاد شده است. در رابطه با تربیت چنین فرزندانی والدین باید چند مورد را مدنظر قرار دهند:

۱- هرگز با ترحم با این فرزندان برخورد ننمایند.

۲- این گونه فرزندان را همانگونه که هستند بپذیرند.

۳- در برخورد با این نوع فرزندان سعی کنید دچار احساسات نشوید و عقلانیت را از دست ندهید.

٤- روش‌های برقراری ارتباط با این نوع فرزندان را کسب کنند.

۵- این فرزندان را هرگز از تحصیل محروم ننمایند.

٦- آنها را از کسب مهارت‌هایی در حد خود محروم نکنند.

۷- بدانند این فرزندان قبل از فرزند بودن انسان می‌باشند.

جایگاه بازی پرورش ذهنی و جسمی کودکان

هر نوع فعالیتی که توسط کودکان با میل و اختیار و به منظور تفریح و شادی با دقت و تمرکز و پشتکار و بدون تأکید بر نتیجه نهایی دنبال گردد، بازی نامیده می‌شود (ملکی به نقل از صادقیان، ۱۳۸٦، ۷۰).

در تعریف دیگری چنین آمده است هرگونه فعالیت جسمی‌یا ذهنی هدفداری که در اوقات فراغت یا اشتغال و در جهت کسب لذت، تمدد اعصاب، آرام بخش جسم یا ذهن بازیگر و اقناع نیازهای آنی یا درازمدت فرد یا گروه چه به صورت انفرادی و یا گروهی انجام می‌گیرد، بازی نامیده می‌شود. (ملکی به نقل از مهجور، ۱۳۸٦، ۷۰).

با توجه به تعاریف مذکور می‌توان پی برد که بازی یکی از راهکارهای اساسی در تربیت فرزندان سالم در خانواده می‌باشد و می‌تواند از ابعاد متعدد کودکان را رشد دهد. از نظر جسمانی باعث محکم شدن عضلات و استخوان‌ها می‌گردد و مهارت‌های حرکتی و حس بینایی را تقویت می‌کند. از نظر روانی حس کنجکاوی را ارضا نموده، قدرت ابتکار و حرکت فکری را موجب می‌شود و احساس عزت نفس و اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد و تمایلات عاطفی را متعادل می‌نماید. از نظر اجتماعی شیوه زندگی صحیح فردی و جمعی را تمرین می‌دهد و می‌آموزد که برای زندگی چگونه هدف طراحی نمود و راههای رسیدن به هدفها چگونه است و چگونه باید با دیگران ارتباط منطقی برقرار نمود و در فعالیت‌های جمعی از خود تعاون و همکاری نشان داد. از همه مهم‌تر بازی یکی از راههای شناخت کودک است چراکه کودک در حین بازی

افکار، تمایلات، علایق و ... خویش را به نمایش می‌گذارد. والدین با دقت در آنها می‌توانند خود را با کودکان هماهنگ نمایند.

نقش قصه در تربیت کودکان[1]

قصه به نوشته‌ای گفته می‌شود که در آن نویسنده فکر اصلی خود را در قالب حکایتی به خواننده ارائه می‌دهد (ملکی به نقل از صادقیان، ۱۳۸۱، ۳۱). روش قصه گویی عبارت است از بیان هنرمندانه قصه، افسانه‌ها، حکایت‌ها و ... که به منظور انتقال پیام مورد نظر گوینده به کودکان و نوجوانان انجام می‌گیرد. قصه گویی قدیمی‌ترین روش آموزش تاریخ، سنت‌ها، ادبیات، مذهب، آداب و رسوم، اخلاقیات و غیره از طرف نسل بزرگتر بر نسل کوچک تر بوده و هنوز نیز به عنوان یک ابزار انتقال پیام به قوت خویش باقی است و با وجود رشد و پیشرفت تکنولوژی و بوجود آمدن ابزارهای متعدد در جامعه از جایگاه آن کاسته نشده است و اثربخشی خویش را حفظ نموده است. چراکه در این پدیده حالت عاطفی بین گوینده و شنونده حاکم است که در اثر سایر ابزارها وجود ندارد.

قصه گویی را نباید صرفاً به عنوان وسیله سرگرم کردن مخاطبان محسوب نمود بلکه باید آن را منعکس کننده دیدگاه‌های انسان درخصوص جهان و ... به حساب آورد. قصه گویی به نوبه خود محرکی قوی جهت تقویت حس کنجکاوی و مطالعه در کودکان و نوجوانان به حساب می‌آید و موجب می‌گردد فاصله بین قدرت خواندن و درک کردن پر گردد و از همه مهم تر اینکه بر اثر

۱- برگرفته از کتاب تدریس در کودکستان، نوشته نگارنده، نشر آییژ.

قصه گویی والدین می‌توانند بطور غیرمستقیم تأثیر عاطفی مؤثری بر فرزندان خویش داشته باشند.

قصه‌ها را به دو گروه عمده تقسیم بندی می‌نمایند. قصه‌های واقعی [مستند تاریخی، مذهبی و غیرمذهبی، و زندگی حیوانات، علمی، زندگی انسان‌ها، ماجراجویی و قهرمانی] و قصه‌های غیرواقعی [سمبلیک، تمثیلی، تخیلی، فکاهی، افسانه]. همچنین برای ارائه آن از شیوه‌های متعددی نظیر قصه خوانی ، قصه گویی ساده و قصه گویی همراه با پرده، قصه گویی همراه با تقلید صدا، قصه گویی همراه با حرکات، قصه گویی همراه با بازیگران، قصه گویی تماشاخانه ای، قصه گویی کتابخانه ای، قصه گویی تفریحی، طرح قصه ناتمام و کامل نمودن توسط کودکان استفاده می‌نمایند. قصه گویی دارای ارزش‌های تربیتی مناسب متعددی است که می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود:

۱- ایجاد سرگرمی‌مناسب برای کودکان و نوجوانان.

۲- عامل افزایش تجارب کودکان و نوجوانان.

۳- توسعه تفکر و تخیل و تمرکز.

٤- عامل آشنایی با مشکلات و راه حل آنها.

٥- عامل افزایش معلومات و توسعه اطلاعات عمومی.

٦- پرورش عزت نفس، جرأت ورزی و شهامت.

۷- تقویت قدرت بیان و تکلم.

۸- پرورش ذوق هنری (ملکی به نقل از مراد حاصل، ۱۳۸۲، ۳٤).

عوامل مختلفی بر قصه گویی مؤثر می‌باشند از جمله این عوامل عبارتند از زمان قصه گویی، حرکات چشم قصه گو، حرکات دست قصه گو، صدای

قصه‌گو، چهره و حرکات قصه گو، تسلط داشتن قصه گو بر قصه، مکان قصه‌گویی. نکته مهمی‌که درخصوص قصه گویی قابل ذکر می‌باشد این است که آیا در پایان قصه گویی باید اقدام به نتیجه گیری نمود یا خیر؟ دراین خصوص نظرات متفاوتی وجود دارد.

در خصوص اینکه آیا در پایان قصه باید اقدام به نتیجه گیری نمود یا نه، نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی عقیده دارند که این کار باید اتفاق بیافتد و نحوه اجرای آن نیز باید به تدریج و به شکل غیرمستقیم باشد. در مقابل گروهی عقیده دارند از کودکان نباید بطور مستقیم خواست که هدفهای قصه را بگویند یا روی کاغذ بنویسند. برای اینکه پیام‌های تربیتی، اخلاقی قصه در کودکان (و نوجوانان) اثر بگذارد و منجر به تغییر رفتار در آنها گردد به زمان و طولانی نیاز داریم. از طرف دیگر قصه می‌تواند پیام‌های زیادی داشته باشد که خلاصه کردن آنها در یک جمله یا عبارت باعث نادیده گرفتن و فراموش سایر اهداف و پیام‌ها می‌شود. همچنین در معرض پرسش قرار دادن کودکان و نوجوانان منجر به از دست دادن اشتیاق و انگیزه آنها به قصه گویی می‌گردد. چراکه نگران درست یا نادرست بودن نتیجه‌ای که گرفته‌اند باشند (ملکی به نقل از مراد حاصل، محمدپور، ۱۳۸۲، ٦٣ و ٦٤).

تأثیر برنامه‌های اوقات فراغت در تربیت فرزندان

«اوقات به معنای وقت، هنگام، روزگار و ساعت آمده است. فراغت نیز به معنای آسودگی، آسایش، استراحت و فراغ معنا شده است. اوقات فراغت مجموعه فعالیت‌هایی است که اعضای خانواده پس از تعهدات و تکالیف شغلی،

خانوادگی و اجتماعی به میل و اشتیاق به آن می‌پردازند و هدفشان می‌تواند استراحت، تفریح، دانش یا به کمال رساندن شخصیت، به ظهور رساندن استعدادها، خلاقیت‌ها و بالاخره بسط مشارکت آزادانه در اجتماع باشد» (ملکی، ۱۳۸٦، ۵۹). ضرورت مدیریت بر اوقات فراغت فرزندان در این است که مدیریت بر فراغت این امکان را پیش می‌آورد که فرزندان از فرصت‌های پیش آمده برای خود به نحو مطلوب بهره بگیرند و در این ایام دچار سرگردانی و بلاتکلیفی نشوند و حوصله آنها سر نرود. زندگی شان با برنامه باشد و در راستای ارتقای خویش بکوشند. اوقات فراغت از کارکردهای متعددی برخوردار می‌باشد. از جمله آنها تأمین استراحت و تجدید قوا در اعضای خانواده، ایجاد تفریح و سرگرمی‌مناسب برای اعضای خانواده، ایجاد دانش و معلومات تکمیلی، تأمین کننده بهداشت روانی و ... و از همه مهم تر بازداشتن اعضای خانواده از مبتلا شدن به کجروی‌ها و انواع آسیب‌های اجتماعی چون اعتیاد، فرار، و ... می‌باشد. آنچه که مدیریت خانواده درخصوص اوقاعت فراغت باید انجام دهد این است که موانع و مشکلات موجود جهت گذران مؤثر اوقات فراغت را شناسایی نماید و مقدمات لازم جهت پرداختن به اوقات فراغت اعضای خانواده را مهیا گرداند. از جمله این مقدمات عبارتند از:

- ❖اختصاص درصدی از درآمد خانواده جهت تأمین منابع مالی اوقات فراغت فرزندان.
- ❖شناسایی و بهره گیری از مراکزی که دارای امکانات و فضاهای فراغتی مطلوب و مناسب می‌باشند.
- ❖شناسایی مراکزی که از امکانات موجود نهایت استفاده را می‌نمایند.

❖ آگاهی از راههای گذران اوقات فراغت. راههای گذران فراغت می‌توان به صورت‌های زیر باشد:

* فردی غیرفعال مثل تماشای تلویزیون، گوش دادن به موسیقی، استفاده از کامپیوتر

* فردی فعال مثل ورزش انفرادی، انجام کارهای هنری، قدم زدن در پارک

* جمعی غیرفعال مثل صحبت با افراد خانواده، تماشای فوتبال

* جمعی فعال مثل ورزش خانوادگی، رفتن به سینما، مسافرت جمعی.

❖ آگاهی از انواع و چگونگی فعالیت‌های مناسب اوقات فراغت. انواع فعالیت‌ها را در شش گروه به شرح زیر می‌توان تقسیم بندی نمود:[1]

۱- **فعالیت‌های آموزشی:** در فعالیت‌های آموزشی افراد اوقات فراغت خویش را صرف کسب و دانش و معلومات عمومی‌می‌نمایند و مطابق با علایق، نیاز و عقیده خویش در یکی از انواع کلاسهای آموزشی که در موقعیتها و شرایط متفاوت تشکیل می‌گردند شرکت می‌نمایند. از جمله این کلاسها عبارتند از: آموزش قرآن، احکام، امدادگری، کمک‌های اولیه، زبان، ریاضی، عربی، هنر (موسیقی، خوشنویسی، طراحی، نقاشی، معرق کاری و غیره)، انجام تحقیقات، عکاسی، فیلم برداری، اخلاق، عقاید، شرکت در کلاسهای آموزش قصه گویی، سرود و شعر، طرحهای ادبی، ورزش در انواع مختلف.

۲- **فعالیت‌های فرهنگی:** در فعالیت‌های فرهنگی افراد فرصت اضافی را صرف انجام اموری که جنبه فرهنگی دارند و اثرات و فواید قابل توجهی برای آنها دارد می‌نمایند. از جمله این فعالیتها عبارتند از: مطالعه کتاب و رفتن به

۱- برگرفته از کتاب ۳۰ مهارت زندگی تألیف نگارنده نشر آییژ.

کتابخانه و مطالعه مطبوعات و مجلات، شرکت در جلسات نقد و بررسی کتاب، بازدید نمودن از انواع نمایشگاهها که در محل سکونت شما دایر می‌گردد، همکاری نمودن در انتشار نشریه دیواری، مجله، فصلنامه، بولتن و غیره که در مدرسه یا دانشگاه محل تحصیل شما منتشر می‌گردند. شرکت فعال در انواع اردوها، بازدید از مراکز علمی‌یا فرهنگی نظیر کتابخانه ها، موزه ها، نمایشگاهها و ... شرکت فعال در اجرای نمایش با دوستان و همکلاسیان، ایجاد و برپایی نمایشگاه در محل زندگی، مدرسه و دانشگاه، رفتن به سینما و بهره گرفتن از فیلمها، شرکت در مراسم‌های مذهبی.

۳- **فعالیت‌های اجتماعی:** در فعالیت‌های اجتماعی افراد بیشتر به فعالیت‌هایی می‌پردازند که وجود تعداد قابل توجهی از سایر افراد برای انجام یک نوع فعالیت ضرورت دارد. از جمله این فعالیت‌ها عبارتند از: عضویت در کانونها و انجمن‌های متعدد نظیر انجمن روزنامه نگاران جوان، انجمن زبان و ادبیات فارسی، انجمن تربیت بدنی، انجمن محیط زیست، کانون جوانان هلال احمر، تعاونیهای آموزشگاهی و دانشگاهی.

٤- **فعالیت‌های اقتصادی:** در فعالیت‌های اقتصادی افراد دو نوع فعالیت می‌توانند انجام دهند: یکی اینکه مستقیماً مشغول به کاری شوند و در مقابل کار خود مزد دریافت کنند و یا نکنند، مثل کمک کردن به پدر در مغازه یا کمک کردن به مادر در خیاطی. نوع دیگر فعالیت‌های افراد در بُعد اقتصادی می‌توانند فعالیت هایی باشند که زمینه مناسبی برای شما جهت کسب آمادگی، در یک حرفه را بوجود می‌آورند. برای این منظور افراد می‌توانند به سازمان فنی و حرفه‌ای محل سکونت خویش مراجعه نمایند و از خدمات آن سازمان در اوقات

فراغت بهره بگیرند. از جمله رشته هایی که در این سازمان وجود دارند و شما می‌توانید متناسب با میزان فراغت از لحاظ زمان و تواناییهای فردی از آنها برخوردار شوید عبارتند از:

اتومکانیک (تعمیر اتومبیل، برق اتومبیل، صافکاری، نقاشی و ...)، الکترونیک (تعمیر تلویزیون و رادیو، تلفن، دستگاههای صوتی و تصویری، کابل کشی مخابرات و ...)، برق (برق ساختمان، صنعتی، وسایل خانگی و ...)، تأسیسات (تعمیر دستگاههای سرد کننده خانگی، تجاری، وسایل گازسوز، انواع لوله کشی، برودت و ...)، صنعت چاپ (حروفچینی صفحه آرایی، ماشین نویسی)، خدمات (انبارداری، کار در رستوران، فروش بلیط و ...)، خدمات آموزشی (کتابدار)، خدمات اداری (مسئول دفتر، منشی، کارگزینی، مسئول دبیرخانه)، خدمات بهداشتی (پیرایش مردانه، آرایش و پیرایش زنانه)، خدمات مالی (حسابداری عمومی‌و صنعتی، ترخیص کار گمرک، مسئول صادرات و واردات، حقوق و دستمزد)، خدمات فنی (تعمیر کار لوازم دندانپزشکی، ساعت، فن ورزی داروخانه)، خیاطی (انواع مختلف زنانه، بچه گانه، مردانه)، رایانه یا کامپیوتر (با گرایشهای متعدد)، سراجی (توپ دوزی، کفاشی ماشینی و ...)، صنایع چوب (خراطی، معرق کاری، منبت کاری و ...)، صنایع دستی (حصیربافی، رفوگری فرش، سفالگری، عروسک بازی، قالیبافی و دهها صنعت دستی برای زنان و مردان)، صنایع غذایی (آشپزی، نانوایی، شیرینی پزی و ...)، صنایع فلزی (جوشکاری در انواع مختلف)، صنایع نساجی (جوراب بافی با ماشین، ریسندگی، رنگرزی و ...) عمران (بتون ریزی، بنایی، داربست زنی، کاشی کاری و ...)، کشاورزی (باغبانی، پرورش انواع جانوران نظیر زنبور، کرم ابریشم و ...)

متالوژی (ریخته گری، مدلسازی)، مکانیکی نقشه کشی (نقشه برداری، نقشه کشی ساختمان و صنعتی)، هنر (تصویربرداری، رنگ آمیزی نقشه فرش، سفره آرایی عقد و ...) معدن، مخابرات، محیط زیست و منابع طبیعی، گردشگری و هتل داری.

۵- فعالیت‌های تفریحی: در فعالیت‌های تفریحی افراد می‌توانند به امور تفریحی و رفاهی بپردازند. نظیر رفتن به پارک، رفتن به میهمانی، قدم زدن در خیابان، به گردش و مسافرت رفتن، استراحت در منزل، رفتن به سینما، شرکت در اردو، به موسیقی گوش دادن، پرداختن به ورزش، پرداختن به بازیهای کامپیوتری، با دوستان بودن و غیره.

٦- فعالیت‌های سیاسی: منظور از فعالیت‌های سیاسی پرداختن به فعالیت‌هایی چون عضویت در احزاب و سازمان‌های مختلف سیاسی و شرکت در جلسات، آموزش‌ها و حضور در اجرای برنامه‌های آنها، انتشار خبرنامه، روزنامه با موضوع‌های سیاسی، شرکت در جلسات و همایش‌های نقد و بررسی فعالیت‌های دولت، مطالعه کتب، روزنامه‌ها و جملات سیاسی و ... می‌باشد.

برخی از محلهایی که فرزندان شما می‌توانند با مراجعه به آنها اوقات فراغت خویش را متناسب با علایق و سلیقه شان بطور مطلوب پر نمایند عبارتند از:

❖ سازمان فنی و حرفه ای

❖ سازمان هلال احمر واحد جوانان

❖ کانونهای آموزش و پرورش

❖ سازمان دانش آموزی

❖ سازمان ملی جوانان

❖ تشکلهای غیردولتی
❖ انجمنهای ملی در دانشگاهها
❖ سازمان تربیت بدنی
❖ کانون بانوان
❖ کانونهای مساجد محلی
❖ فرهنگ سراهای وابسته به شهرداریها و اداره ارشاد
❖ مرکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
❖ آموزشگاههای آزاد وابسته به فنی و حرفه ای
❖ انجمنهای تشکیل شده در مدرسه
❖ گروه نشریه دیواری مدرسه
❖ کتابخانه ها

...

مدیریت بر کار با رایانه توسط فرزندان

امروزه یکی از ابزارهایی که وارد سیستم خانواده‌ها شده است کامپیوتر می‌باشد. نگاه کودکان و نوجوانان با والدین به کامپیوتر متفاوت می‌باشد. از نظر کودکان و نوجوانان کامپیوتر وسیله ای است که می‌توان با آن بازی کرد و یا وسیله ای است که می‌تواند هم بازی آنها باشد. از نظر والدین کامپیوتر وسیله ای است که به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های روانی، حرکتی و عقلانی مناسبی در کودکان ایجاد گردد و نهایتاً موجب افزایش عملکرد آنان در مدرسه خواهد گردید. اما آنچه را که والدین باید بدانند و بر نحوه کار فرزندان با

کامپیوتر مدیریت و نظارت کنند این است که کار بیشتر با کامپیوتر عوارض جبران ناپذیری برای کودکان و نوجوانان دارد. احساس ناراحتی مداوم در بازوان، درد شانه ها، درد در گردن، مور مور شدن انگشتان، خستگی چشم، احساس سرگیجه، سردرد، صدمه به مهره‌های ستون فقرات، آلرژی و ... از جمله عوارض جسمانی کار بیشتر با کامپیوتر می‌باشند. همچنین انزوای اجتماعی، وابسته شدن به بازیهای کامپیوتری، بریدن از درس، وابستگی به دوست الکترونیکی و ... از عوارض اجتماعی کار بیشتر با کامپیوتر می‌باشند. پرخاشگری، عصبانیت، کج خلقی، سرکشی و تمرد و اعتیاد به کامپیوتر که بر اثر آن ارتباط با کامپیوتر بر انسان ترجیح داده می‌شود و صرف وقت زیادی از اوقات با کامپیوتر از جمله عوارض روانشناختی کار بیشتر با کامپیوتر می‌باشد. اولیا باید از دو جهت بر فعالیت فرزندان با کامپیوتر نظارت و مدیریت داشته باشند. مورد اول در بازیهای کامپیوتری و مورد دیگر در بهره گیری از اینترنت. درخصوص بازیهای کامپیوتری باید گفت که متأسفانه تعداد قابل توجهی از اولیا درخصوص نوع و کیفیت بازیهای کامپیوتری فرزندان خود اطلاعات کافی ندارند و فرزندان معمولاً با بازیهای خشن و پرخاشگرانه بازی می‌کنند که این نوع بازی‌ها بطور مستقیم و یا غیرمستقیم عملکرد کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر کودکان و نوجوانان برنامه‌های ترسناک کامپیوتری را ببینند و شاهد برنامه‌های خشونت آمیز و آسیب رسان به یکدیگر باشند دچار هراس خواهند شد و این گونه صحنه‌ها بر برداشت کودکان از زندگی تأثیر خواهند گذاشت. تحقیقات نشان می‌دهند کودکان و نوجوانانی که با بازیهای کامپیوتری خشن سر و کار دارند مشکلات رفتاری بیشتری در مقایسه با سایر

کودکان و نوجوانان از خود نشان می‌دهند. بطوریکه ستیزه جو، پرتوقـع و فاقـد کنترل شخصی می‌باشند (منطقی، ۱۳۸٦). همچنین در یک تحقیـق آزمایـشگاهی که توسط کوپر و مکلی انجام گرفته (۱۹۸٦) نشان داده شده اسـت کـه دختـران بعد از بازی با بازی‌های پرخاشگرانه رفتار پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهنـد و بعد از بازی با بازیهای آرام رفتار آرام از خود نشان مـی‌دهنـد (شـایانی، ۱۳۸۳). یکی از راههای مهم اجتماعی شدن کودکـان و نوجوانـان بـازی اسـت. آنهـا از طریق بازی با دیگران روش همکاری، کمک گیری و کمک کردن، تقـسیم کـار، دوستی و برقراری ارتباط با دیگران را می‌آموزند و در حین بازی یاد مـی‌گیرنـد که بیشتر از هر زمان دیگر چگونه نظم را رعایت کنند و حق دیگـران را درنظـر بگیرند. بسیاری از بازیهای ساده مثل قـایم باشـک بـازی دارای ایـن ویژگـی‌هـا هستند. اما آنچه که درخصوص بازی‌های کامپیوتری قابل ذکر است این که ایـن نوع بازیها فاقد این جنبه‌ها هستند. و به دلیل نظم و روال ثابتی کـه دارنـد هـیچ کمکی به کودکان و نوجوانان نمی‌کنند.

در خصوص اینترنت نیز بایـد گفـت بـا همـه محاسـن و مزیـت هـایی کـه بهره‌گیری از اینترنت برای کودکان و نوجوانان دارد. امـا دارای محـدودیت‌هـا و معایبی نیز می‌باشد که والدین باید به این محدودیت‌ها و معایب دقـت بیـشتری مبذول دارند و از نحوه استفاده فرزندان خود آگاه باشند. از جمله آسـیب هـایی که اینترنت دارد عبارتند از:

اعتیاد اینترنتی:

وقتی واژه اعتیاد شنیده می‌شود بلافاصله اعتیاد بـه مـواد مخـدر در ذهـن‌هـا متبلور می‌گردد در صورتی که امروزه یکـی از مـوارد شـدید و روبـه گـسترش

اعتیاد، اعتیاد اینترنتی است و هر روز افراد جدیدی را جذب می‌نماید. بر اثر این اعتیاد افراد بر اثر عدم دسترسی به اینترنت دچار افسردگی، بی قراری، تحریک پذیری، عصبانیت و احساس نیاز می‌شوند و عدم قبول مسئولیت در خانواده، ازدواج و شغل از نشانه‌های دیگر آن است. این اعتیاد به گونه ای است که مبتلایان با آنکه از بی خوابی رنج می‌برند ولی نمی‌توانند آن را ترک کنند. دروغگویی از جمله ویژگی‌های مبتلایان به اینترنت می‌باشد. چراکه وانمود می‌کنند دنبال کار مهمی می‌گردند. از بین رفتن و یا کم رنگ شدن رابطه عاطفی کاربر با سایر اعضای خانواده از دیگر نشانه‌های این اعتیاد می‌باشد.

چت‌های مضر:

وجود اتاق‌ها و تالارهای گفتگو در اینترنت این فرصت را برای کودکان و نوجوانان ایجاد می‌کند که آنها وارد این گونه اتاق‌ها بشوند. و مورد سوءاستفاده دیگران بخصوص سوءاستفاده جنسی قرار بگیرند و یا دوستان نابابی از این طریق بدست آورند.

آسیب‌های جسمانی:

از جمله آسیب‌های جسمانی ناشی از بهره گیری طولانی مدت از اینترنت عبارتند از: آسیب بر چشم، دست ها، بازوها، گردن، اثرات منفی بر روی اعصاب و مغز کودکان، افتادن سرشانه‌ها و خارج شدن ستون فقرات از حالت طبیعی، محروم ساختن کودکان و نوجوانان از یادگیری‌های شناختی، جسمانی و اجتماعی توأم با بازی فعال و غیررسمی.

آسیب‌های اخلاقی:

تربیت و سلامت اخلاقی فرزندان و اعضای خانواده اساس یک خانواده سالم را تشکیل می‌دهد. اگر شرایطی پیش آید که بعد اخلاقی حاکم بر خانواده، متزلزل گردد در آن صورت باید شاهد بی هویتی اعضای خانواده باشیم. بسیارند سایت هایی که به مباحث ضداخلاقی می‌پردازند و سعی در متلاشی کردن اخلاقیات موجود بین انسانها و بخصوص خانواده‌ها را دارند. سایت هایی که صرفاً روابط ناپخته، نسنجیده، نامشروع و امور جنسی را نمایش می‌دهند، که آشنایی کودکان و نوجوانان با آنها باعث ورود زودهنگام آنها به بلوغ جنسی خواهد شد که خود این مسئله برای کودکان و نوجوانان مشکلات حاد شخصیتی، رفتاری و جنسی بوجود خواهد آورد.

گسست فکری و عاطفی:

از جمله آسیب‌های بهره گیری نامطلوب از اینترنت موجب جدایی فکری و عاطفی بین فرزندان و خانواده خواهد بود. چراکه وقت کودکان و نوجوانان صرفاً صرف استفاده و بازی با کامپیوتر خواهد بود و از گفتگو با اعضای خانواده بخصوص پدر و مادر باز خواهند ماند.

آسیب فرهنگی و اجتماعی:

اولین آسیب فرهنگی استفاده غلط از اینترنت گریز فرهنگی است که بوسیله القائاتی از فرهنگ‌های مختلف بوجود می‌آید. منزوی شدن کودکان و نوجوانان و ایجاد رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به دیگران از جمله آسیب‌های اجتماعی است (حسینی و دلاوری، ۱۳۸٤).

نحوه مدیریت و نظارت والدین

برای آنکه مدیران خانواده‌ها بتوانند فرزندان خویش را از خطرات ناشی از بهره گیری بازیهای کامپیوتری و استفاده از اینترنت مصون نگه دارند توصیه‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

❖ بر میزان نظارت بر بازی‌های فرزندانتان و استفاده آنها از فناوری اطلاعات ارتباطی جدید بیفزائید.

❖ سعی نمایید از مضامین و محتوای بازی‌های رایانه ای فرزندانتان آگاه باشید. چنانچه محتوا و مضمون آن را کم اهمیت یا بی اهمیت و یا احیاناً بدآموز تشخیص دادید فرزندان را از بازی با آن محروم نمایید.

❖ سعی نمایید بر نحوه خرید بازی‌های رایانه ای توسط فرزند یا فرزندانتان تسلط داشته باشید و ضابطه و میزان مبلغ خاصی برای خرید بازی‌های توسط فرزندان درنظر داشته باشید.

❖ به هوش باشید که اعتقادی نظیر نیاز بچه به بازی، ضرورت سرگرم شدن بچه، آموزش زبان، مشغول شدن بچه‌ها و ... شما را از نظارت بر نوع بازیها و فعالیت‌های رایانه ای غافل نکند.

❖ والدینی که برای آنها امکان پذیر است زبان انگلیسی را یاد بگیرند چراکه غالب برنامه‌های کامپیوتری و اینترنتی با زبان انگلیسی است.

❖ با کامپیوتر آشنایی مقدماتی تا حد رفع نیاز داشته باشید تا بتوانید بر فرزندان نظارت کنید.

❖ کامپیوتر را در مکانی قرار دهید که محل آن تقریباً عمومی‌باشد یعنی در دسترس والدین باشد.

❖ مدت زمان خاصی در روز یا هفته را برای بازی کودکان و نوجوانان با کامپیوتر و اینترنت معین نمایید.

❖ سایت‌ها و آدرس‌های اینترنتی سالم و مطمئن را شناسایی نمایید تا فرزندان شما از آنها بهره برداری نمایند.

❖ در صورت امکان در بهره گیری از اینترنت با فرزندان همراه باشید.

❖ گشودن ایمیل‌های ناشناس را در نزد کودکان و نوجوانان انجام ندهید. چراکه امکان دارد پیامهای نامطلوبی ارسال شده باشد.

❖ اگر از کامپیوتر استفاده می‌نمایید برای عدم دسترسی کودکان و نوجوانان به برنامه‌های خودتان حتماً از رمز استفاده نمایید.

❖ زمان بهره گیری فرزندان از اینترنت در آخر شب نباشد.

❖ مواظب باشید که فرزندان در بهره گیری از اینترنت پنهان کاری ننمایند.

❖ ارتباطات تلفنی مشکوک فرزندان را کنترل کنید.

❖ اگر فرزندان شما مایل نیستند در نزد شما از کامپیوتر و اینترنت استفاده کنند این یک هشدار است.

❖ باید درنظر داشت برخی مواقع نوجوانان جهت استفاده از سایت‌های غیراخلاقی و ... به منزل دوستان و کافی نت‌ها مراجعه می کنند.

۶

توانایی همکاری خانواده با مدرسه و سایر مراکز آموزشی

آشنایی با مراکز آموزشی کشور

۱ـ مهدکودک

مهدکودک مراکزی می‌باشند که کودکان کمتر از ٦ سال در آنجا مشغول آموزش می‌باشند. سابقه تشکیل کودکستان در ایران به سال ۱۳۰۰ برمی‌گردد که در آن سال یک معلم سخت‌کوش و تلاشگری به نام جبار عسگرزاده معروف به باغچه‌بان در شهر تبریز آن را دایر کرد. همانند سایر کشورها مدت زمان زیادی طول کشید تا راه‌اندازی مهدهای کودک همگانی شود. در ایران بعد از تشکیل شورای کتاب در سال ۱۳٤۱ و تشکیل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳٤٥ توجه خاصی به کودکان گردید و آرام آرام در کارخانجات، ادارات، سازمان‌ها و ... مراکزی جهت نگهداری و آموزش کودکان تأسیس شدند تا اینکه در حال حاضر انواع مهدکودک به شرح زیر در جامعه فعالیت می‌نمایند:

۱ـ مهدهای کودک دولتی: توسط دولت اداره می‌شدند و امروزه آرام آرام به بخش خصوصی واگذار می‌شوند.

۲ـ مهدهای کودک خودکفا: به این مهدها توسط ادارات کارخانجات، مؤسسات، سازمان‌ها، بیمارستان‌ها و ... جهت آموزش و تربیت فرزندان پرسنل خود ایجاد شده‌اند.

۳ـ مهدهای کودک خصوصی: که با سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی شکل گرفته‌اند.

٤ـ روستا مهدها: این مهدها در مراکز روستایی به همت اشخاص و حمایت سازمان بهزیستی ایجاد شده‌اند.

٥ـ مهدهای کودک تخصصی: که در آنها چند کارشناس فرهنگی فعالیت می‌نمایند مثل مهدهای قرآنی.

٦ـ مهدهای کودک غیرانتفاعی: که توسط افراد خیر و مؤسسات خیریه ایجاد می‌شوند و به صورت رایگان سرویس می‌دهند.

چگونگی انتخاب مهد کودک مناسب

مواردی که برای انتخاب و گزینش یک مهد کودک باید در نظر داشت متعدد می‌باشند که برخی از آنها عبارتند از:

❖ ظرفیت کلاس‌ها براساس استاندارد باشد.

❖ به جز فضای کلاس فضای تفریحی و آموزشی داشته باشند.

❖ از فضای باز برای بازی بچه‌ها برخوردار باشد.

❖ تجهیزات لازم برای بازی بچه‌ها داشته باشد.

❖ از سیستم گرمایی و سرمایی و تهدید مناسب برخوردار باشد.

❖ به مسایل ایمنی کودکان توجه شده باشد.

❖ ساختمان آفتاب‌گیر باشد و کلاس‌ها از نور کافی برخوردار باشند.

❖ کلاس‌ها از تجهیزات لازم برخوردار باشند.

❖ اسباب‌بازی‌های متعدد داشته باشند و از آنها استفاده کنند.

❖ اجرای برنامه‌ها به گونه‌ای با علایق کودکان همراه باشد.

❖ به رعایت اصول بهداشتی توجه شود.
❖ مدیر و مربیان آن با روانشناسی رشد و کودک آشنا باشند.
❖ مدیر و مربیان دارای چهره مناسب باشند.
❖ مدیر و مربیان سرزنده و شاد باشند.
❖ مدیر و مربیان برخوردی توأم با محبت داشته باشند. (اشتری، ۱۳۸٤، ٤۳)

انگیزه‌دار نمودن کودکان جهت رفتن به مهدکودک

برای ایجاد انگیزه در کودکان جهت فرستادن آنها به مهد متنوع و متعدد می‌باشند. برخی از آنها عبارتند از:

❖ بیان علت به مهد رفتن به کودک
❖ ارائه اطلاعات در خصوص مهد کودک و کارهای آن
❖ بازدید از مهدکدک قبل از ثبت‌نام
❖ تظیم خواب کودک با برنامه مهد کودک
❖ مشارکت دادن کودکان در انتخاب مهد
❖ صحبت کردن در خصوص علاقمندی کودک در مهد
❖ آشنا نمودن کودک با مدیر و مربیان مهد
❖ همراه کودک بودن در مهد در روزهای اوّل
❖ استقبال از برگشتن کودک به منزل (اشتری، ۱۳۸٤، ٤۷)

۲ــ مراکز پیش‌دبستانی

مراکز پیش‌دبستانی مخصوص کودکان ٦ ساله می‌باشد. در این مراکز کودکان به مدت یک سال با مقدمات آموزش رسمی آشنا می‌شوند و آماده ورود به

دبستان می‌گردند. از آنجایی که تدریس در مراکز پیش‌دبستانی با توجه به متون خاص و هماهنگ شده اتفاق نمی‌افتد لذا مربیان به هنگام فعالیت تدریس یک یا چند هدف از ابعاد متعدد اهداف را که در پی می‌آیند انتخاب و با اجرای روش خاصی در جهت تحقق آنها برمی‌آیند:

- ❖ اهداف در رابطه با حواس
- ❖ اهداف در رابطه با مهارت‌های خودیاری
- ❖ اهداف در رابطه با زبان‌آموزی
- ❖ اهداف در رابطه با توجه به توانایی‌های جسمانی و حرکتی
- ❖ اهداف در رابطه با مراقبت از خود (بهداشت و ایمنی)
- ❖ اهداف در رابطه با طبیعت
- ❖ اهداف در رابطه با مفاهیم ریاضی و علوم
- ❖ اهداف در رابطه با قدرت عقلانی
- ❖ اهداف در رابطه با شناخت محیط، مقررات، قوانین اجتماعی
- ❖ اهداف در رابطه با دین و فرهنگ
- ❖ اهداف در رابطه با پرورش ذوق هنری و ... (ملکی، ١٣٨٦)

۳ـ دبستان (دوره ابتدایی)

یکی از دوره‌های مهم و نظام آموزشی در جهان، دوره‌ی ابتدایی است. دوره‌ای که در رشد تربیت و تکوین شخصیت کودکان تأثیر بسزایی دارد. این دوره را دوره تأدیب، خلاقیت، بروز استعدادهای عمومی و کودکی سوم می‌نامند. آموزش و پرورش ابتدایی در ایران در مراکزی به نام دبستان انجام می‌گیرد و دبستان عبارت است از یک واحد تربیتی که به وسیله و یا با اجازه

آموزش و پرورش برای تربیت کودکان که در سنین هفت تا یازده سال هستند تأسیس می‌شود. (رضایی، ۱۳۸۷، ۱۱٤) امروز در جامعه ما مدارس ابتدایی با عنوان‌های دولتی، غیرانتفاعی شاهد، مشارکت مردمی بین‌المللی، خارجی و استثنایی وجود دارند. این دوره پنج ساله با تدوین برنامه‌هایی که متأثر از اهداف اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی، فرهنگی و هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی مناسب با این مقطع سنی می‌باشند به فعالیت ادامه می‌دهند.

٤ـ مدارس راهنمایی

دور ه راهنمایی تحصیلی مقطعی سه ساله می‌باشد که همزمان با دوران رشد جسمانی و بلوغ مخاطبان خویش می‌باشد. از دیدگاه روان‌شناسان راهنمایی عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها یا ارائه خدماتی که رشد متعادل تمام ابعاد وجود انسان را ممکن سازد. برنامه‌های این دوره نیز همانند دوره ابتدایی متأثر از اهداف کلان اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری، علمی و آموزشی زیستی و ... متناسب با سن مخاطبان تنظیم و اجرا می‌گردند. امروزه مدارس راهنمایی در جامعه با عناوین دولتی، دولتی شبانه، غیردولتی، نمونه دولتی، عشایری، مشارکت‌های مردمی، تیزهوشان، استعدادهای درخشان، شاهد، ایثارگران، بین‌المللی، خارجی، استثنایی و تطبیقی فعالیت می‌نماید.

۵ـ دبیرستان و متوسطه

تأسیس دارالفنون در سال ۱۳۲۲۸ سرآغاز کار مدرسه متوسطه به سبک جدید در ایران می‌باشد که توسط امیرکبیر پایه‌ریزی شد و الگوی آن متأثر از برنامه آموزشی فرانسه بود. این دوره که افراد ۱۲ الی ۱۸ سال را در خود جای

داده است یک دوره انتقالی از نوجوانی به جوانی محسوب می‌گردد و خود به سه گروه تقسیم می‌گردد:

الف ـ شاخه نظری (شامل رشته‌های ریاضی و فیزیک، علوم تجربی، ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی)

ب ـ شاخه فنی و حرفه‌ای (شامل صنعت، خدمات و کشاورزی)

ج ـ شاخه کار و دانش (شامل صنعت، خدمات و کشاورزی)

برنامه‌های این دوره نیز همانند دو دوره قبل براساس اهداف اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری، زیستی، اقتصادی، علمی و آموزشی، اخلاقی تهیه و تدریس و اجرا می‌گردند.

۶ـ دوره پیش دانشگاهی

این دوره در ایران یک ساله بوده و مخصوص کسانی است که قصد وارد شدن بر دانشگاه را دارند می‌باشد. در این دوره یک ساله دانش‌آموزان جهت ورود به مراکز آموزش عالی آماده می‌شوند.

۷ـ مراکز تربیت معلم

کسانی که به حرفه معلمی علاقه‌مند باشند با ورود به مراکز تربیت معلم ضمن کسب آمادگی‌های لازم حرفه‌ای با اخذ مدرک تحصیلی کاردانی وارد بازار کار و تدریس در مدارس مقطع ابتدایی و راهنمایی می‌گردند.

۸ـ آموزشکده‌های فنی

ماهیت تحصیل د راین آموزشکده‌ها نوعاً فنی است. دانشجویان با توجه به نوع گرایش و علاقه‌ای که دارند رشته تحصیلی موردنظر خود را انتخاب

می‌نمایند و پس از طی دوره تحصیل و با اخذ درک مربوطه وارد بازار کار می‌شوند.

۹ـ دانشگاه

دانشگاه‌ها مسئولیت آموزش عالی در جامعه را بر عهده دارند و به تربیت نیروی انسانی متخصص موردنیاز جامعه در ابعاد متعدد می‌پردازند. امروزه دانشگاه‌ها به صورت دولتی، آزاد، شبانه، پیام نور و غیرانتفاعی این مسئولیت را به انجام می‌رساند و با ارائه مدارک کاردانی و کارشناسی در رشته‌های مختلف دانشجویان را فارغ‌التحصیل می‌نمایند.

آشنایی با انجمن اولیاء و مربیان

تعریف انجمن

انجمن اولیاء و مربیان مؤسسه‌ای است که زیر نظر مدیری منصوب از جانب وزیر آموزش و پرورش با عنوان قائم مقام وزیر (نماینده‌ی تام‌الاختیار) در این زمینه و با بهره‌مندی از مشارکت و همیاری همه جانبه مردم به گردآوری، سازماندهی، عرضه خدمات تربیتی مطابق با اساسنامه خود می‌پردازد. (مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۵، ٩٦)

تاریخچه تشکیل انجمن

بعد از آ که انقلاب صنعتی در دنیا اتفاق افتاد زنان فرصت پیدا کردند که همانند مردان در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و بیرون از خانه به اشتغال بپردازند. برای نگهداری فرزندان در کنار کارخانه‌ها مهدهای کودک و در سطح شهرها

پرورشگاه‌ها جهت نگهداری کودکان ایجاد شدند. اما بر اثر کار و اشتغال فوق‌العاده والدین در مراکز کار موجب به وجود آمدن آلودگی و گرفتاری‌هایی برای کودکان گردید. مسئولان جامعه به تدریج دریافتند که بین بزهکاری کودکان و نوجوانان با نابسامانی‌های ایجاد شده در خانواده رابطه وجود دارد. آنها تصمیم گرفتند که مشکلات را با همکاری اولیا و مدرسه حل کنند که این ایده انگیزه‌ای شد تا انجمن‌های اولیا و مربیان تشکیل گردد.

در ایران تشکیل انجمن اولیاء و مربیان حدود صد سال قدمت دارد. ولی آنچه که تحت عنوان انجمن خانه و مدرسه یا انجمن اولیا و مربیان می‌باشد به سال ۱۳۲۶ برمی‌گردد. در آن زمان دست‌اندرکاران آموزش و پرورش تصمیم می‌گیرند در هر مدرسه انجمنی با نام انجمن خانه و مدرسه تشکیل دهند. (جهانگرد، ۱۳۷۱، ٤٤)

از آنجایی که این انجمن‌ها فعال نبودند در اکثر مدارس تشکیل نشدند در مهرماه ۱۳٤٦ انجمن یاد شده به انجمنی به نام «انجمن ملی اولیا و مربیان ایران» تأسیس و مرامنامه آن تنظیم گردید. بعد از انقلاب در سال ۱۳۷۵ اساسنامه‌ی انجمن مورد تجدیدنظر قرار گرفت و با ایجاد تغیراتی در اهداف و وظایف به نام انجمن اولیا و مربیان به فعالیت خویش ادامه داد.

اهداف تشکیل انجمن اولیا و مربیان

۱ـ آشنا شدن اولیا و مربیان با هم و آگاهی اولیا از روش و نحوه کار مربیان در مدارس

۲ـ آشنایی اولیا با مشکلات فرزندان و در مدرسه و آگاه نمودن مربیان از مشکلات فرزندان در منزل

۳ـ ایجاد هماهنگی بین اولیا و مربیان در خصوص روش‌های تربیتی در خصوص فرزندان

٤ـ آگاهی مربیان از انتظارات معلمان و برعکس آگاهی والدین از انتظارات مربیان

۵ـ هماهنگی لازم بین اولیا و مربیان جهت ملاقات یکدیگر در راستای تربیت فرزندان

٦ـ آگاه ساختن والدین با شرایط رشدی فرزندان

۷ـ تقویت حس مسئولیت اولیا در مقابل تربیت فرزندان

۸ـ تقویت ارتباط بین خانه و مدرسه

۹ـ تقویت و جلب مشارکت و همکاری اولیا در خصوص افزایش بازدهی مدارس

۱۰ـ آگاه نمودن اولیا نسبت به آسیب‌های اجتماعی و آثار منفی آنان بر فرزندان

۱۱ـ تقویت ارتباط منطقی بین والدین و فرزندان

فعالیت‌های انجمن اولیا و مربیان در مدرسه

الف - اقدامات فرهنگی و تربیتی شامل:

- برنامه‌ریزی جهت رشد علمی شاگردان
- برنامه‌ریزی جهت پر کردن مناسب اوقات فراغت شاگردان
- برنامه‌ریزی جهت حل مسائل و مشکلات تربیتی و آموزشی
- برنامه‌ریزی جهت برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده

ب - اقدامات بحرانی و رفاهی شامل:

- ❖ ایجاد امکانات برای شاگردان
- ❖ اقدامات در جهت حمایت از معلمان
- ❖ اقدامات در جهت حمایت از خانواده‌های نیازمند
- ❖ اقدامات در خصوص تعمیرات و آبادی آموزشگاه

وظایف اولیا در مقابل انجمن

- ❖ مشارکت در جلسات انجمن
- ❖ مشارکت در برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده
- ❖ خدمات‌رسانی در حد توان به مدرسه
- ❖ همکاری با انجمن در اجرای برنامه‌های انجمن
- ❖ انتقال مسائل و مشکلات مدرسه و دانش‌آموزان به انجمن
- ❖ حمایت‌های مالی و معنوی انجمن
- ❖ حضور فعال جهت فعال نمودن انجمن

شناسایی اصول همکاری خانواده با مدرسه

زمینه‌های متعددی برای همکاری خانه با مدرسه وجود دارد که والدین باید آنها را شناسایی نمایند و در آن زمینه‌ها با مدرسه سطح همکاری خویش را ارتقا ببخشند. از جمله:

ـ کمک به شناخت ویژگی‌های روانی، اخلاقی، جسمانی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان.

ـ بررسی نارسائی‌های آموزشی و اشکالات کار دانش‌آموزی در یادگیری دروس.

ـ کمک به شناخت، بررسی و ارزیابی روش‌های آموزشی.

ـ کمک به بررسی امکانات، تنگناها و کمبودهای مدرسه و امکان توسعه آنها.

ـ کمک به برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی و به طور کلی اداره مدرسه.

ـ کمک به شناخت درک و رفع ناراحتی‌ها و گرفتاری‌های مسلمان و کارکنان مدرسه.

ـ کمک مالی، تجهیزاتی، ایمنی و بهداشتی.

ـ کمک به مدرسه در ایجاد بستر مناسب برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و خلاقیت‌های دانش‌آموزان.

ـ کمک به اجرای فعالیت‌های فوق برنامه در مدرسه.

نقش والدین در کنترل برنامه تحصیلی فرزندان

امروزه یکی از کارکردها و وظایف اساسی خانواده در قبال فرزندان این می‌باشد که والدین تحصیل فرزندان را جدی تلقی نمایند و بگونه ای عمل کنند که فرزندان از تحصیلات عالی برخوردار گردند. برای این منظور در خانواده برخوردها نسبت به تحصیل فرزندان باید از شرایط و ضوابطی تابعیت نماید که برخی عبارتند از:

❖ تحصیل فرزندان باید بعنوان سرمایه گذاری تلقی گردد که در آینده منجر به درآمد بیشتر برای خانواده و شخص فرزند خواهد شد. اگر چنین تلقی گردد با ضریب اطمینان بیشتر هزینه می‌شود.

❖ همزمان که پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی فرزندان روبه جلو می‌رود والدین نیز باید اطلاعات و آگاهی‌های لازم درخصوص شرایط تحصیل در پایه و دوره تحصیلی بدست آورند تا بتوانند خودشان را با فرزندان هماهنگ سازند.

❖ والدین باید از انواع مشکلات تحصیلی نظیر افت تحصیلی، ترک تحصیل، عدم انجام تکالیف، اضطراب امتحان، مشکل با معلمان و دبیران و اساتید، مشکل با دیگر شاگردان و دانشجویان و ... فرزند و علل و عوامل بوجود آورنده آن آشنایی داشته باشند.

❖ والدین باید درخصوص نمره فرزندان بر نمره خاصی مثل بیست تأکید ننمایند بلکه حدود نمره ای تعیین کنند مثلاً به فرزندان بگویند نمره‌های بالاتر از ۱٦ قابل قبول است.

❖ والدین حتماً باید مدرسه فرزندان و اولیا مدرسه بخصوص معلمان و دبیران فرزندان خویش در ارتباط باشند تا بر اثر این تعامل بهتر بتوانند بر فرزندان خود در امر تحصیل کمک بنمایند.

❖ والدین باید بدانند فضا و جو روانی عاطفی حاکم بر خانواده بیش از بهره هوشی کودکان در موفقیت تحصیلی آن‌ها مؤثر می‌باشد. بنابراین اولیا باید سعی نمایند خانواده ای را بوجود آورند که در آن جو روانی حاکم

مطلوب بوده و همه اعضای خانواده بخصوص فرزندان احساس امنیت و آرامش خاطر نمایند.

❖ والدین باید بدانند که نحوه نگرش آنها و خانواده آنها بر درس و مدرسه تأثیر قابل چشم گیری بر میزان موفقیت و فعالیت‌های علمی‌فرزندان آنها دارد. در خانواده ای که از مدرسه بد گفته می‌شود نمی‌توان انتظار داشت که فرزندان خانواده با انگیزه و اشتیاق به مدرسه برود و درس بخواند.

❖ غنی کردن محیط خانواده از روش هایی است که والدین می‌توانند در پیشرفت تحصیلی فرزندان خود نقش داشته باشند. والدین می‌توانند به جای خرید اشیاء غیرضروری برای دانش آموزان کتاب‌ها و وسایل آموزشی تهیه کنند تا فرزندان هم اوقات فراغت خود را مفید صرف نمایند و تجربه جدیدی کسب کنند (بیابانگرد، ۱۳۷۸، ۱۱۹).

❖ والدین باید بدانند سطح تحصیلات آنان و فرهنگ خانواده ای که آنان بوجود آورده اند از جمله عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌باشد. پایین بودن سطح تحصیلات در درجه اول سبب می‌شود که خانواده نتواند کمک‌های علمی‌و درسی به فرزندان ارائه بنماید و در حل مشکلات درسی آنها را یاری نماید. بنابراین والدین اگر از سطح تحصیلات پایینی برخوردار می‌باشند باید سعی کنند سطح تحصیلات خود را افزایش دهند.

❖ یکی از راههای بهتر رسیدن بر تحصیل فرزندن این می‌باشد که تعداد فرزندان کم باشد تا والدین فرصت رسیدگی به امور تحصیلی آنها را داشته باشند و هزینه مناسبی را به منظور سرمایه گذاری در تحصیل

فرزندان انجام دهند. کثرت فرزندان هم مشکل مالی برای خانواده بوجود می‌آورد و هم عدم فرصت رسیدگی به تحصیل فرزندان.

❖ تدوین یک برنامه فعالیت برای فرزندان با حضور خود آنان توسط والدین به فعالیت‌های تحصیلی فرزندان جهت می‌دهد و آن را منظم می‌نماید بطوریکه کودکان هم به تفریح و سرگرمی می‌پردازند هم تلویزیون تماشا می‌کنند و به امور تحصیلی خویش می‌پردازند.

❖ از جمله مسائلی که امروزه بر دانش آموزان بخصوص دانش آموزان مقطع راهنمایی و متوسطه و بیشتر در پسران تأثیر گذارده است حاکم شدن ارزش‌های مادی در خانواده هاست. حاکم شدن ارزش‌های مادی در خانواده انگیزه و تحرک تحصیلی را پایین می‌آورد. لذا بر والدین است که اهمیت ادامه تحصیل را بر فرزندان تشریح نمایند و افق فکری آنها را نسبت به تحصیل تعیین کنند و آینده روشنی در پیش روی آنها باز نمایند و اگر از چنین کاری عاجز و ناتوان هستند موضوع را با مشاور دبیرستان محل تحصیل فرزند خویش در میان بگذارند تا فرزندان آنها را توجیه نماید.

❖ برخورداری کودکان و نوجوانان از عزت نفس بالا نقش مؤثری بر پیشرفت تحصیلی آنها خواهد داشت، عزت نفس یعنی اینکه کودکان و نوجوانان احساس کنند که فرد مفیدی هستند و وجود آنها برای خانواده و جامعه با اهمیت می‌باشد. بنابراین بر والدین است که اگر خطایی از فرزندان سر زد بخاطر تنبیه یا توبیخ عزت نفس فرزندان خویش را دچار تخریب ننمایند تا آنها دچار افت تحصیلی نشوند.

❖ برخورداری از انگیزه لازم برای هر کاری موتور حرکت فرد خواهد بود. در امر تحصیل فرزندان نیز یکی از وظایف والدین این خواهد بود که هرگاه احساس کردند فرزندان آنها دچار افت انگیزه شده است آن را تقویت نمایند. مهم تر این می‌باشد که خانواده‌ها بتوانند در فرزندان خویش انگیزه درونی ایجاد نمایند. انگیزه بیرونی معمولاً با یک عامل خارجی همراه است ولی در انگیزه درونی یک حالت روانشناختی در فرد بوجود می‌آید که حاصل برداشت خود از خود مبنی بر برخورداری از کفایت و شایستگی است.

❖ پرهیز نمودن از ایجاد اضطراب امتحان در فرزندان توسط والدین از نکته‌های کلیدی برخورد والدین با امتحان فرزندان می‌باشد. برخی مواقع والدین به هنگام امتحان فرزندان دچار اضطراب می‌گردند و این حالت را به فرزندان انتقال می‌دهند که این وضعیت کودکان و نوجوانان را با مشکل عدم تمرکز در نتیجه امتحان بد همراه می‌کند.

❖ به گونه‌ای برنامه ریزی نمایید که کودکان و نوجوانان تکالیف خویش را در اولین فرصت انجام دهند و به دقیقه نود موکول ننمایند چراکه در این صورت عجله و اضطراب به کودکان و نوجوانان دست می‌دهد و باعث کم دقتی در نوشتن و خواندن می‌شود و سطح یادگیری افت پیدا می‌کند و یا اینکه امکان دارد اتفاق خاصی بوجود آید که کودکان نتوانند به انجام امور تحصیلی بپردازند.

❖ بهره هوشی و توانایی ذهنی از جمله عوامل تأثیرگذار در تحصیل کودکان و نوجوانان می‌باشد و از آنجایی که بهره هوشی همه کودکان حتماً در

درون یک خانواده یکسان نمی‌باشد و تفاوتهای فردی بین آنها مشهود است بنابراین والدین به این امر باید توجه نمایند و انتظار از فرزندان را متناسب با میزان بهره هوشی آنها تنظیم نمایند و از سوی دیگر از مقایسه فرزندان با یکدیگر یا با سایر کودکان و نوجوانان پرهیز نمایند.

❖ اگر به لحاظ علمی‌قادر به کمک درسی به فرزندان خویش می‌باشید بخشی از اوقات فراغت خویش را جهت کمک به دروس فرزندانتان در اختیار آنها قرار دهید.

❖ هرگز تکالیفی را که معلمان برای کار در خانه تعیین نموده اند شما انجام ندهید بلکه کودکان را راهنمایی کنید تا خودشان انجام دهند.

❖ اگر به هر دلیلی فرزند یا فرزندان شما دچار افت تحصیلی شده اند مواظب باشید که این امر ادامه نداشته باشد.

❖ والدین باید سعی کنند با انواع رشته‌های تحصیلی، ماهیت و شرایط اخذ بعد از مدرک در رشته اطلاعاتی در دست داشته باشند که بتوانند فرزندان خویش را کمک فکری بنمایند.

❖ آشنایی با انواع مراکز تحصیلی دولتی، غیردولتی و شرایط ادامه تحصیل در آنها، چگونگی اعطای مدرک تحصیلی و ... والدین را ضروری است.

❖ سعی نکنید که به منظور کمک به فرزندانتان کتب درسی را تدریس کنید. چراکه روش تدریس شما با روش تدریس معلمان فرق دارد و این دوگانگی تدریس باعث دچار شدن فرزندان به تعارض می‌شود. کاری که شما باید انجام دهید این است که بعد از تدریس معلم به فرزندتان کمک نمایید تا موضوع تدریس شده در کلاس را تمرین و تکرار کند. به همین

منظور هماهنگی با نحوه کار معلمان فرزندان کمک بسیار بزرگی برای شما خواهد بود.

❖ زمانی که خسته و عصبانی می‌باشند و از آمادگی لازم جهت کمک به فرزندان برخوردار نمی‌باشید از کمک کردن خودداری نمائید، چرا که ممکن است مشکل را بیشتر کند.

❖ یادگیری‌های آموزشی و درسی فرزندانتان هر چند کوچک باشد را تقویت نمائید.

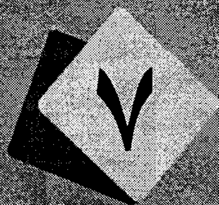
❖ فرزندان خود را با نتایج حاصل از یادگیری آشنا نمائید.

❖ سعی کنید با ایجاد ارتباط و هماهنگی بین خود و مدرسه سطح رضایت و خشنودی فرزندان از مدرسه را افزایش دهید.

❖ موقعیت‌هایی را به وجود آورید که فرزندان شما یاد گرفته‌های خود در مدرسه را به کار بگیرند.

❖ به هنگام حل مسائل به فرزندان را راهنمایی کنید تا خود آنها مسائل را حل کنند و از حل کردن مسائل پرهیز نمائید.

❖ از جمله مشکلات فرزندان شما در هر سنی که باشند مشکلات تحصیلی است. بنابراین به هنگام به وجود آمدن مشکل تحصیلی برای فرزندانتان سعی نمائید آنها را درک کنید و از تحقیر و توهین تنبیه پرهیز نمائید.



آگاهی از حقوق اعضای خانواده



آگاهی از حقوق اعضای خانواده

تعریف حقوق

علم حقوق علمی است که به تدوین قوانین و مقرراتی که برای تسهیل روابط اجتماعی و ضابطه‌مند کردن آنها در جامعه می‌انجامند می‌پردازد. به طوری که همه‌ی افراد جامعه ملزم به رعایت آن می‌باشند.

شاخه‌های علم حقوق

علم حقوق نیز همانند سایر رشته‌های علمی دارای شاخه‌های متعددی است که برخی از آنها عبارتند از:

حقوق خصوصی: شاخه‌ای از علم حقوق که به مطالعه در مورد روابط خصوصی یعنی معاملاتی یا قراردادی افراد می‌پردازد.

حقوق جزا و جرم‌شناسی: شاخه‌ای که به مطالعه در مورد جرایم و مجازات‌ها و جرم‌یابی می‌پردازد.

حقوق بین‌الملل: شاخه‌ای که به مطالعه در مورد روابط بین‌الملل افراد و دولت می‌پردازد.

حقوق عمومی: شاخه‌ای که به مطالعه در مورد روابط و ساختار سیاسی و اداری و روابط استخدامی و بازنشستگی کارکنان دولت می‌پردازد و همچنین تخلفات اداری کارمندان دولت را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

حقوق محیط زیست: شاخه‌ای که به تدوین مجموعه قواعد مقرراتی که برای حمایت از محیط طبیعی زندگی است می‌پردازد.

حقوق مالکیت فکری و معنوی و ... و آثار آن‌ها می‌باشد می‌پردازد.

حقوق خانواده: شاخه‌ای از علم حقوق است که به تدوین مجموعه قوانی و مقرراتی که حول روابط افراد خانواده در قالب خانواده وجود دارند می‌پردازد.

معنای حقوق

واژه حقوق با معانی متفاوت استعمال می‌گردد. گاهی به معنای جمع کلمه حق و گاهی به عنوان یک کلمه مفرد به کار می‌رود. در معنای مفرد دو معنا متصور است. الف) مجموع مقررات و قواعدی که بر افراد جامعه حاکم است. ب) مقصود علم حقوق می‌باشد. در بحثی که در پیش داریم حقوق را بیشتر به معنای قواعدی که در روابط اجتماعی بین افراد حاکمیت می‌کند درنظر خواهیم گرفت. از آنجایی که خانواده نیز به عنوان یک جامعه تلقی می‌گردد لذا حفظ آن قواعد بین اعضای آن ضرورت خواهد داشت. نکته قابل ذکر و توجه این است که وقتی کسی دارای حقوقی شد متقابلاً شخص دیگری که معمولاً در مقابل قرار دارد دارای تکلیفی می‌شود. مثلاً در خانواده وقتی زن دارای حق نفقه می‌گردد برای شوهر تکلیف پرداخت نفقه بوجود می‌آید. با توجه به اینکه خانواده تشکیل شده از مرد، زن و فرزند یا فرزندان می‌باشد ابتدا اشاره ای مختصر بر حقوق مردان و زنان بر یکدگر می‌گردد و سپس حقوق فرزندان بر والدین مورد بحث قرار می‌گیرد.

حقوق متقابل مرد و زن نسبت به هم:

همسران از حقوق متعددی نسبت به هم برخوردار می‌باشند که برخی از آنها در هر دو موجود و برخی اختصاصی یکی بر دیگری است. از جمله:

۱- حق برخورداری از علاقه مندی یکدیگر.

۲- حق برخورداری از صحت مزاج و سلامتی جسم و روان همسر.

۳- حق برخورداری از حسن معاشرت همسر.

٤- حق برخورداری از وفاداری نسبت به یکدیگر.

٥- حق برخورداری از احترام متقابل.

٦- حق برخورداری از امنیت در خانه.

۷- حق برخورداری از دانش اندوزی.

۸- حق برخورداری از اشتغال.

۹- حق برخورداری از همدلی همسر.

۱۰- حق برخورداری از ارضای غریزه جنسی.

۱۱- حق برخورداری از گذشت و اغماض.

۱۲- حق برخورداری از همکاری.

۱۳- حق برخورداری از فسخ نکاح (وقتی که شرایط آن وجود داشته باشد.)

١٤- حق برخورداری از مهریه (ویژه زنان).

۱٥- حق برخورداری از نفقه (ویژه زنان).

١٦- حق برخورداری از فرزند.

۱۷- حق برخورداری از عدالت.

۱۸- حق برخورداری از آرایش همسر.

۱۹- حق برخورداری از خانه داری (ویژه مردان).
۲۰- حق برخورداری از آراسته بودن خانه (ویژه مردان).
۲۱- حق برخورداری از حفظ اموال همسر.
۲۲- ...
۲۳- ...

حقوق فرزندان بر والدین

برای آشنایی از حقوق فرزندان بر والدین این بحث را در دو قسمت پی می‌گیریم.

الف) ضرورت آشنایی والدین با حقوق کودکان:

والدین اولین کسانی هستند که به تربیت فرزندان خویش اقدام می‌کنند. بنابراین ضروری است که آنان با حقوق انسانی به نام کودک که در اختیار دارند آشنایی پیدا کنند تا با توجه و عمل به آن‌ها زمینه مناسب رشد و شکوفایی عزیزان خویش را بهتر فراهم نمایند. آگاهی پدر و مادر از حقوق کودک باعث خواهد شد که:

- والدین بدون تبعیض با فرزندان خویش رفتار کنند.
- کانون خانواده برای کودکان گرم باشد و از محیطی امن برخوردار گردند.
- از پرداختن به انواع کودک آزاری پرهیز گردد.
- از روش مناسب تربیتی بهره گیرند.
- از بدرفتاری‌ها و مورد غفلت قرار دادن کودکان خودداری گردد.
- مسئولیت مناسب به کودکان بدهند.
- والدین بدانند منافع عالی کودک در خانواده همیشه باید مدنظر قرار بگیرد و اگر در خانواده تقسیم بندی‌هایی وجود داشته باشد حق کودک در اولویت خاص قرار دارد.

❖ والدین بدانند کتک، تهدید، حبس و ... نه تنها روش‌های تربیتی مناسبی نمی‌باشند بلکه کودک آزاری بوده و مجازات نیز دارد.

❖ والدین بدانند کودکان ملک شخصی نمی‌باشند که پدر و مادر مالک آن باشند.

❖ در فهم و درک خویش نسبت به کودکان تغییر ایجاد کنند.

❖ والدین از تکالیف خویش در برابر کودکان آگاه بشوند.

❖ والدین درمی‌یابند که کودکان افرادی هستندکه باید از آن‌ها مراقبت و محافظت ویژه ای کرد و به آن‌ها احترام گذاشت و به آن‌ها کمک کرد تا شاد باشند و بهتر رشد کنند. (فروزش، ١٣٨٤، ٢٥)

❖ والدین بدانند بی خبری از حقوق دیگران قابل قبول نیست و هیچ کس نمی‌تواند به بهانه بی اطلاعی از قانون، حقوق دیگری را زیر پا بگذارد.

❖ والدین به انجمن‌های حمایت از کودکان ملحق شوند و آن‌ها را یاری نمایند.

❖ والدین خواهند دانست که به کارگیری کودکان در کار ممنوع است به خصوص کارهایی که سخت و زیان آور تعریف می‌شوند. برخی از این کارها عبارتند از: کار در معادن، تونل‌ها، راهروهای سرپوشیده، کار در مجاورت کوره‌های ذوب و پخت و خرد کردن، آسیاب کردن، جدا کردن، جابجا کردن، دست زدن، پرکردن، خالی کردن، مخلوط کردن، پاک کردن، پاشیدن، تراشیدن و به کار بردن موادی که خود یا حالات مختلف آن از طریق تنفس یا تماس بدن یا جذب از راه پوست موجب مسمومیت، بیماری ریوی، سوختگی و ... گردد. (عبادی، ۱۳۷۱، ج ۱،۱۷۰)

ب) موارد حقوق کوکان بر والدین:[۱]

کودکان از حقوق متعددی بر والدین برخوردارند که به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد:

۱- حق برخورداری از محبت.

۲- حق برخورداری از دیدار والد یا والدین (هنگام جدایی والدین).

۳- حق برخورداری از جو عاطفی و روانی مثبت در خانواده.

٤- حق برخورداری از پذیرش و احترام.

۵- حق برخورداری از خانواده سالم.

٦- حق برخورداری از نفقه.

۷- حق برخورداری از تفاهم والدین.

۸- حق برخورداری از الگوی مناسب.

۹- حق برخورداری از دریافت پاسخ سؤالات.

۱۰- حق برخورداری از کسب مهارتهای زندگی.

۱۱- حق برخورداری از رشد و تکامل.

۱۲- حق برخورداری از بازی.

۱۳- حق برخورداری از تربیت مطلوب.

١٤- حق برخورداری از محیط بدون خشونت.

۱۵- حق برخورداری از نام نیک.

۱- برای اطلاع بیشتر از حقوق کودکان به کتاب «آشنایی با حقوق کودکان» نوشته نگارنده و پیمان نامه حقوق کودک سازمان ملل مراجعه نمائید.

۱۶- حق برخورداری از تحصیل و آموزش.

۱۷- حق برخورداری از ازدواج در سن مناسب.

۱۸- حق برخورداری از عدم استثمار.

۱۹- حق برخورداری از عدالت و عدم تبعیض.

۲۰- حق برخورداری از امنیت.

۲۱- حق برخورداری از جسم سالم.

۲۲- حق برخورداری از مراقبت و نگهداری.

۲۳- حق برخورداری از کرامت انسانی.

۲۴- حق برخورداری از دانستن.

...



توانایی مدیریت بر اسناد و مدارک خانواده



تعریف سند

به سند از ابعاد متعدد نگریسته شده و متناسب با آن تعاریف خاصی ارائه گردیده است که برخی از آنها آورده می‌شود:

۱- تعریف لغوی سند: سند در لغت به معنای تکیه گاه و هر چیزی است که بتوان بر آن اسناد کرد و بر آن اعتماد نمود.

۲- تعریف سند در فرهنگ اداری: سند در فرهنگ اداری حاصل فعالیتی است که از طرف افراد و سازمانهای مختلف به صورت نوشته یا به صورت‌های مختلف دیگر با رعایت موازین و مقررات تهیه و تنظیم شده برای مراجعات بعدی قابل نگهداری باشد (مدنی، ۱۳۸۵، ۳).

۳- تعریف سند از نظر اداری و بایگانی: از نظر اداری هر نوع سابقه ای که به صورت مکتوب، مانند: نامه‌های اداری و منقوش مانند: نقشه‌ها و نمودارها و مضبوط، مانند نوار و صفحه در یک سازمان برای انجام دادن وظایف اداری و توسط مأموران آن سازمان و در حدود وظایف مصوب رسماً ایجاد، دریافت و یا صادر شده باشد اصطلاحاً سند اداری گفته می‌شود. در صورتی که از طرف مقام مسئول در نامه‌های وارده ی اداری دستور بایگانی و یا به عبارتی که دلالت

بر رویت و اقدام در مورد آن صادر شده باشد، به چنین اسنادی، اسناد قابل بایگانی می گویند (امیرشاهی، ۱۳۷٦، ٦).

٤- تعریف سند از نظر حقوقی و قضایی: از نظر حقوقی سند یکی از وسایل اثبات حق است. به موجب ماده ی ۱۲۸٤ قانون مدنی ایران سند عبارت است از «هر نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.» منظور از نوشته‌ها یا خط، علامتی است که در روی صفحه خود را نشان می‌دهد و مبین پیام یا مفهوم خاصی باشد (همان، ٦).

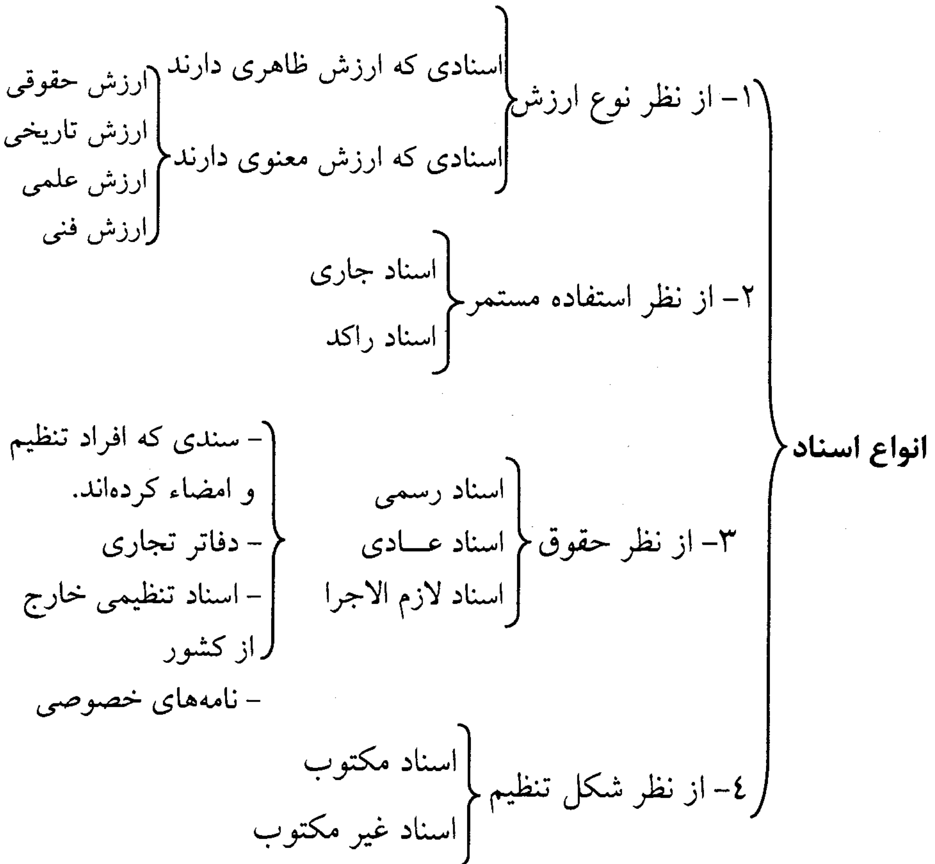
۵- تعریف سند از نظر قانون سازمانی اسناد ملی ایران: به موجب تبصره ماده‌ی ۱ قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳٤۹/۲/۱۷ سند عبارت است از «کلیه ی مراسلات، دفاتر، پرونده ها، عکسها و سایر اسنادی که در دولت تهیه، صادر و یا دریافت شود و به طور مداوم یا غیرمداوم در تصرف دولت بوده از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی و علمی‌تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران دارای ارزش نگاهداری دائمی‌باشد.» (همان، ٦).

نگارنده در حالت کلی برای سند تعریف زیر را مناسب می‌داند.

سند عبارت است از هر نوع اثر مکتوب (نوشتاری، ترسیمی، منقوش و ...) و غیرمکتوب (مناظر، سفال و ظروف، نوارهای صوتی و تصویری، فیلم، عکس و...) صارد شده، تولید شده و تأیید شده توسط مراجع متعدد صلاحیت دار که برای افراد دارای ارزش بوده و با کاربردهای متعددی که دارد نقش اساسی در زندگی انسانها ایفا می‌نمایند. در این تعریف ابعاد متعدد حقوقی، فرهنگی، علمی، تاریخی و ... سند نیز مدنظر می‌باشد.

انواع اسناد

انواع اسناد با توجه به معیارهای مختلف به شرح نمودار زیر می‌باشند:



- **اسناد جاری:** اسنادی هستند که در جریان فعالیت‌های روزمره بطور متوالی یا متناوب مورد استفاده و مراجعه قرار مـی‌گیرنـد و یـا احتمـالاً قـرار خواهنـد گرفت.

- **اسناد راکد:** اسنادی هستند که از جریان فعالیت‌های روزمره خارج شده اند ولی احتمال مراجعه مجدد به آن هنوز وجود دارد.

- **اسناد رسمی:** اسنادی می‌باشند که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا در دفاتر اسناد رسمی‌و یا در نزد سایر مأمورین رسمی‌در حدود صلاحیت آنها و برطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند. با توجه به این تعریف اکثر اسنادی که در اختیار یک خانواده قرار دارند جزء این دسته می‌شوند. مثل مدارک تحصیلی، گواهی ها، و ... چراکه توسط یک مرجع صلاحیت دار صادر شده اند.

- **اسناد عادی:** اسنادی می‌باشند که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا در دفاتر اسناد رسمی‌و یا در نزد سایر مأمورین صلاحیت دار تنظیم نشده اند. این اسناد چند نوع می‌باشند:

۱- اسنادی که بین افراد تنظیم و امضاء می‌گردند: این نوع اسناد در رابطه با روابط حقوقی افراد با یکدیگر تنظیم و امضاء و گاهاً مهر و اثر انگشت می‌شوند که دارای اعتبار می‌باشند و می‌توانند علیه امضاءکننده معتبر باشند.

۲- دفاتر تجاری: دفاتری که تجار به پیشه خود استفاده نمایند چه از نوع عادی و معمولی باشد و چه از نوع دفاتر تجاری رسمی‌از اسنادی می‌باشند که می‌توان بر آنها استناد نمود.

۳- اسناد تنظیمی‌خارج از کشور: این نوع اسناد اگر مطابق مقررات کشور موردنظر تنظیم شوند اعتبار دارند.

٤- نامه‌های خصوصی: نامه‌ها در واقع مکاتباتی هستند که بیشتر جنبه خصوصی دارند ولی در مواقعی به عنوان سند قابل طرح می‌باشند.

- **اسناد لازم الاجرا:** اسنادی هستندکه به موجب قانون به آن قوت قانونی و اجرایی داده می‌شود و مستلزم رسمی‌بودن آن هستند مانند چک.

- **اسناد مکتوب**: اسنادی هستند که بر روی کاغذ یا چیز دیگری نوشته شده باشند.

- **اسناد غیرمکتوب**: اسنادی هستند که بصورت نوشته بر روی کاغذ نمی‌باشند و به شکلها و حالت‌های مختلف وجود دارند مثل کلمات، نشانه ها، مناظر، سفال، نوارهای صوتی، فیلم، عکس و ...

- **اسناد فنی**: مدارکی هستد که بصورت مکتوب (مثل گزارش‌های تخصصی، روزنامه، ...) و یا بصورت نوار، فیلم، اسلاید و یا بصورت منقوش مثل نقشه، نمودار و ... وجود دارند.

مدیریت اسناد

مدیریت اسناد عبارت است از تهیه و تنظیم و اجرای برنامه لازم برای تسهیل و تسریع دست یافتنی به مکاتبات و اسناد و مدارک مورد نیاز از مرحله ایجاد سند تا امحای اوراق زاید (مدنی، ۱۳۸۵، ۱).

اهمیت و ضرورت مدیریت بر اسناد در خانواده

مدیریت بر اسناد و مدارک در خانواده از این جهت دارای اهمیت و ضرورت می‌باشد که خانواده نیز همانند سایر سازمانها به عنوان یک سازمان غیررسمی، اهمّیت دارد و اداره آن منوط به مدیریت در بخش‌های متعدد آن است. در خانواده نیز همانند سایر ادارات و سازمانها اسنادی تولید می‌شوند یا وارد می‌شوند. وجود مدارک و اسنادی چون شناسنامه ها، مدارک تحصیلی، مدارک ازدواج، دفترچه‌های بانکی، اسناد مالکیت، قبوض مختلف، کارت‌های متعدد، گواهی‌های گوناگون، اسناد پزشکی و دهها مورد دیگر توجه به آنها و

سامان بخشی به آنها را طلب می‌کند. این سامان بخشی و توجه چیزی نمی‌تواند باشد جز مدیریت اسناد.

فلسفه تنظیم اسناد

فلسفه و هدف از نوشتن اسناد استوار ساختن مالکیت و امنیت قضایی است. اگر تأمین قضایی نباشد اساس مالکیت متزلزل و حقوق افراد دست خوش امیال دیگران می‌شود. از این رو قضاوت صحیح فقط بر مبنای سند و مدارک مورد قبول استوار است (مدنی، ۱۳۸۵، ٤). تنظیم اسناد علاوه بر ضرورت حقوقی کاربردهای دیگری نیز دارد از جمله در دسترس بودن، قابل استفاده و استناد بودن و نشر دادن و جلوگیری نمودن از به بوته فراموشی سپردن بخصوص در مورد اسناد علمی، فرهنگی و غیره. همچنین قابلیت بخشیدن به موضوع مورد نظر جهت نگهداری و مراجعه مجدد با نیات متعدد مثل مراجعه به اسناد پزشکی شخصی برای درمان بیماری وی و مراجعه به مدارک تحصیلی فردی جهت بررسی و تحلیل وضعیت تحصیلی به منظور ارائه مشاوره تحصیلی.

اعتبار اسناد

اسناد وقتی دارای اعتبار می‌باشند که موضوعیت مورد سند تأیید گردد. تأیید موضوعیت سند متناسب با نوع سند متفاوت می‌باشد. برخی مواقع اعتبار سند منوط به وجود امضاء، تاریخ، شماره ثبت در دفاتر یک سازمان می‌باشد. این اسناد معمولاً درون سازمانی می‌باشند مثلاً آموزش و پرورش یک منطقه ای به مدارس تحت پوشش منطقه موضوع خاصی را با نامه و شماره خاصی اعلام می‌نماید. برخی مواقع اعتبار یک سند علاوه بر وجود امضاء، تاریخ و شماره به

وجود مُهر سازمان صادر کننده سند وابسته می‌باشد. این نوع اسناد در حیطه برون سازمانی کاربرد دارند. مثلاً کسی که از دانشگاهی فارغ التحصیل شده و جهت استخدام به اداره یا سازمانی مراجعه می‌کند مدرک تحصیلی وی وقتی اعتبار خواهد داشت که ممهور به مهر دانشگاه محل تحصیل باشد. برخی مواقع اعتبار اسناد منوط به تأیید موضوع مورد نظر توسط یک فرد متخصص یا مؤسسه علمی‌می‌باشند مثل اسناد علمی. برخی مواقع اعتبار اسناد منوط به موجودیت موضوع مورد سند در زمان و مکان خاصی می‌باشد مثل اسناد فرهنگی. موقعی اعتبار سند مورد ادعا وابسته به وجود آثار و نشانه هایی چون مناظر، سفال و ظروف، نوارهای صوتی و تصویری، فیلم، اسلاید، عکس و ... می‌باشد.

اقدامات اساسی در مدیریت اسناد

الف) تعیین هدف:

اولین گام در مدیریت بر اسناد پیش بینی و تعیین اهداف و مقاصد اداره امور اسناد است. برای تعیین هدف این پرسش باید مطرح شود و پاسخ داده شود که هدف از حفظ اسناد چیست؟ پاسخ پرسش مذکور می‌تواند متفاوت باشد. از جمله اینکه:

- ایجاد نظم در خانه.
- آموزش نظم به اعضای خانه.
- حفظ میراث فرهنگی.
- دسترسی آسان به اسناد (مدنی، ۱۳۸۵، ۲).

ب) شناسایی اسناد

در بحث‌های قبلی با مفهوم و انواع اسناد آشنا شدید. در این قسمت منظور از شناسایی اسناد این است که مدارکی را که به دستمان می‌رسد یا تولید می‌کنیم شناسایی نماییم که اولاً می‌تواند سند باشد؟ اگر بصورت سند است چه نوع سندی است؟ اگر جواب مثبت بود آن مدرک بدست آمده جزء اسناد محسوب کنیم و دور نیاندازیم.

ج) طبقه بندی اسناد

تعریف طبقه بندی: طبقه بندی اسناد عبارت است از قرار دادن اسنادی در کنار یکدیگر با خاصیت یا خاصیت‌های مشترک به منظور دسترسی آسان. طبقه بندی وقتی منطقی و صحیح خواهد بود که دارای خصوصیات زیر باشد:

۱- اطمینان: طبقه بندی باید طوری پی ریزی شود که محل دقیق سند مشخص باشد.

۲- سرعت: طبقه بندی باید موجبات دست یافتن به اسناد مورد لزوم را در حداقل زمان ممکن نماید.

۳- سهولت: طبقه بندی باید برای کلیه اعضای خانواده قابل فهم باشد.

٤- قابلیت انعطاف: طبقه بندی باید طوری باشد که با تغییرات احتمالی قابل تغییر باشد.

روش‌های طبقه بندی اسناد: اسناد موجود در خانه را با معیارها و ضوابط متعدد می‌توان طبقه بندی نمود. برخی از این طبقه بندی‌ها به شرح زیر می‌باشند:

۱- **طبقه بندی براساس موضوع:** براساس این نوع طبقه بندی کلیه مدارک و اسنادی که درخصوص یک موضوع خاص می‌باشند در کنار هم قرار می‌گیرند. کلیه مدارک تحصیلی اعضای خانواده یا کلیه مدارک درمانی و پزشکی اعضای خانواده، کلیه مدارکی که بر مالکیت اعضای خانواده دلالت دارند، قبوض آب، قبوض برق، قبوض تلفن، کلیه اسنادی که درخصوص شناخت ساختمان وجود دارند و دهها موضوع و مورد دیگر.

۲- **طبقه بندی براساس اعضای خانواده:** در این روش کلیه اسناد و مدارکی که مربوط به هر عضو خانواده می‌باشند در کنار هم قرار می‌گیرند. مثلاً مدارک تحصیلی، شناسنامه، گواهی نامه ها، تقدیرنامه ها، سی دی‌های علمی، فرهنگی و ... که مال یک نفر از اعضاست با هم طبقه بندی می‌شوند.

۳- **طبقه بندی براساس میزان کاربرد:** بعضی از اسناد کاربرد فراوان دارند و مکرراً باید به آنها مراجعه نمود مثل کارت ملی. در مقابل بعضی از اسناد سالانه نیز کاربرد ندارند مثل سند مالکیت خانه. در این نوع طبقه بندی اسنادی که کاربرد فراوان دارند در یک دسته و اسنادی که کاربرد کمتر دارند در دسته دیگر قرار می‌گیرند.

٤- **طبقه بندی براساس ماهیت اسناد:** اسناد موجود در منازل از ماهیت‌های متعددی برخوردار می‌باشند برخی اسناد ماهیت مالی دارند مثل کارت سهام، فیش‌های واریزی. برخی اسناد ماهیت اداری دارند مثل نامه‌های اداری مربوط به فرد. برخی اسناد ماهیت فرهنگی دارند. برخی ماهیت هنری دارند مثل نقاشی و خوشنویسی. برخی ماهیت تاریخی دارند. برخی ماهیت علمی‌دارند و الی

آخر. این طبقه بندی گویای دسته بندی نمودن اسناد موجودی براساس ماهیت آنهاست.

۵- طبقه بندی بر اساس زمان: در این نوع طبقه بندی اسناد صادره و موجود براساس تاریخ و سال صادره طبقه بندی می‌گردند.

٦- طبقه بندی شماره‌ای: در این نوع طبقه بندی اسنادی که تولید می‌شوند یا بدست می‌آید توسط مدیر خانواده شماره ردیف می‌خورد و در ادامه اسناد بایگانی می‌گردد. در این روش جدولی مطابق جدول زیر جهت دسترسی آسان به سند تنظیم می‌گردد و در ابتدای اسناد نصب می‌گردد و به عنوان راهنما از آن برای پیدا نمودن اسناد استفاده می‌شود.

«جدول اسناد بایگانی شده»

شماره سند	عنوان سند
۱	
۲	
۳	
٤	
...	

۷- طبقه بندی ترکیبی: در این نوع از طبقه بندی مدیریت بر اسناد با توجه به شرایط دو یا چند تا از روشهای مورد اشاره بطور یکجا مورد استفاده قرار می‌دهد.

د) نگهداری از اسناد

نگهداری کردن از اسناد به عنوان بخش مکمل طبقه بندی است و یکی از اساسی ترین اقدامات در مدیریت بر اسناد محسوب می‌گردد. اساس نگهداری

از اسناد را بایگانی کردن تشکیل می‌دهد. بایگانی دارای مفاهیم و معانی دوگانه‌ای به شرح زیر می‌باشد:

۱- بایگانی به مفهوم فن طبقه بندی، تنظیم و نگاهداری و حفاظت از اسناد و مدارک است. برطبق روشی معین به نحوی که در اسرع وقت و با کمال سهولت و با صرف حداقل هزینه، نیروی انسانی و وقت، بتوان به آن اسناد دست یافت.

۲- بایگانی به معنای محل نگهداری اسناد براساس ضوابط معین و علمی.

تشکیل پرونده اساس یک بایگانی مناسب را تشکیل می‌دهد. پرونده عبارت است از مجموع اسناد مربوط به یک موضوع مشخص و یا یک شخص خاص که با رعایت نظم و ترتیب و با رعایت حق تقدم در یک پوشه و یا زونکن نگاهداری شده باشد. محتویات یک پرونده مبین آن موضوع و یا مشخصات یک فرد است.

مثلاً کلیه مدارک مربوط به تحصیل یک فرد مثل ریزنمرات، گواهی‌های تحصیلی، گواهی تربیتی، کارنامه‌های تحصیلی و ... در یک پوشه قرار می‌گیرد. در تعریف دیگر آمده است پرونده عبارت است از مجموعه ای از مکاتبات، اسناد، مدارک مربوط به یک موضوع یا یک فرد که با رعایت نظم و ترتیب و ضوابط معین در یک پوشه یا وسایل مشابه نگهداری گردد (امیرشاهی، ۱۳۷۸، ۵۹).

به عبارت روشن تر باید گفت برای آنکه اسناد و مدارک نگهداری شوند باید آنها را به صورت پرونده‌های در دسترس تبدیل نمود. در تشکیل یک پرونده باید دقت نمود که اولاً حتماً اسنادی که در پرونده جای داده می‌شوند ارتباط منطقی با یکدیگر داشته باشند. مثلاً اسناد پزشکی با اسناد تحصیلی قاطی

نشوند. ثانیاً بهتر است در نحوه تنظیم اسناد یک پرونده تاریخ صدور سند و یا به عبارتی تقدم و تأخر سند رعایت گردد. ثالثاً اگر تعداد برگ‌های مربوط به یک سند زیاد باشد سعی شود همه برگ‌ها در یک پوشه قرار نگیرند و پوشه دیگری با همان عنوان و شماره ۲ ایجاد گردد. رابعاً حتماً باید مدیریت گردد که اسناد داخل یک پرونده نیز بطور منظم تنظیم شده باشند.

نحوه بایگانی نمودن پرونده ها:

نحوه بایگانی پرونده‌ها تابعی است از روش طبقه بندی برگزیده جهت مدیریت اسناد. یک روش معمولی آن است که چند پرونده مشابه داخل یک کارتن پرونده یا زونکن نگهداری شوند. مثلاً اگر شما برای طبقه بندی اسناد از روش موضوعی استفاده نموده اید و متناسب با موضوع‌های موجود برای کلیه اعضای خانواده پرونده ایجاد نموده اید حال باید پرونده‌های با عنوان مشابه را در داخل یک کارتن پرونده یا زونکن قرار دهید. به فرض خانواده شما دارای چهار عضو باشد شما باید برای هر چهار عضو پرونده تحصیلی تشکیل دهید و این چهار پرونده یا زونکن را در داخل کارتن پرونده ای با عنوان مدارک تحصیلی قرار دهید. به همین ترتیب پرونده‌های پزشکی، مالی و ... را باید طبقه بندی نمایید. یا اگر از روش اعضای خانواده استفاده نموده اید باید چهار کارتن پرونده یا زونکن داشته باشید که در این چهار کارتن پرونده، پرونده‌های مربوط به موضوعهای مختلف یک فرد جای گرفته باشند. از جمله پرونده‌های هر فرد عبارتند از: پرونده تحصیلی، پرونده پزشکی، پرونده گواهی ها، پرونده تقدیرنامه‌ها، پرونده اسناد و ...

ر) حفاظت از اسناد

بعد از بایگانی نمودن اسناد باید از اسناد حفاظت نماییم تا تخریب نشوند. عوامل متعددی بر اسناد اثر می‌گذارند و آنها را تخریب می‌کنند. از جمله این عوامل عبارتند از:

۱- ضعف اسناد: هیچکدام از اسناد بطور کامل مقاوم و پایدار نمی‌باشند. به عبارتی تمامی‌اسناد اجزایی دارند که از بین می‌روند و یا با عوامل معلق در هوا ترکیب شده و موجب فساد شدن خود می‌شوند. الیاف کوتاه، ناخالصی خمیر چوب، مواد اولیه تهیه کاغذ، مواد شیمیایی موجود در صنعت باعث شده اند که کاغذهای آسیب پذیر تولید گردند و تخریب شوند.

۲- محیط نگهداری اسناد: محیطی که اسناد در آن بایگانی می‌شوند نقش مهمی‌در حفظ اسناد دارند. از جمله عواملی که در محیط بر روی اسناد اثر می‌گذارند عبارتند از:

- **دما و رطوبت:** برقراری سطح ناصحیحی از دما و رطوبت در محیط منجر به واکنش‌های شیمیایی مخرب، رشد کپک، اسیدی شدن کاغذ، چروکیدگی و شکنندگی کاغذ می‌گردد.
- **راکد بودن هوا:** راکد بودن هوا در محل نگهداری اسناد زمینه رشد کپک را فراهم می‌نماید.
- **گرد و خاک:** گرد و خاک موجود در محیط باعث ساییدگی و صدمه به اسناد بخصوص اسناد شنیداری و تصویری مثل عکس‌ها می‌شود.
- **آلاینده‌های محیط:** ناخالصی‌های موجود در محیط بخصوص آلاینده‌های صنعتی مثل دی اکسیدها عامل تخریب کاغذ می‌باشند.

- نور: نور زیاد باعث می‌گردد رنگ نوشته‌ها از بین برود و کاغذها اکسیده شوند و حالت شکنندگی پیدا کنند، حالت ذوب برای برخی اسناد مثل نوارهای صوتی بعمل آید.

۳- نگهداری نامناسب: محیط بایگانی هرچقدر هم که مناسب باشد ولی روش نگهداری مطلوب نباشد عامل تخریب سند خواهد شد. چیدن نامناسب، بایگانی نامناسب، تاخوردگی، چین خوردگی و سایر عوامل در این خصوص به تخریب اسناد کمک می‌نماید.

٤- استفاده نامناسب: از جمله عوامل تأثیرگذار بر تخریب اسناد استفاده نامناسب از اسناد توسط اعضای خانواده است. کشیدن سیگار به هنگام مطالعه اسناد، خوردن یا آشامیدن به هنگام مطالعه اسناد، در اطراف بودن جوهر به هنگام مطالعه، کثیف بودن دستها به هنگام کار با اسناد و ... و ریختن آتش سیگار، مواد غذایی و نوشیدنی و ... بر اسناد آنها را تخریب خواهد نمود.

راههای حفاظت از اسناد:

رعایت توصیه‌های زیر به حفاظت اسناد کمک خواهد نمود:

۱- شناسایی جنس و نوع کاغذ سند و نگهداری آن در محیطی متناسب با آن نوع کاغذ.

۲- آشنایی با ویژگی‌های اسناد غیرکاغذی و راههای حفاظت از آنها.

۳- متحرک کردن هوای محیط نگهداری اسناد.

٤- تنظیم میزان نور و دمای محل نگهداری اسناد.

۵- درزگیری به منظور جلوگیری از ورود گرد و خاک.

٦- کنترل میزان نور تابیده شده به اسناد.

۷- در مقابل نور شدید قرار ندادن اسناد.

۸- چینش مناسب اسناد بر روی هم یا کنار هم.

۹- رعایت نکات ایمنی به هنگام استفاده از اسناد.

۱۰- تهیه نسخه کپی از هر سند برای استفاده‌های مکرر.

۱۱- آموزش نحوه استفاده از اسناد به اعضای خانواده.

۱۲- استفاده از محیطی مناسب جهت نگهداری اسناد.

۱۳- تکثیر از اسناد صوتی و تصویری.

۱٤- جلوگیری از تاب خوردن، چین و چروک شدن کاغذ.

ز) مرمت اسناد

برخی مواقع به دلایل متعددی اسناد دچار تخریب می‌شوند در چنین حالتی باید اقدامات لازم به منظور جلوگیری از نابودی سند به عمل آید که به آن مرمت اسناد گفته می‌شود. مرمت کردن اسناد برخی مواقع از عهده اعضای خانواده ساقط می‌باشد و باید فردی که در این امر از تخصص برخوردار است اقدام نماید. مرمت اسنادی نظیر اسناد جلد چرمی، ترمیم کاغذهای شکننده و نازک، برداشتن لکه ها، مرمت صفحه‌های شکسته گرامافون و مرمت هایی نظیر اینها صرفاً از عهده مرمت گر برمی‌آید و اوست که با توجه به نوع و میزان تخریب سند تصمیم می‌گیرد که چگونه مرمت کند. اما به هر حال اگر خود تصمیم به مرمت سندی گرفته اید باید قاعده و اصول مرمت کردن را رعایت کنید این اصول عبارتند از:

۱- مرمت باید به گونه ای باشد که امکان باز گشتن سند به حالت اولیه را فراهم کند.

۲- مرمت باید موجودیت سند را به مخاطره نیندازد.

۳- اگر از تکنیک‌های جدید مرمت استفاده می‌کنید حتماً باید به کارآیی آن مطمئن باشید تا آسیبی به سند وارد نشود.

٤- مرمت باید متناسب با مشکل بوجود آمده باشد.

روش‌های مرمت اسناد:

برای مرمت کردن اسناد روشهای متعددی وجود دارد که هر یک با توجه به نوع تخریب سند کاربرد دارند این روش‌ها عبارتند از:

۱- روش حاشیه‌سازی: این روش درباره اسنادی که دو طرف آنها نوشته دارد و سالم می‌باشند و فقط گوشه‌ها و حواشی آنها تخریب شده است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- روش آسترسازی: این روش را در مورد اسنادی که یک طرف نوشته دارند و قصد ضخیم نمودن آنها را داریم می‌توان استفاده نمود.

۳- روش قابگیری سند: در این روش برخی اسناد را در قاب‌ها قرار می‌دهند. بهتر است در چنین شرایطی از شیشه‌ها یا تلق هایی به رنگ زرد استفاده شود تا از تغییر رنگ کاغذ جلوگیری به عمل آید.

٤- به کار بردن پوشش حریر: در این روش اسناد و نوشته هایی که خطوط آنها پررنگ و واضح می‌باشد را با چسب بسیار ظریف می‌آلایند و سپس پارچه حریر بسیار نازکی که از ماوراء آن بتوان نوشته را تشخیص داد به دو طرف سند الصاق می‌نمایند.

۵- صاف کردن سند: در این روش اسناد چین خورده و تاب خورده مورد مرمت قرار می‌گیرند و صاف می‌شوند.

منابع و مآخذ

۱- امیر شاهی، منوچهر، (۱۳۷۸)، اصول و فنون اداره حوزه مدیریت، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۲- امیر شاهی، منوچهر، (۱۳۷٦)، مبانی مدیریت اسناد، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۳- افروغ، عماد، (۱۳۸۰)، فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، نشر مؤسسه فرهنگ و دانش.

٤- بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۷۸)، روش های جلوگیری از افت تحصیلی، نشر انجمن اولیا و مربیان.

۵- توانایان فرد، دکترحسن، (۱۳۵۹)، اقتصاد اجتماعی، نشر میلاد.

٦- تقوی، مهدی و همکاران (۱۳۷٤)، اصول حسابداری، نشر پیشبرد.

۷- تقی ظهیر، علی، (۱۳۷۲)، مبانی برنامه ریزی درسی و آموزشی، نشر آگاه.

۸- پورکاظمی، لطفعلی، (۱۳۸۲)، پزشک خانواده، نشر عطایی.

۹- جمشیدیان، (۱۳۸۵)، اقتصاد خانواده، دانشگاه علمی- کاربردی.

۱۰- خداداد، (۱۳۷۵)، روابط انسانی در مدیریت آموزش، نشر رویان.

۱۱- حسینی، عباس، (۱۳۸٤)، خانواده و اینترنت، نشر آستانه حضرت معصومه (س).

۱۲- خورشیدی، عباس، (۱۳۷۹)، راهبردهای مدیریت در آموزشگاه، نشر وزارت آموزش و پرورش.

۱۳- رزاقی، ابراهیم، (۱۳۷٤)، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، نشر چاپخش.

۱۴- رضایی، موسی، (۱۳۸۷)، خانواده و نگرش نو به تعلیم و تربیت، نشر دانش پرور.
۱۵- سیف، علی اکبر، (۱۳۷۰)، روانشناسی پرورشی، نشر آگاه.
۱۶- سی سختی، جهان شاه، (۱۳۷۲)، چگونه شاداب و خوشحال بمانیم، نشر جام.
۱۷- شفیع آبادی، عبداله، (۱۳۵۹)، راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه ای، نشر رشد.
۱۸- شرفی، محمد رضا، (۱۳۷۲)، خانواده متعادل، نشر اولیا و مربیان.
۱۹- شریف، عبداله، (۱۳۷۱)، عصر ابر بحران و قدرت فرد.
۲۰- صافی، احمد، (۱۳۷۸)، مدیریت و نوآوری در مدارس، نشر انجمن اولیا و مربیان.
۲۱- صافی، احمد، (۱۳۷۴)، خانواده متعادل، نشر انجمن اولیا و مربیان.
۲۲- صافی، احمد (۱۳۷۳)، مدیریت و برنامه ریزی در آموزش و پرورش، نشر وزارت آموزش و پرورش.
۲۳- طهماسبی، محتشم، (۱۳۷۴)، مبانی علم اقتصاد، نشر خجسته.
۲۴- عریضی، فروغ، (۱۳۸۱)، خانواده و بهداشت روانی، نشر آوای نور.
۲۵- عسگریان، مصطفی، (۱۳۷۲)، سازمان و مدیریت آموزش و پرورش، نشر امیرکبیر.
۲۶- عباس زادگان، سید محمد (۱۳۶۶)، اصول و مفاهیم اساسی مدیریت، نشر سروش.
۲۷- علی اکبری، محمد، (۱۳۸۰)، محدودیت های برنامه ریزی فرهنگی، مندرج در مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ، جلد ۱، نشر آرون.
۲۸- قرایی مقدم، امان اله، (۱۳۸۲)، انسان شناسی فرهنگی، نشر ابجد.
۲۹- کشوادی، طاهره، (۱۳۸۶)، اقتصاد در خانواده، نشر پیام نور.
۳۰- گلریز، حسن، (۱۳۷۴)، بورس اوراق بهادار، نشر امیرکبیر.

۳۱- گنابادی، محمود، (۱۳۷۵)، مدیریت خرید و سفارش های خارجی، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۳۲- مقدسی، جلال و همکاران، (۱۳۷۰)، مدیریت، نشر کتابخانه فروردین.

۳۳- ملکی، حسن، (۱۳۸۸)، آشنایی با حقوق کودکان، نشر آییژ.

۳٤- ملکی، حسن، (۱۳۸٦)، سی مهارت زندگی، نشر آییژ.

۳۵- ملکی، حسن، (۱۳۸٦)، تدریس در کودکستان، نشر آییژ.

۳٦- مدنی، داود، (۱۳۸۵)، نگهداری و بایگانی اسناد و مدارک، نشر دانشگاه علمی- کاربردی.

۳۷- میلانی فر، بهروز، (۱۳۷۰)، روانشناسی کودکان استثنایی، نشر قومس.

۳۸- نصرآبادی، علی باقی و همکاران، (۱۳۷۷)، مدیریت تربیت و پیشرفت تحصیلی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام عصر (عج).

۳۹- نوابی نژاد، شکوه، (۱۳۷۷)، اهداف و انگیزه های ازدواج، نشر انجمن اولیا و مربیان.

٤۰- نجاتی، حسین، (۱۳۷۱)، نقش تربیتی در خانواده، نشر چاپار فرزانگان.

٤۱- ویرجینیا، تسیو، (۱۳۷۳)، ترجمه بهروز بیرشک، آدم سازی در روانشناسی خانواده، نشر رشد.